

Holy Bible

Aionian Edition®

فارسی

**Open Persian Contemporary Bible
Gospel Primer**

جدول محتوا

مقدمه

پیدایش 4-1

یوحنای 21-1

مکاشفه 22-19

66 آیات

راهنمای خوانندگان

واژه نامه

نقشه ها

سرنوشت

Dore تصاویر

Welcome to the *Gospel Primer*. The Aionian Bible invites you to review popular Christian understanding. Is it possible that the most well-known verse in the Bible is mistranslated, John 3:16? Are the destinies of Heaven and Hell really the whole story? And are misunderstandings of this magnitude even possible? First, know that the Aionian Bible does not abandon Christian heritage. We have much to learn from godly people throughout all ages. Yet, this booklet is a new primer to the truly good news of Jesus Christ, the savior of all mankind.

Holy Bible Aionian Edition ®

فارسی

Open Persian Contemporary Bible
Gospel Primer

Creative Commons Attribution ShareAlike 4.0 International, 2018-2025

Source text: eBible.org

Source version: 12/28/2024

Source copyright: Creative Commons Attribution ShareAlike 4.0

Biblica, Inc., 1995, 2005, 2018, 2022

Original work available for free at www.biblica.com and open.bible

Formatted by Speedata Publisher 4.21.5 (Pro) on 1/28/2025

100% Free to Copy and Print

TOR Anonymously

<https://AionianBible.org>

Published by Nainoia Inc, <https://Nainoia-Inc.signedon.net>

All profits are given to <https://CoolCup.org>

We pray for a modern Creative Commons translation in every language
Translator resources at <https://AionianBible.org/Third-Party-Publisher-Resources>

Report content and format concerns to Nainoia Inc

Volunteer help is welcome and appreciated!

مقدمة

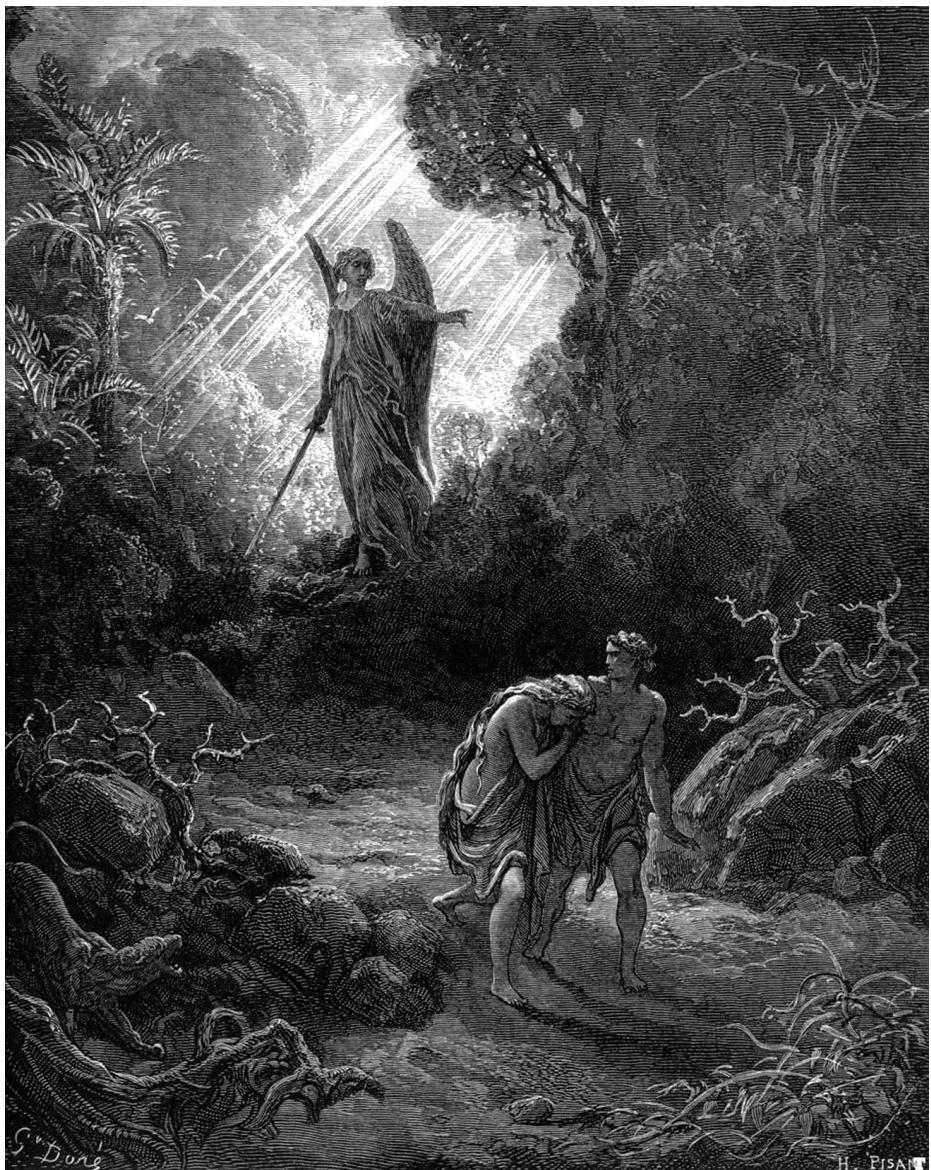
فارسی at AionianBible.org/Preface

The *Holy Bible Aionian Edition* ® is the world's first Bible *un-translation*! What is an *un-translation*? Bibles are translated into each of our languages from the original Hebrew, Aramaic, and Koine Greek. Occasionally, the best word translation cannot be found and these words are transliterated letter by letter. Four well known transliterations are *Christ*, *baptism*, *angel*, and *apostle*. The meaning is then preserved more accurately through context and a dictionary. The Aionian Bible un-translates and instead transliterates eleven additional Aionian Glossary words to help us better understand God's love for individuals and all mankind, and the nature of afterlife destinies.

The first three words are *aiōn*, *aiōnios*, and *aīdios*, typically translated as *eternal* and also *world* or *eon*. The Aionian Bible is named after an alternative spelling of *aiōnios*. Consider that researchers question if *aiōn* and *aiōnios* actually mean *eternal*. Translating *aiōn* as *eternal* in Matthew 28:20 makes no sense, as all agree. The Greek word for *eternal* is *aīdios*, used in Romans 1:20 about God and in Jude 6 about demon imprisonment. Yet what about *aiōnios* in John 3:16? Certainly we do not question whether salvation is *eternal*! However, *aiōnios* means something much more wonderful than infinite time! Ancient Greeks used *aiōn* to mean *eon* or *age*. They also used the adjective *aiōnios* to mean *entirety*, such as *complete* or even *consummate*, but never infinite time. Read Dr. Heleen Keizer and Ramelli and Konstan for proofs. So *aiōnios* is the perfect description of God's Word which has *everything* we need for life and godliness! And the *aiōnios* life promised in John 3:16 is not simply a ticket to *eternal* life in the future, but the invitation through faith to the *consummate* life beginning now!

The next seven words are *Sheol*, *Hadēs*, *Geenna*, *Tartaroō*, *Abyssos*, and *Limnē Pyr*. These words are often translated as *Hell*, the place of *eternal punishment*. However, *Hell* is ill-defined when compared with the Hebrew and Greek. For example, *Sheol* is the abode of deceased believers and unbelievers and should never be translated as *Hell*. *Hadēs* is a temporary place of punishment, Revelation 20:13-14. *Geenna* is the Valley of Hinnom, Jerusalem's refuse dump, a temporal judgment for sin. *Tartaroō* is a prison for demons, mentioned once in 2 Peter 2:4. *Abyssos* is a temporary prison for the Beast and Satan. Translators are also inconsistent because *Hell* is used by the King James Version 54 times, the New International Version 14 times, and the World English Bible zero times. Finally, *Limnē Pyr* is the Lake of Fire, yet Matthew 25:41 explains that these fires are prepared for the Devil and his angels. So there is reason to review our conclusions about the destinies of redeemed mankind and fallen angels.

The eleventh word, *e/ēsē*, reveals the grand conclusion of grace in Romans 11:32. Please understand these eleven words. The original translation is unaltered and a highlighted note is added to 64 Old Testament and 200 New Testament verses. To help parallel study and Strong's Concordance use, apocryphal text is removed and most variant verse numbering is mapped to the English standard. We thank our sources at eBible.org, Crosswire.org, unbound.Biola.edu, Bible4u.net, and NHEB.net. The Aionian Bible is copyrighted with creativecommons.org/licenses/by/4.0, allowing 100% freedom to copy and print, if respecting source copyrights. Check the Reader's Guide and read at AionianBible.org, with Android, and with TOR network. Why purple? King Jesus' Word is royal and purple is the color of royalty! All profits are given to CoolCup.org.



یهود خدا پس از بیرون راندن آنها، در سمت شرقی باع عدن کرویانی قرار داد و نیز شمشیری آتشین در آن گذاشت که به هر طرف می‌چرخید، تا

راه «درخت حیات» را محافظت کند.

پیباپش 3:24

پیدایش

1

و تمام خزندگان را، که هر یک نوع خود را تولید می‌کنند، به وجود آورد. و خدا دید که نیکوست. 26 سپس خدا فرمود: «انسان را

خالی بود، و تاریکی آبهای عمیق را پوشانده بود. و روح خدا بر سطح آسمان، و بر چارپایان و همه جانوران وحشی و خزندگان روی زمین آبها در حرکت بود. 3 خدا فرمود: «روشنایی بشود.» و روشنایی حکومت کند.» 27 پس خدا انسان را به صورت خود آفرید؛ ایشان شد. 4 خدا روشنایی را پسندید و آن را از تاریکی جدا ساخت. 5 را به صورت خدا آفرید؛ ایشان را مرد و زن آفرید. 28 سپس خدا او روشنایی را «روز» و تاریکی را «شب» نامید. شب گذشت و ایشان را برکت داد، فرمود: «بارور و زیاد شوید، زمین را بُر سازید، بر صبح شد. این، روز اول بود. 6 سپس خدا فرمود: «فضایی باشد آن تسلط یابید، و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیواناتی که بین آبها، تا آبهای بالا را از آبهای پائین جدا کند.» 7 پس خدا بر زمین حرکت می‌کنند، فمانزوایی کنید. 29 آنگاه خدا گفت: فضایی به وجود آورد تا آبهای پائین را از آبهای بالا جدا کند. 8 خدا «تمام گیاهان دانه‌دار روی زمین را و همه میوه‌های درختان را برای این فضا را «آسمان» نامید. شب گذشت و صبح شد. این، روز خوارک به شما دادم، 30 و همه علفهای سبز را به همه جانوران دوم بود. 9 پس از آن خدا فرمود: «آبهای زیر آسمان در یک جا وحشی، پرندگان آسمان و خزندگان روی زمین، یعنی به هر موجودی جمع شوند تا خشکی پدید آید.» و چنین شد. 10 خدا خشکی را که جان در خود دارد، بخشیدم.» 31 آنگاه خدا به آنچه آفریده بود «زمین» و اجتماع آبها را «دریا» نامید. و خدا دید که نیکوست. نظر کرد و کار آفرینش را از هر لحظه عالی دید. شب گذشت و 11 سپس خدا فرمود: «زمین نباتات برویاند، گیاهان دانه‌دار و درختان صبح شد. این، روز ششم بود.

میوه‌دار که هر یک، نوع خود را تولید کنند.» و چنین شد. 12 زمین 2 به این ترتیب آفرینش آسمانها و زمین و هر چه در آنها بود، نباتات رویاند، گیاهانی که برسحب نوع خود دانه تولید می‌کرند، و درختانی که برسحب نوع خود میوه دانه‌دار می‌آورند. و خدا دید که تکمیل گردید. 2 با فرا رسیدن روز هفتم، خدا کار آفرینش را تمام نیکوست. 3 خدا گذشت و صبح شد. این، روز سوم بود. 14 سپس خدا فرمود: «در آسمان جسم نورافشان باشدند تا روز را زمین شد، و نشانه‌هایی باشدند برای نشان دادن فصل‌ها، روزها، سالها. 15 و این اجسام نورافشان در آسمان، بر زمین بنشانند.» و پایان کار آفرینش، آرام گرفت. 4 این بود تاریخچه آسمانها و زمین. هنگامی که یهود خدا آسمانها و زمین را ساخت 5 هیچ یوته و گیاهی بر زمین نزدیک بود، زیرا یهود خدا هنوز باران نبارانیه بود، و همچنین چنین شد. 16 پس خدا دو جسم نورافشان بزرگ ساخت: جسم نورافشان بزرگتر برای حکومت بر روز و جسم نورافشان کوچکتر برای حکومت بر شب. او همچنین ستارگان را ساخت. 17 خدا آنها را در آسمان قرار داد تا زمین را روشن سازند، 18 بر روز و شب حکومت کنند، و روشنایی و تاریکی را از هم جدا سازند. و خدا دید که نیکوست. 19 شب گذشت و صبح شد. این، روز چهارم بود. 20 سپس خدا فرمود: «آبهای از موجودات زنده برو شوند و پرندگان بر فراز آسمان به پرواز درآیند.» 21 پس خدا حیوانات بزرگ دریایی و انواع جانداران را که می‌جنند و آنها را پر می‌سازند و نوع خود را تولید می‌کنند، و نیز همه پرندگان را که نوع خود را تولید می‌کنند، آفرید. و سپس این رودخانه به چهار رود کوچکتر تقسیم گردید. 11 رود خدا دید که نیکوست. 22 پس خدا آنها را برکت داده، فرمود: «بارور و زیاد شوید. حیوانات دریایی آبها را بُر سازند و پرندگان نیز بر اول فیشون است که سراسر سرزمین خوبیه را که در آنجا طلا یافت می‌شود، دور می‌زنند. 12 طلای آن سرزمین بسیار خالص است، و در زمین زیاد شوند.» 23 شب گذشت و صبح شد. این، روز پنجم آنجا صمنځ خوشبو و سنگ چوع نیز یافت می‌شود. 13 رود دوم بود. 24 سپس خدا فرمود: «زمین، انواع حیوانات را که هر یک نوع خود را تولید می‌کنند، به وجود آورد: چارپایان، خزندگان و جانوران جیجیون است که از سرزمین کوش عبور می‌کند. 14 سومین رود، دجله است که به سوی شرق آشور جاری است و رود چهارم فرات وحشی را.» و چنین شد. 25 خدا انواع جانوران وحشی، چارپایان،

است. ۱۵ یهوه خدا آدم را در باغ عدن گذاشت تا در آن کار کند و برهنه‌ای؟ آیا از میوه آن درختی خورده که به تو گفته بودم از آن از نگهداری نماید. ۱۶ اما یهوه خدا به او گفت: «تو می‌توانی از نخوری؟» ۱۷ آدم جواب داد: «این زن که می‌باشد من ساختنی، از آن همه میوه‌های درختان باع آزادانه بخوری، ۱۸ بجز میوه درخت میوه به من داد و من هم خوردم.» ۱۹ آنگاه یهوه خدا از زن پرسید: شناخت نیک و بد. زیرا اگر از میوه آن بخوری، مطمئن باش خواهی «این چه کاری بود که کردی؟» زن گفت: «مار مرا فریب داد.» ۲۰ یهوه خدا فرمود: «شایسته نیست آدم تنها بماند. باید برای ۲۱ پس یهوه خدا به مار فرمود: «به سبب انجام این کار، از تمام او بار مناسبی به وجود آرم.» ۲۲ آنگاه یهوه خدا همه حیوانات و حیوانات وحشی و اهلی زمین ملعونتر خواهی بود. تا زنده‌ای روی پرنده‌گانی را که از خاک سروشته بود، نزد آدم آورد تا بیند آدم چه شکست خواهی خزید و خاک خواهی خورد. ۲۳ بین تو و زن، و نامهایی بر آنها خواهد گذاشت. بدین ترتیب تمام حیوانات و پرنده‌گان نیز بین نسل تو و نسل زن، خصوصت می‌گذارم. نسل زن سر تو نامگذاری شدند. ۲۴ پس آدم تمام چاریابان و پرنده‌گان آسمان و را خواهد کویید و تو پاشنه‌وی را خواهی زد.» ۲۵ آنگاه به زن همه جانوران وحشی را نامگذاری کرد، اما برای او بار مناسبی یافت فرمود: «درد زیان تو را زیاد می‌کنم و تو با درد فرزندان خواهی زاید. ۲۶ آنگاه یهوه خدا آدم را به خواب عمیقی فرو برد و یکی از مشتاق شهورت خواهی بود و او بر تو تسلط خواهد داشت.» ۲۷ دندۀ‌هایش را برداشت و جای آن را با گوشت پُر کرد. ۲۸ آنگاه سپس خداوند به آدم فرمود: «چون گفته زنت را پذیرفته و از میوه آن یهوه خدا از آن دندۀ، زنی سرشت و او را پیش آدم آورد. ۲۹ آدم درختی خورده که به تو گفته بودم از آن نخوری، زمین زیر لعنت قرار گفت: «این است استخوانی از استخوانهایم و گوشتش از گوشتم. نام خواهد گرفت و تو تمام ایام عمرت با رنج و زحمت از آن کسب او»نسا باشد، چون از انسان گرفته شد.» ۳۰ به این سبب است که معاش خواهی کرد. ۳۱ از زمین خار و خاشاک براحت خواهد رویید و مرد از پدر و مادر خود جدا می‌شود و به زن خود می‌پیوندد، و از آن گیاهان صحراء را خواهی خورد. ۳۲ تا آخر عمر به عرق پیشانی ات نان پس، آن دو یک تن می‌شوند. ۳۳ آدم و زنش هر چند برهنه بودند، خواهی خود و سرانجام به همان خاکی باز خواهی گشت که از آن گرفته شدی؛ زیرا تو از خاک سروشته شدی و به خاک هم برخواهی گشت. ۳۴ آدم، زن خود را خوا (یعنی «زندگی») نامید، چون او مار از همه حیواناتی که یهوه خدا ساخته بود، زیرکتر بود. روزی می‌پایست مادر همه زندگان شود. ۳۵ یهوه خدا لیسه‌ای از پوست مار نزد زن آمد، به او گفت: «آیا حقیقت دارد که خدا شما را از خوردن میوه تمام درختان باع منع کرده است؟» ۳۶ زن در جواب گفت: «ما اجازه داریم از میوه همه درختان بخوریم، ۳۷ به جای میوه درختی که در وسط باع است. خدا فرموده است که از میوه آن درخت نخوریم و حتی به آن دست نزنیم و گرنه می‌میریم.» ۳۸ مار گفت: «مطمئن باش نخواهید مُرد! ۳۹ بلکه خدا خوب می‌داند زمانی که از میوه آن درخت بخوردی، چشمان شما باز می‌شود و ماند خدا می‌شود و می‌توانید خوب را از بد تشخیص دهید.» ۴۰ آن درخت در نظر زن، زیبا آمد و با خود اندیشید: «میوه این درخت دلپذیر، احسان شرم نمی‌کردند.

۳

۴۱ مار از همه حیواناتی که یهوه خدا ساخته بود، زیرکتر بود. روزی می‌پایست مادر همه زندگان شود. ۴۲ یهوه خدا لیسه‌ای از پوست خیوان تهیه کرد و آدم و زنش را پوشانید. ۴۳ سپس یهوه خدا فرمود: «حال که انسان مانند ما شده است و خوب و بد را می‌شناسد، می‌باشد خود را دراز کند و از میوه»درخت حیات«زیز گرفته، بخورد و تا دست خود را دراز کند و از میوه»درخت حیات«زیز گرفته، بخورد و تا ابد زنده بماند.» ۴۴ پس یهوه خدا آنها را از باع عدن بیرون راند، تا آدم برود و در زمینی که از خاک آن سروشته شده بود، کار کند. ۴۵ یهوه خدا پس از بیرون راندن آنها، در سمت شرقی باع عدن کروپیانی قرار داد و نیز شمشیری آتشین در آن گذاشت که به هر طرف می‌چرخید، تا راه «درخت حیات» را محافظت کند.

۴۶ توانید، خوش طعم باشد و به من دانایی بپخشند. ۴۷ پس از میوه ۴۸ حوا را از آدم حامله شده، پسری زاید. آنگاه حوا گفت: «به درخت چید و خورد و به شوهرش هم که با او بود داد و او نیز خورد. کمک خداوند مردی حاصل نمودم.» پس نام او را قائن گذاشت. ۴۹ آنگاه چشمان هر دو باز شد و ناگهان متوجه برهنگی خود شده، حوا بار دیگر حامله شده، پسری زاید و نام او را هایل گذاشت. ۵۰ احسان شرم کردند. پس با برگهای درخت انجیر پوششی برای خود هایل به گله‌داری پرداخت و قائن به کشاورزی مشغول شد. ۵۱ پس از عصر همان روز وقتی آدم و زنش، صدای یهوه مدتی، قائن هدیه‌ای از حاصل زمین خود را به حضور خداوند آورد. خدا را که در باع راه می‌رفت شنیدند، خود را لابلای درختان پنهان ۵۲ هایل نیز چند رأس از نخست‌زادگان گله خود را ذبح کرد و کردند. ۵۳ یهوه خدا آدم را ندا داد: «ای آدم، کجا هستی؟» ۵۴ آدم بهترین قسمت گوشت آنها را به خداوند تقدیم نمود. خداوند هایل و جواب داد: «صدای تو را در باع شنیدم و ترسیدم، زیرا برهنه بودم؛ هدیه‌اش را پذیرفت، ۵۵ اما قائن و هدیه‌اش را قبول نکرد. پس قائن پس خود را پنهان کرد.» ۵۶ خدا فرمود: «چه کسی به تو گفت که برآشست و از شدت خشم سرش را به زیر افکند. ۵۷ خداوند از قائن

پرسید: «چرا خشمگین شده‌ای و سرت را به زیر افکنده‌ای؟ **7** اگر شیث بزرگ شد، برایش فرزندی به دنیا آمد که او را انوش نام نهادند.

درست عمل کنی، آیا پذیرفته نمی‌شوی؟ اما اگر درست رفتار نکنی، در زمان انوش بود که مردم به خواندن نام خداوند آغاز کردند.

بدان که گناه در کمین توست و می‌خواهد بر تو مسلط شود، ولی تو

باید بر آن چهره شوی.» **8** روزی قائن از برادرش هایل خواست که با

او به صحراء برود. هنگامی که آنها در صحراء بودند، ناگهان قائن به

برادرش حمله کرد و او را کشت. **9** آنگاه خداوند از قائن پرسید:

«برادرت هایل کجاست؟» قائن جواب داد: «از کجا بدانم؟ مگر

من نگهبان برادرم هستم؟» **10** خداوند فرمود: «این چه کاری بود که

کردی؟ خون برادرت از زمین نزد من فریاد برمی‌آورد. **11** اکنون ملعون

هستی و از زمینی که با خون برادرت آن را زنگین کرده‌ای، طرد

خواهی شد. **12** از این پس، هر چه کار کنی، دیگر زمین محصول

خود را آنچنان که باید، به تو نخواهد داد، و تو در جهان آواره و

پریشان خواهی بود.» **13** قائن گفت: «مجازات من سنگیتر از آن

است که بعوانه تحمل کنم. **14** امروز مرا از این سرزمین و از حضور

خودت می‌رانی و مرا در جهان آواره و پریشان می‌گردانی، پس هر

که مرا بینند مرا خواهد کشته.» **15** خداوند به او گفت: «چنین

نخواهد شد؛ زیرا هر که تو را بکشد، مجازاتش هفت برابر شدیدتر از

مجازات تو خواهد بود.» سپس خداوند نشانی بر قائن گذاشت تا

هرگاه کسی با او بrixود کند، او را نکشد. **16** آنگاه قائن از حضور

خداوند بیرون رفت و در زمین نُود (یعنی «سرگردانی») در سمت

شرقی عدن ساکن شد. **17** چندی بعد همسر قائن آبستن شده

خونخ را به دنیا آورد. آنگاه قائن شهری ساخت و نام پسرش خنوح را

بر آن شهر گذاشت. **18** خنوح پدر عیزاد، عیزاد پدر محویائیل،

محویائیل پدر متواشیل و متواشیل پدر لمک بود. **19** لمک دو زن به

نامهای عاده و ظله گرفت. **20** عاده پسری زاید و اسم او را یا بال

گذاشتند. او کسی بود که خیمه‌نشینی و گله‌داری را رواج داد. **21**

برادرش یوبال اولین موسیقیدان و مختصر چنگ و نی بود. **22** ظله، زن

دیگر لمک هم پسری زاید که او را توبیل قائن نامیدند. او کسی بود

که کار ساختن آلات آهنی و مسی را شروع کرد. خواهر توبیل قائن،

تعمه نام داشت. **23** روزی لمک به همسران خود، عاده و ظله،

گفت: «ای زنان به من گوش کنید. جوانی را که مرا مجرح کرده

بود، گشتم. **24** اگر قرار است مجازات کسی که قائن را بکشد،

هفت برابر مجازات قائن باشد، پس مجازات کسی هم که بخواهد

مرا بکشد، هفتاد و هفت برابر خواهد بود.» **25** پس از آن، آدم و

حواً صاحب پسر دیگری شدند. حواً گفت: «خدا به جای هایل

که به دست برادرش قائن کشته شده بود، پسری دیگر به من عطا

کرد.» پس نام او را شیث (یعنی «عطلا شده») گذاشت. **26** وقتی



در چین و وضعی، عیسی فرمود: «ای پدر، اینها را بیخشن، زیرا که نمی دانند چه می کنند.» سریازان رومی لیاسهای عیسی را به حکم قرعه میان خود تقسیم کردند.

لوقا 23:34

26 یعنی گفت: «من مردم را فقط با آب تعیید می‌دهم؛ ولی همین

جا در میان این جمیعت، کسی هست که شما او را نمی‌شناسید.

در آغاز کلمه بود، کلمه با خدا بود، و کلمه، خدا بود. 2 او 27 او به زودی خدمت خود را در بین شما آغاز می‌کند. مقام او به

در آغاز با خدا بود. 3 هر چه وجود دارد، به وسیله او آفریده شده و قدری بزرگ است که من حتی شایسته نیستم بند کفشهایش را باز

چیزی نیست که توسط او آفریده نشده باشد. 4 در او حیات بود، و کنم.» 28 این گفتگو در بیت عینا در آن طرف

این حیات همانا نور جمیع انسان‌ها بود. 5 او همان نوری است که رود اردن و جانی است که یعنی مردم را تعیید می‌داد. 29 روز بعد،

در تاریکی می‌درخشد و تاریکی هرگز نمی‌تواند آن را خاموش کند. یعنی، عیسی را دید که به سوی او می‌آمد. پس به مردم گفت:

6 خدا یعنی را فرستاد 7 تا این نور را به مردم معرفی کند و مردم «نگاه کنید! این همان بُوای است که خدا فرستاده تا برای آمرزش

به‌واسطه او ایمان آورند. 8 یعنی آن نور نبود، او فقط شاهدی بود تا گناهان تمام مردم دنیا قربانی شود. 30 این همان کسی است که

نور را به مردم معرفی کند. 9 آن نور حقیقتی که به هر انسانی روشنایی گفتم بعد از من می‌آید ولی مقامش از من بالاتر است، زیرا پیش از

می‌بخشد، به جهان می‌آمد. 10 گرچه جهان را او آفریده بود، اما آنکه من باشم، او وجود داشت. 31 من هم او را نمی‌شناختم، اما

زمانی که به این جهان آمد، کسی او را نشناخت. 11 او نزد قوم برای این آدم که مردم را با آب تعیید دهم تا به این وسیله او را به

خود آمد، اما حتی آنها نیز او را پذیرفتند. 12 اما به تمام کسانی قوم اسرائیل معرفی کنم.» 32 سپس گفت: «من روح خدا را دیدم

که او را پذیرفتند و به او ایمان آوردند، این حق را داد که فرزندان که به شکل کبوتری از آسمان آمد و بر او قرار گرفت. 33 همان‌طور

خدا گردند. 13 این اشخاص تولدی نو یافتند، نه همچون تولد های که گفتم، من هم او را نمی‌شناختم ولی وقتی خدا مرا فرستاد تا مردم

معمولی که نتیجه امیال و خواسته‌های آدمی است، بلکه این تولد را تعیید دهم، در همان وقت به من فرمود: «هرگاه دیدی روح خدا

خدا به ایشان عطا فرمود. 14 کلمه، انسان شد و بر روی این زمین و از آسمان آمد و بر کسی قرار گرفت، بدان که او همان است که

در بین ما زندگی کرد. او لبیز از فیض و راستی بود. ما جلال او را به منتظرش هستیم. اوست که مردم را با روح القدس تعیید خواهد داد.

چشم خود دیدیم، جلال پسر بی نظیر پدر آسمانی ما، خدا. 15 34 و چون من با چشم خود این را دیده‌ام، شهادت می‌دهم که او

یعنی او را به مردم معرفی کرد و گفت: «این همان است که به پسر خداست.» 35 فردای آن روز، وقتی یعنی با دو نفر از شاگردان

شما گفتم کسی که بعد از من می‌آید، مقامش از من بالاتر است، خود ایستاده بود، 36 عیسی را دید که از آنجا می‌گذرد، یعنی

زیرا پیش از آنکه من باشم، او وجود داشت.» 16 از فراوانی او، با اشتیاق به او نگاه کرد و گفت: «بیبینید! این همان برہای است

برکاتی فیض آمیز بی‌دریبی نصیب همگی ما شد. 17 زیرا شریعت که خدا فرستاده است.» 37 آنگاه دو شاگرد یعنی برگشتند و در

به‌واسطه موسی داده شد، اما فیض و راستی به وسیله عیسی مسیح بی عیسی رفتند. 38 عیسی که دید دو نفر به دنبال او می‌آیند،

آمد. 18 کسی هرگز خدا را ندیده است؛ اما پسر پگانه خدا که برگشت و از ایشان پرسید: «چه می‌خواهید؟» جواب دادند: «آقا،

به قلب پدرش نزدیک است او را به ما شناساند. 19 روزی سران کجا اقامت دارید؟» 39 فرمود: «بیایید و بینید.» پس هماره عیسی

قوم بیهود از اورشلیم، چند تن از کاهنان و دستیارانشان را نزد یعنی رفتند و از ساعت چهار بعد از ظهر تا غروب نزد او ماندند. 40

فرستادن تا بدانند آیا او ادعا می‌کند که مسیح است یا نه. 20 (یکی از آن دو، آندریاس برادر شمعون پطرس بود). 41 آندریاس

یعنی صریحاً اظهار داشت: «نه، من مسیح نیستم.» 21 پرسیدند: رفت و برادر خود را یافته، به او گفت: «شمعون، ما مسیح را پیدا

«خوب، پس که هستی؟ آیا ایلایی پیامبر هستی؟» جواب داد: «نه! کرده‌ایم!» 42 و او را آورد تا عیسی را بینید. عیسی چند لحظه به او

پرسیدند: «آیا آن پیامبر نیستی که ما چشم به راهش می‌باشیم؟» نگاه کرد و فرمود: «تو شمعون، پسر یونا هستی. ولی از این پس

باز هم جواب داد: «نه.» 22 گفتند: «پس بگو کیستی تا بتوانم پطرس نامیده خواهی شد!» (پطرس بعی «صخره»). 43 روز بعد،

برای سران قوم که ما را به اینجا فرستاده‌اند، جوابی ببریم.» 23 عیسی تصمیم گرفت به ایالت جلیل برود. در راه، فیلیپ را دید

یعنی گفت: «چنانکه اشیای نیز پیشگویی کرده، من صدای ندا و به او گفت: «همراه من بیا.» 44 (فیلیپ نیز اهل بیت صیدا و

کنده‌های هستم که در بیابان فریاد می‌زنند: ای مردم، راه را برای آمدن همشهری آندریاس و پطرس بود). 45 فیلیپ رفت و نتایل را پیدا

خداوند هموار سازید.» 24 سپس، افرادی که از طرف فرقه فریسی‌ها کرد و به او گفت: «نتایل، ما مسیح را یافته‌ایم، همان کسی که

آمده بودند، 25 از او پرسیدند: «خوب، اگر نه مسیح هستی، نه ایلایا موسی و پیامبران خدا درباره‌اش خبر داده‌اند. نامش عیسی است، پس

و نه آن پیامبر، پس با چه اجازه و اختیاری مردم را تعیید می‌دهی؟» یوسف و اهل ناصره.» 46 نتایل با تعجب پرسید: «گفتش اهل

ناصره؟ مگر ممکن است از ناصره هم چیز خوبی بیرون آید؟» فیلیپ صرافان را بر زمین ریخت و میزهای ایشان را واژگون ساخت. 16 گفت: «خودت بیا او را بین.» 17 عیسی وقتی دید که نتائیل سپس به سراغ کوتوروشن رفت و گفت: «اینها را از اینجا بیرون نزدیک می‌شود، به او فرمود: «بیبینید، این شخص که می‌آید، مردی ببرید و خانه پدر ما به بازار تبدیل نکنید.» 17 آنگاه شاگردان او آن پس صدیق و یک اسرائیلی واقعی است.» 18 نتائیل پرسید: «مرا نبوت کتب مقدس را به یاد آوردنده که می‌فرماید: «اشتیاقی که برای از کجا می‌شناسی؟» عیسی فرمود: «قبل از آنکه فیلیپ تو را پیدا خانه تو دارم، مثل آتش در من زبانه می‌کشد.» 18 سران قوم بهد از کنند، من زیر درخت انجیر تو را دیدم.» 19 نتائیل حیرت زده گفت: عیسی پرسیدند: «تو چه اجازه و اختیاری داری که این کارها را انجام استاد، تو پسر خدایی! تو پادشاه اسرائیل می‌باشی!» 20 عیسی دهی؟ اگر خدا اجازه این را به تو داده، با نشانه‌ای معجزه‌آسا آن را به گفت: «چون فقط گفتم تو را زیر درخت انجیر دیدم، به من ایمان ما ثابت کن!» 21 عیسی جواب داد: «بسیار خوب، معجزه‌ای که آوردی؟ بعد از این چیزهای بزرگتر خواهی دید.» 22 سپس اضافه برای شما می‌کنم این است: این معبد را خراب کنید تا من در عرض کرد: «براستی به شما می‌گویم که خواهید دید آسمان گشوده شده و سه روز آن را دوباره سازم!» 20 گفتند: «چه می‌گویی؟ چهل و شش فرشتگان خدا بر پسر انسان بالا و پایین می‌روند، چرا که او همان سال طول کشید تا این خانه را ساختند. تو می‌خواهی در سه روز آن نزدیان میان آسمان و زمین است.» 21 ولی منظور عیسی از «این معبد»، بدن خودش بود.

دو روز بعد، مادر عیسی در یک جشن عروسی در دهکده شاگردانش این گفته اورا به یاد آوردند. آنگاه به کتب مقدس و نیز به قانا در جلیل میهمان بود. 2 عیسی و شاگردان او نیز به عروسی کلام عیسی ایمان آوردند. 23 به خاطر نشانه‌های معجزه‌آسای او در دعوت شده بودند. 3 هنگام جشن، شراب تمام شد. مادر عیسی با روزهای عید، بسیاری در اورشلیم به او ایمان آوردند. 24 ولی عیسی نگرانی نزد او آمد و گفت: «شراب ندارند!» 4 عیسی فرمود: «بایوی به آنها اعتماد نکرد، چون از قلب مردم آگاه بود، 25 و لازم نبود گرامی، چرا مردی کار می‌سازی؟ زمان من هنوز فرا نرسیده کسی به او بگوید که مردم چقدر زود تغیر عقیده می‌دهند، چون او است.» 5 با این حال، مادر عیسی به خدمتکاران گفت: «هر چه انسان را خوب می‌شناخت. به شما می‌گویید، انجام دهد.» 6 در آنجا شش خمرة سنگی بود که

فقط در مراسم مذهبی بیهودیان از آن استفاده می‌شد و گنجایش هر 3 در این میان، مردی بود از گوه فریسان به نام نیقدیموس، که یک حدود صد لیتر بود. 7 عیسی به خدمتکاران فرمود: «این خمرةها یکی از اعضای شورای عالی بیهود بود. 2 او شیی نزد عیسی آمد را پر از آب کنید.» 8 وقتی پر کردند، فرمود: «حالا کمی از آن را و گفت: «استاد، ما روحانیون این شهر، همه می‌دانیم که تو از بردارید و نزد رئیس مجلس ببرید!» 9 رئیس مجلس خبر ندادشت طرف خدا آمده‌ای تا ما را تعلیم دهی. نشانه‌های معجزه‌آسای گواه آن آب را که شراب شده بود، از کجا آورده‌اند (هرچند خدمتکاران بر این است که خدا با توست.» 3 عیسی جواب داد: «براستی می‌دانستند. پس وقتی آن را چشید، داماد را صدا زد 10 و گفت: به تو می‌گوییم، اگر تولدی تازه پیدا نکنی، هرگز نمی‌توانی ملکوت میزبانان همیشه با شراب خوب از میهمانان پذیرایی می‌کنند و بعد خدا را بینی.» 4 نیقدیموس با تعجب گفت: «منظورت از تولد که همه سرشان گرم شد، شراب ارزانتر را می‌آورند. ولی تو شراب تازه چیست؟ چگونه امکان دارد پیرمردی مثل من، به شکم مادرش خوب را برای آخر نگه داشته‌ای.» 11 بدین ترتیب عیسی نخستین بازگرد و دوباره مولود شود؟» 5 عیسی جواب داد: «آنچه می‌گوییم نشانه معجزه‌آسای خود را در قنای جلیل به ظهور آورد و جلال خود را عین حقیقت است. تا کسی از آب و روح تولد نیابد، نمی‌تواند وارد آشکار ساخت و شاگردانش به او ایمان آوردند. 12 سپس عیسی با ملکوت خدا شود. 6 زندگی جسمانی را انسان تولید می‌کند، ولی مادر، برادران و شاگردان خود برای چند روز به شهر کفرناحوم رفت. زندگی روحانی را روح خدا از بالا به می‌خشند. 7 پس تعجب نکن که 13 عید پسح که یکی از اعیاد بزرگ بیهود بود، نزدیک می‌شد. پس گفتم باید تولد تازه پیدا کنی. 8 درست همان گونه که صدای باد را عیسی به شهر اورشلیم رفت. 14 آنچه، در معبد، مردم را دید که می‌شتوی ولی نمی‌توانی بگویی از کجا می‌آید و به کجا می‌رود، برای انجام مراسم قربانی، به خرید و فروش گاو، گوسفند و کبوتر در مورد تولد تازه نیز انسان نمی‌تواند بی ببرد که روح خدا آن را مشغولند. صرافان پولها را روی میزها چیده بودند و با مشتریها داد و چگونه عطا می‌کنند.» 9 نیقدیموس پرسید: «منظورت چیست؟ ستاد می‌کردند. 15 عیسی با طناب، تازیانه‌ای ساخت و همه را من ساختن را به درستی درک نمی‌کنم.» 10 عیسی جواب داد: از آنجا بیرون کرد. او گوان و گوسفندان را بیرون راند و سکه‌های «نیقدیموس، تو از علمای دینی اسرائیل هستی؛ چگونه این چیزها را

درک نمی کنی؟ **11** براستی به تو می گوییم که ما آنچه را که می دانیم کوچکتر. **31** «او از آسمان آمده و مقامش از همه بالاتر است. من و دیده ایم می گوییم ولی شما نمی توانید باور کنید. **12** من از امور از این زمین هستم و فقط امور زمینی را درک می کنم. **32** او آنچه را این دنیا با شما سخن می گوییم و شما باور نمی کنید. پس اگر از که دیده و شنیده است بیان می کند، ولی عله کمی سخنان او را باور امور آسمان با شما صحبت کنم چگونه باور خواهد کرد؟ **13** چون می کنند. **33** کسی که سخنان او را باور می کند، تأیید می کند که هیچ کس تا به حال به آسمان بالا نرفته که از آنجا برگشته باشد. اما خدا حقیقت است، **34** زیرا او از جانب خدا فرستاده شده است. او پسر انسان از آسمان به این جهان آمده است. **14** همان گونه که کلام خدا را بیان می کند، چرا که خدا روح خود را بدون حد و حصر موسی در بیان مجسمه ای بزنی از مار برا بایلی چوبی بلند کرد، به او بخشند. **35** پدر آسمانی ما او را دوست می دارد، و همه چیز پسر انسان نیز باید بلند کرده شود، **15** تا هر که به او ایمان آورد، را به دست او سپرده است. **36** هر که به پسر خدا ایمان بیاورد، حیات جاودیدن باید. **(aiōnios g166)** **16** زیرا خدا به قاری مردم **(aiōnios g166)** **17** خدا پسر خود را به جهان نفرستاد تا مردمان را محکوم سازد، بلکه تا جهان را به وسیله او نجات بخشد. **18** «کسانی که به **4** وقیعی فهمید که فریضی ها شنیده اند او بیشتر از بیحی او ایمان بیاورند، هیچ نوع محکومیت و هلاکتی در انتظارشان نیست؛ مردم را تعیید می دهد و پیروان پیشتری یافته است **2** (البته شاگردان ولی کسانی که به او ایمان نیاورند، از هم اکنون محکومند، چون به عیسی مردم را تعیید می دادند، نه خود او)، **3** بیهودی را ترک گفت و یگانه پسر خدا ایمان نیاورده اند. **19** محکومیت بی ایمانان به این به جلیل بازگشت. **4** برای رفاقت به جلیل، لازم بود عیسی از سامره پگذرد. **5** در طول راه، در سامره، به دهکده ای رسید به نام سوخار، نزدیک به قطعه زمینی که یعقوب به پسر خود، پیوسف، داده بود. **6** بیشتر از نور دوست داشتند، چون اعمال و رفتارشان بد است. **20** مردم از نور آسمانی نفرت دارند، چون می خواهند در تاریکی، گناه چاه یعقوب در آنجا قرار داشت، و عیسی خسته از سفر، در کنار چاه ورزند؛ پس به نور نزدیک نمی شوند، مبادا کارهای گناه آگودشان دیده نشست. حدود ظهر بود. **7** چیزی نگذشت که زنی سامری سر رسید شود و به سزا اعمالشان برسید. **21** ولی درستکاران با شادی به **8** (شاگردانش برای خرید خوراک، به دهکده رفته بودند). **9** آن سوی نور می آید تا همه ببینند که آنچه می کنند، پسندیده خداست. **22** پس از آن، عیسی و شاگردانش اورشلیم را ترک گفتند. او مدتی زن تعجب کرد، زیرا بیهودیان با سامریان معاشرت نمی کنند؛ پس به در ناحیه بیهودیه با اهالی آنچا به سر برد و ایشان را تعیید می داد. **23** عیسی گفت: «چطور تو که بیهودی هستی، از من که سامری ام آب یحیی در این هنگام نزدیک سالمی در محلی به نام عینون مردم را می خواهی؟» **10** عیسی جواب داد: «اگر می دانستی که خدا چه تعیید می داد، چون در آنجا آب زیاد بود و مردم برای تعیید نزد وی تعیید می آمدند. **24** این پیش از آن بود که یحیی به زندان بیافتند. **25** آنگاه از من آب زنده می خواستی.» **11** زن گفت: «تو که دل و روزی، میان یکی از بیهودیان و شاگردان یحیی بر سر آینین تطهیر بخشی درگرفت. **26** شاگردان یحیی نزد او آمدند و گفتند: «استاد، آن می آوری؟ **12** مگر تو از جد ما یعقوب بزرگتری؟ چگونه می توانی آب شخصی که آن طرف رود اردن بود و گفتی که مسیح است، اکنون او بہتر از این به ما بدھی، آئی که یعقوب و پیسان و گله او از آن نیز مردم را تعیید می دهد و همه نزد او می روند، در صورتی که باید **13** عیسی جواب داد: «مردم با نوشیدن این آب، باز پیش ما بیایند.» **27** یحیی جواب داد: «کسی نمی تواند چیزی دریافت کند، مگر آنچه که از آسمان به او اعطای شود. **28** کار من این است که راه را برای مسیح باز کنم تا مردم همه نزد او بروند. شما خود شاهدید که من صریحاً گفتم که مسیح نیستم، بلکه آمده ام تا راه را برای او باز کنم. **29** در یک عروسی، عروس پیش داماد می رود آن آب به من بده تا دیگر تشنه نشوم و مجبور نباشم هر روز این راه را بیایم و بزرگدم.» **16** ولی عیسی فرمود: «برو و شوهر را دوست داماد در شادی او شریک می شود. من نیز دوست داماد و از خوشی داماد خوشحالم. **30** او باید روزبه روز بزرگتر شود و من بیاور.» **17** زن جواب داد: «شوهر ندارم.» عیسی فرمود: «راست

گفته‌ی ۱۸ تا به حال پنج بار شوهر کرده‌ای، و این مردی که اکنون عیسی را بازگو می‌کرد و می‌گفت: «این شخص هر چه تا به حال با او زندگی می‌کنی، شوهر تو نیست. عین حقیقت را گفته!» کرده بودم، به من بازگشت!» از این جهت، بسیاری از سامریان به ۱۹ زن که مات و مبهوت مانده بود، گفت: «آقا، می‌بینم که نبی عیسی ایمان آوردند. ۴۰ وقتی آنان به نزد عیسی رسیدند، خواهش هستی!» ۲۰ و بی دریگ موضوع گفتگو را عوض کرده، گفت: «چرا کردن که نزدشان بماند. او نیز دو روز با ایمان آوردند. ۴۱ در همین شما یهودیان اینقدر اصرار دارید که فقط اورشلیم را محل پرستش دو روز، بسیاری به سخنان او گوش دادند و به او ایمان آوردند. ۴۲ خدا بدانید، در صورتی که ما سامریان مثل اجدادمان این کوه را آنگاه به آن زن گفتند: «ما دیگر فقط به خاطر سخن تو به او ایمان محل عبادت می‌دانیم؟» ۲۱ عیسی جواب داد: «ای زن، سخنم را نمی‌آوریم، زیرا خودمان سخنان او را شنیده‌ایم و ایمان داریم که او باور کن. زمانی می‌رسد که پدر را نه بر این کوه خواهید پرستید و نجات‌دهنده جهان است.» ۴۳ بعد از دو روز، عیسی از آنجا به نه در اورشلیم. ۲۲ شما سامریان درباره کسی که می‌پرستید چیزی منطقه جلیل رفت، ۴۴ چون همان طور که خود می‌گفت: «تبی در نمی‌دانید، اما ما یهودیان او را می‌شناسیم، زیرا خودمان سخنان از طرق قوم دیار خود مورد احترام نیست.» ۴۵ وقتی به جلیل رسید، مردم با یهود فرا می‌رسد. ۲۳ اما زمانی می‌آید، و در واقع همین الان آمده آغوش باز از او استقبال کردن، زیرا در روزهای عید در اورشلیم، است، که پرستندگان راستین، پدر را به روح و راستی پرستش خواهند معجزات او را دیده بودند. ۴۶ همچنانکه در جلیل می‌گشت، بار کرد. پدر طالب چنین پرستندگانی است. ۲۴ زیرا خدا روح است، و دیگر به شهر قانا رفت، همان جایی که در جشن عروسی آب را هر که بخواهد او را پرستد، باید به روح و راستی پرستد.» ۲۵ زن تبدیل به شراب کرده بود. وقتی عیسی در آنجا به سر می‌برد، افسری گفت: «من می‌دانم که مسیح به زودی می‌آید. شما یهودی‌ها هم که پسرش بیمار بود، از شهر کفرناحوم نزد او آمد. ۴۷ او شنیده بود این را قبول دارید، وقتی او بیاید، همه چیز را برای ما روشن خواهد که عیسی از ایالت یهودیه حرکت کرده و به جلیل رسیده است. پس ۲۶ عیسی فرمود: «من که با تو سخن می‌گویم، همان مسیح به قانا آمده، عیسی را یافت و از او خواهش کرد تا باید و پسرش را در همین وقت، شاگردان عیسی از راه رسیدند و وقتی شفا دهد، چون پسرش در آستانه مرگ بود. ۴۸ عیسی پرسید: «آیا تا دیدند او با یک زن گفتگو می‌کند، تعجب کردن، ولی هیچ‌یک از معجزات بسیار نبینید، ایمان نخواهید آورد؟» ۴۹ آن افسر التمام کرد ایشان حرجات نکرد پرسید چرا با او صحبت می‌کند. ۲۸ آنگاه زن و گفت: «سرورم، خواهش می‌کنم تا پسر نمرده، بیا و را شفا کزه خود را همان جا کار چاه گذاشت و به شهر بازگشت و به مردم بده.» ۵۰ آنگاه عیسی فرمود: «برگرد به خانه؛ پسرت شفا یافته گفت: ۲۹ «بایاید مردی را ببینید که هر چه تا به حال کرده بودم، به است.» آن مرد به گفته عیسی اطمینان کرد و به شهر خود بازگشت. من بازگفت. فکر نمی‌کنید او همان مسیح باشد؟» ۳۰ پس مردم از ۵۱ هنوز در راه بود که خدمتکارانش به او رسیدند و با خوشحالی ده بیرون ریختند تا عیسی را ببینند. ۳۱ در این میان، شاگردان اصرار مزده داده، گفتند: «ارباب، پسرت خوب شد!» ۵۲ پرسید: «کی می‌کردن که عیسی چیزی بخورد. ۳۲ ولی عیسی به ایشان گفت: حالش بهتر شد؟» گفتند: «دیروز در حدود ساعت یک بعد از ظهر، من خوارک دارم که شما از آن خبر ندارید.» ۳۳ شاگردان از ناگهان تاب او قطع شد. ۵۳ پدر فهمید که این همان لحظه‌ای بود یکدیگر پرسیدند: «مگر کسی برای او خوارک آورده است؟» ۳۴ که عیسی فرمود: «پسرت شفا یافته است.» پس با تمام خانواده خود عیسی فرمود: «خوارک من این است که خواست خدا را به جا آورم و به عیسی ایمان آورد. ۵۴ این دوین معجزه عیسی بود که بعد از کاری را که به عهده من گذاشته است انجام دهم. ۳۵ آیا فکر بیرون آمدن از یهودیه، در جلیل انجام داد.

می‌کنید وقت برداشت محصول چهار ماه دیگر، در آخر تابستان ۵ پس از مدتی، عیسی به اورشلیم بازگشت تا در مراسم یکی از است؟ نگاهی به اطرافتان بینازید تا ببینید که مزاعمه‌های وسیعی از اعیاد یهود شرکت کنند. ۲ داخل شهر، نزدیک دروازه‌ای به نام دروازه جانهای مردم برای درو آمده است. ۳۶ دروغان مزد خوبی می‌گزینند کوسفند، استخری بود که به زبان عبری آن را بیت‌حسدا می‌گفتند، و تا این محصول را در انبارهای آسمانی ذخیره کنند. چه بركت عظیمی نصیب کارنده و دروکننده می‌شود! (aiōnios g166) ۳۷ این مقل، کور و لئگ و افایچ بر روی زمین دراز کشیده بودند و منتظر بودند آب اینجا هم صدق می‌کند که دیگران کاشتند و ما درو کردیم. ۳۸ من استخر تکان بخورد. ۴ زیرا هر چند وقت یکبار، فرشته‌ای از آسمان شما را می‌فرستم تا محصولی را درو کنید که زحمت کاشتنش را می‌آمد و آب استخر را تکان می‌داد و اولین کسی که داخل استخر دیگران کشیده‌اند. زحمت را دیگران کشیده‌اند و محصول را شما می‌شد، شفا می‌یافت. ۵ یکی از بیمارانی که در آنجا بود، مردی بود جمع می‌کنید!» ۳۹ آن زن به هر که در آن شهر می‌رسید، سخنان

که سی و هشت سال تمام زمینگیر بود. **6** وقتی عیسی او را دید مرگ نجات پیدا کرده، به زندگی جاوید پیوسته است. **(aiōnios g166)**

و بی برد که بیماری اش طول کشیده است، پرسید: «**خواهی** 25 مطمئن باشید زمانی فرا خواهد رسید و در واقع الان فرا شفا بیایی؟» **7** بیمار جواب داد: «**سرورم**، دیگر رمقی در بدنه رسیده است که صدای پسر خدا به گوش مردگان خواهد رسید و هر نمانده است. کسی را نیز ندارم که وقتی آب تکان می خورد، مرا در که به آن گوش دهد، زنده خواهد شد. **26** پدر در خود حیات دارد استخır بیندازد. تا می آیم به خود حرفی بدهم، می بینم که قبل از و آن را به پسر نیز عطا کرده است تا در خود حیات داشته باشد. **27** من، دیگری داخل آب شده است.» **8** عیسی به او فرمود: «برخیز، و به او اختیار داده است تا مردم را داوری کند، زیرا پسر انسان است. بستر خود را جمع کن و راه برو!» **9** همان لحظه بیمار شفا یافت و **28** از این سخن من تعجب نکید، زیرا زمانی فرا می رسید که جمیع شفایت را جمع کرد و به راه افتاد. ولی آن روز که عیسی این آنان که در قبر هستند، صدای او را خواهند شنید، **29** و از قبر بیرون معجزه را انجام داد، شیّرات بود. **10** پس سران قوم بیهود اعتراض کنن خواهند آمد، تا کسانی که نیکی کرده‌اند، به زندگی جاوید برمند و به مردی که شفا یافته بود گفتند: «چه می کنی؟ مگر نمی‌دانی امروز کسانی که بدی کرده‌اند، محکوم گردند. **30** من به تهابی نمی‌توانم شیّرات است و نباید کاری انجام دهی؟ پس چرا رختخواست را جمع کاری انجام دهم. من بر مبنای آنچه خدا می‌گوید داوری می‌کنم.» **11** جواب داد: «آن کسی که مرا شفا داد، به من از این رو، داوری من عادلانه است، زیرا در بی انجام اراده کسی گفت چنین کنم.» **12** پرسیدند: «چه کسی به تو چنین دستوری هستم که مرا فرستاد، نه اراده خودم. **31** (وقتی درباره خودم چیزی داده است؟» **13** آن مرد جوانی نداشت بدهد چون عیسی در میان می‌گوییم، شما باور نمی‌کنید. **32** اما شخص دیگری هست که به جمعیت تاپدید شده بود. **14** ولی بعد، عیسی در معبده او را یافت و نفع من شهادت می‌دهد، و به شما اطمینان می‌دهم که هر آنچه او فرمود: «بین، تو دیگر شفا پیدا کرده‌ای، حالا اگر می‌خواهی وضعت درباره من می‌گوید، راست است. **33** شما افرادی را برای تحقیق بدنتر از اول نشود، دیگر گناه نکن.» **15** او نزد سران قوم رفت و نزد یحیی فرستادید، و شهادت او درباره من راست بود. **34** از این گفت: «کسی که مرا شفا داد، عیسی است.» **16** پس، ایشان به گذشته، شاهد اصلی من انسان نیست بلکه خداست. گفتم که آزار و اذیت عیسی پرداختند و او را متهم به قانون شکنی کردند چون یحیی شاهد است، تا شما به من ایمان آورید و نجات بیاید. **35** روز شیّرات این معجزه را انجام داده بود. **17** ولی عیسی جواب داد: یحیی مانند رنگاری بود که نور می‌بخشید و شما حاضر بودید برای «پدر من خدا همیشه کارهای نیک انجام می‌دهد، و من نیز از او ملتی در نوش شاد باشید. **36** ولی من شاهدی بزرگتر از سخنان پیروی می‌کنم.» **18** با شنیدن این پاسخ، سران قوم بیهود بیش از پیش یحیی دارم، و آن معجزاتی است که انجام می‌دهم. پدرم به من گفته در صدد کشتن او برآمدند، چون نه تنها قانون مذهبی را می‌شکست، است این معجزه‌ها را به عمل بیاوم، و همین معجزه‌هاست که ثابت بلکه خدا را نیز پدر خود می‌خواند و به این ترتیب خود را با خدا بپاریم می‌کند خدا مرا فرستاده است. **37** خدا خود گواه من است، خدایی می‌ساخت. **19** عیسی ادامه داد: «براستی به شما می‌گوییم که پسر که هرگز او را ندیده‌اید و صدایش را نشنیده‌اید. **38** علتش نیز این نمی‌تواند به میل خود کاری انجام دهد، بلکه فقط کارهای را به عمل است که شما به سخنان خدا گوش نمی‌دهید، چون نمی‌خواهید می‌آورد که می‌بیند پدرش انجام می‌دهد. زیرا هر کاری که پدر انجام به من که با پیام خدا نزد شما فرستاده شده‌اند، ایمان بیاورید. **39** می‌دهد، پسر نیز انجام می‌دهد. **20** زیرا پدر، پسر را دوست دارد و «شما کتب مقدس را به دقت برسی می‌کنید، چون عقیده دارید که هر چه می‌کند، به پسر می‌گوید. او معجزه‌های بزرگتر از شفای این به شما زندگی جاوید می‌دهد. در صورتی که همان کتاب به من مرد نیز انجام خواهد داد تا شما تعجب کنید. **21** زیرا همان گوه که اشاره می‌کند و مرا به شما معرفی می‌نماید. **40** (aiōnios g166)

پدر مردگان را زنده می‌کند و به ایشان حیات می‌بخشد، پسر نیز به با این حال شما نمی‌خواهید نزد من بیایند تا زندگی جاوید را به هر که بخواهد، حیات می‌بخشد. **22** پدر بر کسی داوری نمی‌کند، دست آورید. **41** «نظر و تأیید شما برای من هیچ ارزشی ندارد، بلکه داوری گناهان تمام مردم را به پسر واگذار کرده، **23** تا همه به **42** زیرا شما را خوب می‌شناسیم که در دلنان نسبت به خدا محبت او احترام بگذارند همان‌طور که به خدا احترام می‌گذارند. اگر به پسر ندارید. **43** من از جانب خدا آمدام و شما مرا رد می‌کنید؛ ولی احترام نگذارید، در واقع به پدری که او را فرستاده احترام نمی‌گذارید. حاضرید کسانی را قبول کنید که از طرف خدا فرستاده نشده‌اند بلکه **24** «حقیقت را به شما می‌گوییم: هر که به کلام من گوش دهد و به نمایندهٔ خود شما و از جنس خودتان می‌باشند! **44** تعجبی ندارد خدا که مرا فرستاده است ایمان بیاورد، زندگی جاوید دارد و هرگز که نمی‌تواند به من ایمان بیاورید، چون خواستار دریافت احترام از به خاطر گناهانش بازخواست نخواهد شد، بلکه از همان لحظه از یکدیگر هستید، و به حرمتی که از جانب خدای یگانه می‌آید،

اعتنایی ندارید. 45 «با این حال، فکر نکنید کسی که در حضور «نرسید! منم!» 21 وقتی خواستند او را سوار قایق کنند، متوجه پدر، شما را متمم خواهد ساخت، من هستم. کسی هست که شما شدند که قایق به ساحل رسیده است. 22 صبح روز بعد، آن سوی را نهمنم می‌سازد، همان موسی که به او امید بسته‌اید. 46 شما حتی دریاچه، مردم بار دیگر جمع شدند تا عیسی را بینند، زیرا دیده بودند به موسی ایمان ندارید، چون اگر داشتید، به من نیز ایمان می‌آوردید، که شاگردان عیسی با تنها قایقی که در آنجا بود آن محل را ترک برای اینکه موسی در کتاب تورات درباره من نوشته است. 47 و چون گفته و عیسی را با خود نبرده بودند. 23 چند قایق دیگر نیز از تیریه نوشته‌های او را قبول ندارید، به من نیز ایمان نعی آورید.» 24

وقتی مردم متوجه شدند که نه عیسی در آنجا است و نه شاگردان، پس از این رویداد، عیسی به آن سوی دریاچه جلیل رفت (دریاچه جلیل به دریاچه تیریه نیز معروف است)، 2 و جمیعت انسوی او را دنبال می‌کردند، زیرا نشانه‌های معجزه‌آسایی را که او با شفای بیماران به عمل می‌آورد، دیده بودند. 3 آنگاه عیسی به تپه‌ای برآمد و با شاگردان نشست. 4 عید پیش یهودیان نیز نزدیک بود. 5 وقتی عیسی نگاه کرد و دید که جماعت بزرگی به سوی او می‌آیند، به فلیپ فرمود: «از کجا نان بخیرم تا این جماعت را سیر کنیم؟» 6 عیسی این سؤال را از او کرد تا ببیند نظر او چیست، چون عیسی خود می‌دانست چه کند. 7 فلیپ جواب داد: «خوارها نان لازم است تا بتوانیم این جمیعت را سیر کنیم.» 8 یکی دیگر از می‌خواهد که به من که فرستاده او هستم، ایمان آورید. 30 گفتند: شاگردان عیسی، آندریاس برادر شمعون پطرس، گفت: 9 «پس‌رچمای «چه نشانه معجزه‌آسایی به عمل می‌آوری تا آن را بینیم و به تو ایمان اینجاست که پنج نان جو و دو ماهی دارد. ولی این به چه کار این بیاریم؟ چه عملی انجام می‌دهی؟ 31 نیاکان ما در یابان، متأ، آن جمیعت می‌آید؟» 10 عیسی فرمود: «بگویید همه بنشینند.» پس نان معجزه‌آسا را خوردند، چنانکه نوشته شده: «او از آسمان بدیشان تمام جمیعت روی سبزه‌ها نشستند. فقط مردها در آن جمیعت، پنج نان داد تا بخورند.» 32 عیسی فرمود: «پرستی به شما می‌گویم که هزار نفر بودند. 11 آنگاه عیسی نانها را برداشت، خدا را شکر کرد و این پدر من بود که به ایشان نان می‌داد، نه موسی. و اکنون نیز داد تا بین مردم تقسیم کنند. با ماهیه‌ها نیز چینن کرد. مردم هر قدر اوست که می‌خواهد نان حقیقی را از آسمان به شما ببخشد. 33 این خواستند خوردند. 12 وقتی همه سیر شدند، عیسی به شاگردان نان حقیقی را خدا از آسمان فرستاده است تا به مردم دنیا زندگی فرمود: «تکه‌های باقیمانده را جمع کنید تا چیزی تلف نشود.» 13 چاوید بپخشند. 34 گفتند: «آقا، از این نان هر روز به ما بده.» پس آنها جمع کردند و از پس مانده‌های آن نان جو که مردم خورد 35 عیسی جواب داد: «نان حیات من هستم. هر که نزد من آید، بودند، دوازده سید پر شد. 14 وقتی مردم این معجزه بزرگ را دیدند گفتند: «بدون شک این همان پیامبری است که ما چشم به راهش تشنیه نخواهد گردید. 36 ولی همان گونه که قبلًا گفتم، شما با اینکه بوده‌ایم.» 15 وقتی عیسی دید که مردم می‌خواهند او را به زور ببرند و پادشاه کنند، از ایشان جدا شد و به تنها برق فراز کوهی برآمد. خواهد آمد و ایشان کسانی هستند که پدرم، خدا به من داده است 16 هنگام غروب، شاگردان عیسی به کنار دریاچه رفتند و به انتظار او و ممکن نیست هرگز ایشان را از دست بدهم. 38 چون من از نشستند. 17 ولی دیدند هوا تاریک شده و عیسی هنوز از کوه آسمان آمدام تا آنچه را که خدا می‌خواهد انجام دهم، نه آنچه را که باز نگشته، سوار قایق شدند و به طرف کفرناحوم، که در آن سوی خودنمی‌خواهم. 39 و خدا از من می‌خواهد که هیچ‌یک از کسانی در میان ظلمت و توفان، عیسی را دیدند که روی آب به طرف قایق راه می‌رود. همه وحشت کردند. 18 در همان حال که پارو می‌زند و را که به من بخشیده، از دست ندهم، بلکه ایشان را در روز قیامت جلو می‌رفند، باد شدیدی وزیدن گرفت و دریاچه توفانی شد. 19 هنوز بیش از پنج یا شش کیلومتر از ساحل دور نشده بودند که ناگهان دید و به او ایمان آورد، زندگی جاوید بیا بد، و من در روز قیامت او را برخواهم خیزانید.» 40 باز یهودیان لب به اعتراض گشودند، چون عیسی ادعای کرده بود نانی است که از آسمان

آمده است. 42 پس گفتند: «مگر این همان عیسی، پسر یوسف خداست که به انسان زندگی جاودانی می‌بخشد. از تلاش‌های انسانی نیست؟ همه ما پدر و مادرش را می‌شناسیم! حالا چطور شده که ادعا فایده‌ای حاصل نمی‌گردد. سخنانی که به شما گفتم، روح و حیات می‌کند از آسمان آمده است؟» 43 ولی عیسی جواب داد: «ایقدر هستند. 64 با این حال، بعضی از شما به من ایمان نخواهد آورد.» اعتراض نکنید. 44 فقط کسی می‌تواند نزد من بیاید که پدرم خدا چون عیسی از همان ابتدا می‌دانست چه کسانی به او ایمان خواهد که مرا فرستاده است او را به سوی من جذب کنده، و من در روز آورد و چه کسی به او خیانت خواهد کرد. 65 پس گفت: «به قیامت او را زنده خواهم ساخت. 45 همان‌طور که در کتب انبیا آمده همین دلیل گفتم فقط کسی می‌تواند نزد من بیاید که پدرم خدا او را است: «همه از خدا تعليم خواهند یافت.» پس کسانی که صدای به سوی من جذب کنده.» 66 با شنیدن این سخن، بسیاری از خدای پدر را بشنوند و راستی را از او بیاموزند، به سوی من می‌آیند. پیروانش از او روی گرداندن و دیگر او را پیروی نکردن. 67 آنگاه 46 البته مظورم این نیست که کسی خدا را دیده است. هرگز! چون عیسی رو به آن دوازده شاگرد کرد و پرسید: «شما نیز می‌خواهید فقط من که از نزد او آمدۀ‌ام، او را دیده‌ام. 47 «براستی به شما بروید؟» 68 شمعون پطرس جواب داد: «سرور ما، نزد که برویم؟ فقط (aiōnios) گویم که هر که به من ایمان آورد، از همان لحظه، زندگی جاود می‌بخشی. 69 و ما ایمان آورده‌ام و می‌دانیم که تویی آن قدم‌من خدا.» دارد. (aiōnios g166) 48 من نان حیات هستم. 49 پدران شما در بیان آن نان را خوردند، اما عاقبت مردند. 50 اما هر که از آنگاه عیسی فرمود: «من خود شما دوازده نفر را انتخاب کردم؛ این نان آسمانی بخورد، تا به ابد زنده می‌ماند. 51 آن نان زنده ولی یکی از شما بازیچه دست ابلیس است.» 71 عیسی درباره یهودا که از آسمان نازل شد، ممن. هر که از این نان بخورد، تا ابد زنده پسر شمعون اسخريوطی سخن می‌گفت که یکی از آن دوازده شاگرد می‌ماند. این نان همان بدن من است که فدا می‌کنم تا جهان حیات بود و در آخر به عیسی خیانت کرد.

52 یهودیان با شنیدن این سخن، بار دیگر سخت مشاهه کرده، به یکدیگر گفتند: «چه گفته عجیبی! چطور می‌خواهد بدنش را به ما بدهد تا بخوریم؟» 53 پس عیسی باز فرمود: «براستی به شما می‌گویم که تا بدن پسر انسان را نخورید و خون او را نوشید، هرگز نمی‌توانید زندگی جاودید داشته باشید. 54 ولی کسی که بدن را بخورد و خونم را بیوشد زندگی جاودید دارد، و من در روز قیامت او را زنده خواهم ساخت. (aiōnios g166) 55 چون بدن خوارک واقعی و خونم نوشیدنی واقعی است. 56 به همین دلیل، هر که بدن را بخورد و خونم را بیوشد، در من خواهد ماند و من در او. 57 من به قدرت پدرم خدا زندگی می‌کنم، همان که مرا به این جهان فرستاد. به همین شکل، کسی نیز که از من تغذیه می‌کند، به قدرت من زندگی خواهد کرد. 58 نان واقعی منم که از آسمان آمدۀ‌ام. نانی که اجداد شما در بیان خوردند، نتوانست ایشان را برای همیشه زنده نگه دارد. اما هر که از این نان بخورد، برای همیشه زنده خواهد ماند.» 59 عیسی این سخنان را در کیسه‌گفناحوم بیان کرد. 60 درک این سخنان چنان سخت بود که را جستجو می‌کردند و با کنجکاوی از یکدیگر می‌پرسیدند: «پس حتی شاگردان عیسی نیز به یکدیگر می‌گفتند: «درک این تعلیم بسیار دشوار است. چه کسی می‌تواند آن را پیداورد؟» 61 عیسی متوجه شد که شاگردان او نیز لب به اعتراض گشوده‌اند؛ پس به ایشان فرمود: «آیا سخنان من باعث آزار شما شده است؟ 62 پس اگر بیینید که پسر انسان بار دیگر به آسمان، به جایی که قبلًا بود، از سران قوم یهود می‌ترسیدند. 14 وقتی نیمی از ایام عید سپری بالا می‌رود، چه حالی به شما دست خواهد داد؟ 63 فقط روح شده بود، عیسی وارد معبد شد و برای مردم موعظه کرد. 15 سران

قوم یپهود از سخنان او تعجب کردند و به یکدیگر گفتند: «عجب تا او را بگیرند. **33** آنگاه عیسی به مردم فرمود: «من فقط مدت است! چگونه امکان دارد شخصی که هیچوقت در مدرسه دینی ما کوتاهی در میان شما خواهم بود. پس از آن، نزد فرستنده خود باز درس نخوانده است، اینقدر معلومات داشته باشد؟» **34** عیسی به خواهم گشت. **34** آنگاه شما مرا جستجو خواهید کرد، اما مرا ایشان فرمود: «آنچه به شما می‌گوییم، از فکر و نظر خودم نیست نخواهید یافت و به جایی که می‌روم، نعمی توانید به آن راه یابید.» **35** بلکه از خدایی است که مرا فرستاده است. **36** اگر کسی براستی سران قوم از این گفته عیسی تعجب کردند و از یکدیگر پرسیدند: بخواهد مطابق خواست خدا زندگی کند، بی خواهد برد که آنچه «مگر کجا می‌خواهد برود؟ شاید می‌خواهد از این مملکت خارج من می‌گوییم، از خداست نه از خودم. **18** کسی که نظر خود را شود و نزد یهودیان در سایر ممالک برود. شاید هم می‌خواهد نزد بگوید، هدفش این است که مورد توجه مردم قرار گیرد؛ ولی کسی که غیریهودیان برود. **36** منظوش چه بود که گفت: «مرا جستجو خواهید می‌خواهد خدا مورد تمجید و ستایش قرار گیرد، او شخص درستکار و کرد، اما من نخواهید یافت و به جایی که می‌روم، نعمی توانید به آن راه بی‌ریاضی است. **19** مگر موسی تورات را به شما نداده است؟ اما یابید؟» **37** در روز آخر عیید که مهمترین روز آن بود، عیسی با هیچ‌یک از شما از آن اطاعت نمی‌کند. چرا می‌خواهید مرا بکشید؟» صدای بلند به مردم فرمود: «هر که تشنه است، نزد من بیاید و **20** ایشان از این سخن، یکه خوردن و گفتند: «تو به کلی عقلت را بتوش. **38** چنانکه در کتب مقدس نوشته شده، هر که به من ایمان از دست داده‌ای! چه کسی می‌خواهد تو را بکشد؟» **21** عیسی بیاورد، «از درون او نهرهای آب زنده چاری خواهد شد.» **39** منظور جواب داد: «من یک بیمار را در روز شبات شفا دادم و همه تعجب عیسی از نهرهای آب زنده، همان روح القدس بود که به کسانی کردید. **22** در صورتی که خود شما نیز در روز شبات کار می‌کنید. داده می‌شود که به عیسی ایمان بیاورند. ولی روح القدس هنوز به به دستور موسی پسرانتان را حتی در روز شبات ختنه می‌کنید. (البته کسی عطا نشده بود، چون عیسی هنوز به جلال نرسیده بود. **40** ختنه از زمان ابراهیم رسم شد، نه از زمان موسی). **23** اگر روز مردم وقتی این سخن را از عیسی شنیدند، گفتند: «براستی این باید ختنه پسران به شبات بیفتند، شما او را در روز شبات ختنه می‌کنید همان پیامبری باشد که منتظرش بودیم.» **41** دیگران می‌گفتند: «این تا شریعت موسی را نشکسته باشید. پس چرا مرا محاکوم می‌کنید خود مسیح است.» بعضی نیز می‌گفتند: «این مرد نمی‌تواند مسیح که روز شبات یک بیمار را شفای کامل داد؟ **24** از قضاویت بر باشد. آیا مسیح از جلیل می‌آید؟ **42** مگر در کتب مقدس نوشته اسامی معیارهای ظاهری دست بدارید، و با معیارهای حقیقی قضاوت نشده که مسیح از نسل دارد و پادشاه است و در دهکده بیتلحم، کنید. **25** بعضی از اهالی اورشلیم به یکدیگر می‌گفتند: «مگر این زادگاه دادواد، متولد می‌شود؟» **43** پس، مردم چند دسته شدند. همان نیست که می‌خواهند او را بکشند؟ **26** پس چطور حالا آزادانه **44** بعضی نیز خواستند او را بگیرند، ولی کسی دست به سوی او موعظه می‌کند و کسی به او چیزی نمی‌گوید؟ شاید سران قوم مان نیز دراز نکرد. **45** مأمورانی که رفته بودند تا عیسی را بگیرند، دست سرانجام بی برداند که او همان مسیح است. **27** ولی این غیرممکن خالی بازگشتند. فریسی‌ها و سران کاهنان پرسیدند: «پس چرا او را است. چون ما شنیده‌ایم که وقتی مسیح بیاید، هیچ‌کس نمی‌داند از نیواده‌ید؟» **46** گفتند: «هیچ‌کس تا به حال ماند این مرد سخنانی کجا آمده است. در صورتی که ما همه می‌دانیم که این شخص کجا چنین دلنشین نگفته است.» **47** فریسی‌ها ایشان را ریشخند کرده، متولد شده است. **28** پس عیسی به هنگام موعظه خود در معبد، گفتند: «پس شما هم فربی خوده‌اید؟ **48** آیا حتی یک نفر از ما به مردم فرمود: «شما البته مرا می‌شناسید و می‌دانید کجا متولد و سران قوم و فریسی‌ها به او ایمان آورده‌ایم؟ **49** این مردم نداند که به او کجا بزرگ شده‌ام. ولی من از طرف کسی آمده‌ام که شما او را ایمان آورده‌اند، شریعت را نمی‌دانند. لعنت خدا بر ایشان باد!» **50** نمی‌شناشید، و او حقیقت محض است. **29** من او را می‌شناسم در اینجا نیقدیموس، همان که قبلًاً نزد عیسی رفته بود و یکی از برای اینکه از او هستم و اوست که مرا نزد شما فرستاد.» **30** با ایشان بود، برخاست و گفت: **51** «آیا شریعت به ما اجازه می‌دهد شنیدن این سخنان، سران قوم خواستند او را بگیرند ولی کسی جرأت کسی را بدون محاکمه، محاکوم سازیم؟» **52** به او جواب دادند: این کار را به خود نداد، چون هنوز زمان مقرر نرسیده بود. **31** با وجود «مگر تو هم جلیلی هستی؟ برو و کتب مقدس را با دقت بخوان تا این، در همان وقت بسیاری ایمان آوردند که او همان مسیح است و بینی که هیچ پیامبری از جلیل ظهور نمی‌کند.» **53** پس از این به یکدیگر گفتند: «آیا انتظار دارید مسیح که چشم به راهش بودیم، سخن، همه برخاستند و به خانه‌های خود رفتند.

از این بیشتر معجزه کند؟» **32** هنگامی که فریسان و سران کاهنان شنیدند مردم درباره عیسی چه می‌گویند، بی‌درنگ مأمورانی فرستادند

عیسی به کوه زینون بازگشت. **۲** ولی روز بعد، صبح زود، باز خودش را بکشد؟ منظورش چیست که می‌گوید جانی می‌روم که شما به معبد رفت. مردم نیز دور او جمع شدند. عیسی نشست و مشغول نمی‌توانید بیاید؟ **۳** آنگاه عیسی به ایشان فرمود: «شما از پایین تعلیم ایشان شد. **۳** در همین وقت، سران قوم و فریسان زنی را که هستید و من از بالا. شما متعلق به این جهان هستید ولی من نیستم. در حال زنا گرفته بودند، کشان کشان به مقابله جمعیت آوردند و به **۴** برای همین گفتم که شما در گناهاتان خواهید مرد، چون اگر عیسی گفتند: «استاد، ما این زن را به هنگام عمل زنا گرفته‌ایم. ایمان نیاورید که من همان هستم که ادعا می‌کنم، در گناهاتان **۵** او مطابق قانون موسی باید کشته شود. ولی نظر تو چیست؟» خواهید مرد. **۵** مردم از او پرسیدند: «تو کیستی؟» عیسی جواب آنان می‌خواستند عیسی چیزی بگوید تا او را به دام بیندازند و داد: «من همانم که ازو این به شما گفتم. **۶** برای خلیل چیزها محکوم کنند. ولی عیسی سر را پایین انداخت و با انگشت بر زمین می‌توانم شما را محکوم کنم و خلیل چیزها دارم که به شما تعلیم می‌نوشت. **۷** سران قوم اصرار می‌کردند که او جواب دهد. پس عیسی دهم؛ اما فعلًا این کار را نمی‌کنم. فقط چیزهایی را می‌گویم که سر خود را بلند کرد و به ایشان فرمود: «اگر می‌خواهید او را سنگسار فرنستند من از من خواسته است، و او حقیقت محض است.» **۷** کنید، سنگ اول را باید کسی به او بیند که خود تا به حال گناهی ولی ایشان درک نکردن که او دریاره پدرش، خدا، سخن می‌گوید. نکرده باشد.» **۸** سپس، دوباره سر را پایین انداخت و به نوشتن بر **۸** پس، عیسی فرمود: «وقی پسر انسان را بر صلیب بلند کردید، روی زمین ادامه داد. **۹** سران قوم، از پیر گرفته تا جوان، یکایک بیرون آنگاه بی خواهید برد که من هستم، و از خود کاری نمی‌کنم، بلکه رفتند تا اینکه در مقابل جمعیت فقط عیسی ماند و آن زن. **۱۰** آنگاه هر چه پدر به من آموخته، همان را بیان می‌کنم. **۲۹** کسی که مرا عیسی بار دیگر سر را بلند کرد و به آن زن فرمود: «آنانی که تو فرنستاده است با من است و مرا تنها نگذاشته، زیرا همواره کارهای را متهم می‌ساختند، کجا رفتند؟ حتی یک نفر هم نماند که تو را پسندیده او را به جا می‌آور». **۱۰** در این وقت، بسیاری با شنیدن محکوم کنید؟ **۱۱** زن گفت: «نه، سوروم!» عیسی فرمود: «من نیز این سخنان به او ایمان آوردند. **۳۱** عیسی به یهودیانی که به او ایمان تو را محکوم نمی‌کنم. برو و دیگر گناه نکن.» **۱۲** عیسی در یکی آورده بودند فرمود: «اگر به تعالیم من وفادار بمانید، شاگردان واقعی از تعالیم خود، به مردم فرمود: «من نور جهان هستم، هر که مرا پیروی من خواهید بود. **۳۲** آنگاه حقیقت را خواهید شناخت و حقیقت کند، در تاریکی خواهد ماند، زیرا نور حیات بخش راهش را روشن شما را آزاد خواهد ساخت.» **۳۳** گفتند: «منظورت چیست که می‌کند.» **۱۳** فریسان گفتند: «تو بر خودت شهادت می‌دهی، پس می‌گویی آزاد خواهید شد؟ ما فرزندان ابراهیم هستیم و هرگز بزده کسی شهادت معتبر نیست.» **۱۴** عیسی فرمود: «من هر چه می‌گویم نبوده‌ایم.» **۳۴** عیسی جواب داد: «این عن حقیقت است که هر عین حقیقت است، حتی اگر دریاره خودم باشد. چون می‌دانم از که گناه می‌کند، اسیر و بزده گناه است. **۳۵** بزده جایگاهی دائمی در خانواده ندارد، اما پسر برای همیشه متعلق به آن خانواده است. **۱۵** کجا آمدام و به کجا باز می‌گردم. ولی شما این را نمی‌دانید. **۱۶** شما با عیارهای انسانی مرا قضاؤت می‌کنید، اما من هیچ کس را (alōn g165) **۳۶** پس، اگر پسر شما را آزاد کند، در واقع آزادید. قضاؤت نمی‌کنم. **۱۶** اگر نیز چنین کنم، قضاؤت من کاملاً درست **۳۷** بله، می‌دانم که شما فرزندان ابراهیم هستید. با این حال، بعضی است، چون من تنها نیستم، بلکه پدری که مرا فرنستاد، با من است. از شما می‌خواهید مرا بکشید، زیرا در دل شما جایی برای تعالیم من **۱۷** مطابق شریعت شما، اگر دو نفر دریاره موضوعی شهادت دهند، نیست. **۳۸** «من هر چه از پدرم دیده‌ام، می‌گویم. شما نیز هر چه از شهادت ایشان به طور مسلم قابل قبول است. **۱۸** دریاره من نیز دو پدر خود آخوندیده‌اید، انجام می‌دهید.» **۳۹** گفتند: «پدر ما ابراهیم نفر هستند که شهادت می‌دهند، یکی خودم و دیگری پدرم که مرا است.» عیسی جواب داد: «نه، اگر چنین بود، شما نیز از رفتار فرنستاده است.» **۱۹** پرسیدند: «پدرت کجاست؟» عیسی جواب خوب ابراهیم سرمشق می‌گرفتند. **۴۰** من حقایقی را که از خدا داد: «شما که نمی‌دانید من کیستم، چکونه می‌خواهید پدرم را شنیده‌ام به شما گفتم، با این حال شما می‌خواهید مرا بکشید. بشناسید؟ اگر مرا می‌شناختید، پدرم را نیز می‌شناختید.» **۲۰** عیسی ابراهیم هرگز چنین کاری نمی‌کرد! **۴۱** وقتی چنین می‌کنید، از پدر این سخنان را در قسمتی از معبد که خوانه در آنجا بود، بیان کرد. با واقعی تان پیروی می‌نمایید.» مردم جواب دادند: «ما که حرامزاده این حال کسی او را نگرفت، چون وقت او هنوز به سر نرسیده بود. نیستیم. پدر واقعی ما خداست.» **۴۲** عیسی فرمود: «اگر ایطرب بود، **۲۱** باز به ایشان فرمود: «من می‌روم و شما به دنبال من خواهید مرا دوست می‌داشتد. چون من از جانب خدا نزد شما آمدام. من گشت و در گناهاتان خواهید مرد؛ و به جایی نیز که من می‌روم، شما خودسرانه نیامده‌ام بلکه خدا مرا پیش شما فرنستاده است. **۴۳** چرا نمی‌توانید بیاید.» **۲۲** یهودیان از یکدیگر پرسیدند: «مگر می‌خواهد نمی‌توانید سخنان مرا بفهمید؟ دلیش این است که نمی‌خواهید به من

گوش دهد. 44 شما فرزندان پدر واقعی تان ابليس می‌باشید و دوست والدینش نیست. اما این اتفاق افتاد تا قدرت خدا در او دیده شود. 4 دارای اعمال بد او را انجام دهد. او از همان اول فاقیل بود و از تصرف باقیست من باید وظیفه‌ای را که فرستنده من به عهده من حقیقت نفرت داشت. در وجود او ذرا هی حقیقت پیدا نمی‌شود، گذاشته است انجماد دهم، زیرا وقت کمی تا شب باقی مانده و در آن چون ذاتاً دروغگو و پدر همه دروغگوهاست. 45 به همین دلیل است نمی‌توان کاری انجماد داد. 5 من تا وقتی در این جهان هستم، به آن که وقتی من حقیقت را به شما می‌گویم، نمی‌توانید باور کنید. 46 نور می‌بخشم! 6 آنگاه آب دهان بر زمین انداخت و با آن گل کدام یک از شما می‌تواند مرا حتی به یک گناه متهم سازد؟ پس حال درست کرد و به چشمان کور مالید، 7 و به او فرمود: «به حوض که حقیقت را از من می‌شنوید، چرا به من ایمان نمی‌آورید؟» 47 سیلوحا برو و چشمانت را بشوی.» 8 همسایه‌ها و کسانی که او را به هر کس که پدرش خدا باشد، با خوشحالی به سخنان خدا گوش «فرستاده» می‌باشد. آن کور نیز رفت، و چشمان خود را در آن می‌دهد؛ و چون شما گوش نمی‌دهید، ثابت می‌کنید که فرزندان خدا حوض شست و بینا بازگشت. 8 همسایه‌ها و کسانی که او را به نیستید.» 48 سران قوم فریاد زده، گفتند: «ای سامری اجنبی، ما از عنوان فقیری نایابنا می‌شناختند، از یکدیگر پرسیدند: «آیا این همان ابتدا درست می‌گفتیم که تو دیوزده‌ای؟» 49 عیسی فرمود: «من گذای کور است؟» 9 بعضی گفتند همانست و بعضی دیگر گفتند: دیوزده نیستم. من به پدرم، خدا، احترام می‌گذارم، ولی شما به من «نه، غیرممکن است که او باشد. اما شباht زیادی به او دارد.» مرد بی‌احترامی می‌کنید. 50 با اینکه من نمی‌خواهم خود را عزت و فقیر گفت: «من همانم.» 10 از او پرسیدند: «پس چه شد که بینا بزرگی بیخشم، اما این خداست که مرا بزرگی و عزت خواهد بخشد. شدی؟» 11 گفت: «شخصی که مردم او را عیسی می‌خواند، گل اوست دور راستین. 51 این که می‌گوییم عین حقیقت است: هر که درست کرد، به چشمان مالید و گفت که به حوض سیلوحا بروم و احکام مرا اطاعت کند، هرگز نخواهد مرد.» 52 سران گل را از چشمان پشویم. من هم رفتم و شستم و بینا شدم.» 12 یهود گفتند: «حالا دیگر برای ما ثابت شد که تو دیوزده‌ای. ابراهیم و پرسیدند: «او حالا کجاست؟» جواب داد: «نمی‌دانم.» 13 پس تمام پیامبران بزرگ خدا مرنده؛ حال، تو ادعای می‌کنی که هر که از تو او را ند فریسیان بردند. 14 آن روز که عیسی گل ساخت و او را اطاعت کرد، هرگز نخواهد مرد؟ 53 یعنی تو از پدر ما شفا داد، شبات بود. 15 فریسیان جریان را از او پرسیدند. او نیز ابراهیم که مرد، بزرگری؟ از پیامبران خدا هم که مردن بزرگتری؟ خود گفت: «او گل درست کرد و به چشمان مالید و وقتی چشمان را را که می‌دانی؟» 54 عیسی به ایشان فرمود: «اگر من بخواهم خود شستم، بینا شدم.» 16 بعضی از فریسیان گفتند: «اگر چنین باشد، را جلال بدhem، این کار ارزشی نخواهد داشت؛ اما این پدر من است عیسی از جانب خدا نیست، زیرا روز شبات کار می‌کند.» دیگران که به من جلال می‌بخشد، همان کسی که ادعا می‌کنید خدای گفتند: «ولی چگونه یک شخص گناهکار می‌تواند چنین معجزه‌ای شناسد. 55 شما او را نمی‌شناسید، اما من او را می‌شناسم؛ و اگر بکد؟» پس بین ایشان اختلاف افتاد. 17 آنگاه فریسی ها بازگشتد و بگوییم او را نمی‌شناسم، آنگاه مانند شما دروغگو خواهم بود! ولی به آن مردی که قبلًا نایابنا بود، گفتند: «تو خودت چه می‌گویی؟ حقیقت این است که من خدا را می‌شناسم و کاملاً مطیع او هستم. این شخص که چشمانت را باز کرد، کیست؟» جواب داد: «به 56 جد شما ابراهیم با شادی چشم به راه آمدن من بود؛ او آن را دید نظر من باید پیامبری از طرف خدا باشد.» 18 سران قوم یهود که و شاد گردید. 57 سران قوم یهود فریاد زدند: «چه می‌گویی؟ تو نمی‌خواستند باور کنند که او نایابنا بوده، پدر و مادرش را خواستند حتی پنجاه سال نیز نداری و می‌گویی ابراهیم را دیده‌ای؟» 58 عیسی 19 و از آنها پرسیدند: «آیا این پسر شمام است؟ آیا درست است که به ایشان فرمود: «این حقیقت محض است که پیش از آنکه ابراهیم کور به دنیا آمده؟ پس چطور چشمانش باز شد؟» 20 پدر و مادرش باشد، من هستم!» 59 سران قوم که دیگر طاقت شنیدن سخنان او جواب دادند: «بله، می‌دانیم که این پسر ماست و همینطور می‌دانیم را نداشتند، سینگ برداشتند تا او را بکشند. ولی عیسی از کثار ایشان که کور به دنیا آمده است. 21 ولی نه می‌دانیم چطور چشمانش باز شد و نه می‌دانیم چه کسی این کار را پیامبری انجام داده است. از گذشت و از معبد بیرون رفت و از نظرها پنهان شد.

9 وقتی عیسی از محلی می‌گلشت، کور مادرزادی را دید. 22 پدر و مادر او از ترس سران قوم یهود چنین گفتند، چون ایشان شاگردان از او پرسیدند: «استاد، این شخص چرا کور به دنیا آمده است؟ آیا در اثر گناهان خود او بوده است یا در نتیجه گناهان پدر و تمام مزایای جامعه محروم خواهند کرد. 23 از همین رو بود که مادرش؟» 3 عیسی جواب داد: «این به خاطر گناهان خودش یا والدینش گفتند: «او بالغ است؛ از خودش پرسید.» 24 فریسی ها

دوباره آن شخص را که نایبنا بود خواستند و گفتند: «برای این شفا کسانی که این مُثُل را شنیدند، منظور عیسی را درک نکردند. 7 پس خدا را تمجید کن نه عیسی راه چون ما می‌دانیم که عیسی آدم برای ایشان توضیح داد و فرمود: «همنهن باشید که من آن دری گاهکاری است.» 25 جواب داد: «اینکه او گناهکار است یا نه، هستم که گوسفندان از آن وارد می‌شوند. 8 دیگران که پیش از من من نمی‌دانم، فقط می‌دانم که کور بودم و اکنون بینا هستم!» 26 از آمدند، همه زد و راهن بودند. به همین جهت، گوسفندان واقعی به او پرسیدند: «خوب، عیسی با تو چه کرد؟ چطور چشمانت را باز سختن ایشان گوش ندادند. 9 بله، من در هستم. کسانی که از این کرد؟» 27 جواب داد: «من یک بار به شما گفتم، مگر نشنیدید؟ در وارد می‌شوند، نجات پیدا می‌کنند و در داخل و بیرون می‌گردند و چرا می‌خواهید دوباره تعریف کنم؟ آیا شما هم می‌خواهید شاگرد او چراگاه سیز و خیم می‌باشد. 10 کار دزد این است که بذدد، بکشد بشوید؟» 28 آنها او را دشنام داده، گفتند: «تو خودت شاگرد او و نابود کنید؛ اما من آمدام تا به شما حیات واقعی را به فراوانی عطا هستی. ما شاگرد موسی می‌باشیم. 29 ما می‌دانیم که خدا با موسی نمایم. 11 «من شیان نیکو هستم. شیان نیکو از جان خود می‌گذرد سخن می‌گفت. اما درباره این شخص، هیچ چیز نمی‌دانیم.» 30 تا گوسفندان را از چنگال گرگها نجات دهد. 12 ولی کسی که جواب داد: «این خیلی عجیب است که او می‌تواند کوری را بینا کند مزدور است و شیان نیست، وقی می‌بیند گرگ می‌آید، گوسفندان را و شما درباره او هیچ چیز نمی‌دانید؟ 31 همه می‌دانند که خدا به گذاشه، فرار می‌کند، چون گوسفندان از آن او نیستند و او شیانشان دعای اشخاص شیاد گوش نمی‌دهد، بلکه دعای کسی را می‌شود نیست. آنگاه گرگ به گله می‌زند و گوسفندان را پراکنده می‌کند. که خداترس باشد و اراده او را انجام دهد. 32 از آغاز جهان تا به 13 مزدور می‌گزید، چون برای مرد کار می‌کند و به فکر گوسفندان حال هیچوقت کسی پیدا نشده که بتواند چشمان کور مادرزاد را باز نیست. 14 «من شیان نیکو هستم و گوسفندان را می‌شناسم و آنها کنند. (aiōn g165) 33 اگر این شخص از طرف خدا نبود، چگونه نیز مرا می‌شناسند. 15 درست همان طور که پدرم مرا می‌شناسم و من می‌توانست چنین کاری بکند؟» 34 ایشان فریاد زندن: «تو سرایا در او را می‌شناسم. من جان خود را در راه گوسفندان فدا می‌کنم. 16 گاهه متولد شده‌ای؛ حال می‌خواهی به ما درس بدھی؟» پس او را من گوسفندان دیگری نیز دارم که در این آغاز نیز باید بیرون کردند. 35 وقی این خبر به گوش عیسی رسید، او را پیدا بیاورم. آنها نیز به صدای من توجه کرده، همه با هم یک گله خواهند کرد و فرمود: «آیا تو به پسر انسان ایمان داری؟» 36 جواب داد: شد و یک شیان خواهند داشت. 17 «پدرم مرا دوست دارد، چون سروز، بگو او کیست، چون می‌خواهم به او ایمان بیاورم.» 37 من جانم را می‌دهم و باز پس می‌گیرم. 18 کسی نمی‌تواند به زور عیسی فرمود: «تو او را دیده‌ای و هم اکنون با تو سخن می‌گویید.» جانم را بستاند. من داوطلبانه آن را فدا می‌کنم. زیرا اختیار این را دام 38 گفت: «بله، ای خداوند، ایمان دارم.» و عیسی را پرستش کرد. که جانم را فدا کنم، و اختیار آن را دام تا آن را باز پس بگیرم. 39 عیسی به او فرمود: «من به این جهان آمدام تا داوری کنم، تا به این اختیار را پدرم به من داده است.» 19 سران قوم بیهود وقی این نایبیان بینایی ببخشم و به آنانی که تصور می‌کنند می‌بینند، نشان سختن را شنیدند، باز درباره او اختلاف نظر پیدا کردند. 20 بعضی دهم که کورند. 40 بعضی از فریسان که آنچه بودند، گفتند: «آیا گفتند: «این مرد دیوانه است و عقل خود را از دست داده است. چرا منظورت این است که ما کوریم؟» 41 عیسی جواب داد: «اگر به حرلفهای او گوش می‌دهید؟» 21 دیگران گفتند: «به نظر دیوانه کور بودید، گناهی نمی‌داشتید؛ اما حالا که ادعا می‌کنید بینایید، نمی‌آید. مگر دیوانه می‌تواند چشمان کور را باز کند؟» 22 پس از آن گاهکار باقی می‌مانند.

10 «هر که نخواهد از در وارد آغل گوسفندان شود بلکه از روی دیوار به داخل پرید، زد و راهن است. 2 زیرا شیان گوسفندان می‌خواهی ما را در شک و تزوید نگاه داری؟ اگر تو همان مسیح همیشه از در وارد می‌شود. 3 دریان نیز برای شیان در را باز می‌کند، گوسفندان صدای او را می‌شنوند و نزد او می‌آیند. شیان نام گوسفندان قلاؤ به شما گفتم ولی باور نکردید. معجزه‌هایی که به قدرت پدرم می‌کنم، ثابت می‌کند که من مسیح هستم. 26 اما شما به من ایمان نمی‌آورید، زیرا جزو گوسفندان من نیستید. 27 گوسفندان من صدای ما می‌شناسند، من نیز ایشان را می‌شناسم و آنها به دنبال من بلکه از آنان می‌گریزند، چون با صدای غریبه‌ها آشنا نیستند.» 6

g165, aiōnios g166 29 چون پدرم ایشان را به من داده است برخوردارند. 10 فقط در شب است که خطر افتادن وجود دارد، چون و او از همه قویتر است؛ هیچ انسانی نمی‌تواند ایشان را از پدرم هوا تاریک است. 11 آنگاه فرمود: «دست ما ایلعازر خواهید است

بگیرد. 30 من و پدر یک هستیم». 31 باز سران قوم یهود سنگها و من می‌روم تا او را بیدار کنم. 12 شاگردان به او گفتند: «سرور

برداشتند تا او را بکشند. 32 عیسی فرمود: «از جانب پدرم کارهای ما، پس حالت خوب خواهد شد.» 13 ولی منظور عیسی این بود

نیک بسیار انجام دادم. برای کدام یک از آنها می‌خواهید مرا که ایلعازر مرده است، اما شاگردان تصویر کردن منظوش این است

سنگسار کنید؟» 33 جواب دادند: «ما به خاطر کفری که می‌گویی که ایلعازر در خواب است. 14 آنگاه عیسی به طور واضح فرمود:

می‌خواهیم تو را بکشیم، نه برای کارهای خوبت. چون تو یک انسانی «ایلعازر مرده است. 15 و من خوشحالم که در کنار او نبودم، چون

ولی ادعای خدایی می‌کنی.» 34 عیسی در پاسخ فرمود: «مگر در مرگ او یک بار دیگر به شما فرصت خواهد داد که به من ایمان

تورات شما نویشه نشده که «گفتم شما خدایانید؟» 35 حال، اگر آورید. حال بیایدند نزد او برویم.» 16 یکی از شاگردان او به نام توما،

کشت مقدس که نمی‌توانند نادرست باشد، به کسانی که کلام خدا که به او دوقلو هم می‌گفتند، به شاگردان دیگر گفت: «بیاید ما

به ایشان رسیدم، می‌فرمایند که «خدایان» هستند، 36 آیا کفر است نیز برویم و با او بمیریم.» 17 وقتی به بیت عینا رسیدند، شنیدند

کسی که خدا او را تقدیس کرده و به جهان فرستاده، بگوید «من پسر که ایلعازر را چهار روز پیش به خاک سپرده‌اند. 18 بیت عینا فقط

خدا» هستم؟ 37 اگر معجزه نمی‌کنم، به من ایمان نیاورید. 38 چند کیلومتر تا اورشلیم فاصله داشت 19 و عده‌ای از سران قوم

ولی اگر می‌کنم و باز نمی‌توانید به خود من ایمان نیاورید، لاقل به یهود از آجقا آمده بودند تا مارتا و مریم را برادرشان تسلي

معجزاتم ایمان آورید تا بدانید که پدر در من است و من در پدر.» بدهند. 20 وقتی به مارتا بخیر دادند که عیسی آمده است، برخاست

39 بار دیگر خواستند او را بگیرند ولی عیسی رفت و از آنان دور و بی‌درنگ به پیشواز او رفت، ولی مریم در خانه ماند. 21 مارتا به

شد. 40 سپس به آن طرف رود اوردن رفت، یعنی نزدیک به جایی که عیسی گفت: «سرووم، اگر اینجا بودید، برادرم نمی‌مرد. 22 حال نیز

یحیی در آغاز مردم را تعمید می‌داد. 41 در آجقا بسیاری از مردم نزد دیر نشده؛ اگر از خدا بخواهید، برادرم دویاره زنده خواهد شد.» 23

او آمدند؛ ایشان به یکدیگر می‌گفتند: «یحیی معجزه‌ای نکرد، ولی عیسی فرمود: «مارتا، برادرت زنده خواهد شد.» 24 مارتا گفت:

هر چه دریا این شخص گفت، راست بود.» 42 و بسیاری که در «بله، می‌دانم که در روز قیامت زنده خواهد شد.» 25 عیسی فرمود:

آنچه بودند، به عیسی ایمان آوردند.

11

روزی، شخصی به نام ایلعازر بیمار شد. او در بیت عینا زندگی می‌کرد، در همان دهکده مریم و خواهش مارتان. 2 این مریم

ایمان داری؟» 27 مارتا گفت: «بله، سرووم، من که برادرش اکنون بیمار بود، همان است که عطی گرانها را بر ایمان دارم که تو مسیح، پسر خدا هستی، همان که منتظرش بودیم.»

پاهای عیسی ریخت و با گیسوانش آنها را خشک کرد. 3 این دو

28 آنگاه مارتا به خانه بازگشت و مریم را از مجلس عزاداری بیرون برد

خواهر برای عیسی پیغام فرستاده، گفتند: «سرووم، دوست عزیزان و به او گفت: «عیسی اینجاست و می‌خواهد تو را بیبنند.» 29 مریم

سخت بیمار است.» 4 وقتی عیسی این خبر را شنید فرمود: «این

بیماری موجب مرگ ایلعازر نخواهد شد، بلکه باعث جلال خدا

خواهد گشت، و پسر خدا نیز از این رویداد جلال خواهد یافت.» 5

سعی می‌کردن مریم را عذاری دهنده، وقتی دیدند که او با عجله از

عیسی با اینکه نسبت به مارتا و مریم و ایلعازر لطف خاصی داشت، خانه بیرون می‌رود، تصویر کردن به سر قبر می‌رود تا بازگریه کند.

6 اما وقتی خبر بیماری ایلعازر را شنید، در محلی که بود، دو روز

پس ایشان نیز به دنبال او رفتند. 32 وقتی مریم نزد عیسی رسید، به

دیگر نیز ماند. 7 پس از آن، به شاگردان خود فرمود: «بیاید به

پاهای او افتاد و گفت: «سرووم، اگر اینجا بودید، برادرم نمی‌مرد.»

یهودیه بارگردیم.» 8 شاگردان اعتراض کرده، گفتند: «همین چند روز

33 وقتی عیسی دید که مریم گریه می‌کند و یهودیان نیز با او ماتم

پیش بود که سران یهود می‌خواستند تو را در یهودیه بکشند. حال

گرفته‌اند عمیقاً متأثر و پیشان گردید. 34 او پرسید: «کجا او را دفن

می‌خواهی باز به آجقا بروی؟» 9 عیسی جواب داد: «در روز، دوازده کرده‌اید؟» گفتند: «سرووم، بیا و بین.» 35 عیسی گریست.

ساعت هوا روشن است. تا زمانی که همه جا روشن است، مردم سران یهود به یکدیگر گفتند: «بیبنید چقدر او را دوست می‌داشت.»

37 ولی بعضی می گفتند: «این مرد که چشمان کور را باز کرد، چرا دیگر کاهان اعظم و فریسان اعلام کرده بودند که هر که عیسی را نتوانست کاری کند که ایلعازر نمیرد؟» 38 باز عیسی به شدت متأثر ببیند، خبر دهد تا او را بگیرند.

ش. سرانجام به سر قبر رسیدند. قبر او غاری بود که سنگ بزرگی 12 شش روز پیش از آغاز عید پسح، عیسی وارد بیت عیا شد، جلوی دهانه اش غلتانیده بودند. 39 عیسی فرمود: «سنگ را به کنار بغلانید!» ولی مارتا، خواهر ایلعازر گفت: «سرورم، حالا دیگر معفن شده، چون چهار روز است که او را دفن کرده‌ایم.» 40 عیسی فرمود: «مگر نگفتم اگر ایمان داشته باشی، جلال خدا را خواهی دید؟» 41 پس سنگ را کنار زدند. آنگاه عیسی به آسمان نگاه کرد و فرمود: «پدر، شکر می کنم که دعای مرا شنیده‌ای.» 42 البته همیشه دعایم را می شنوی ولی این را به خاطر مردمی که اینجا هستند گفتم، تا ایمان آورند که تو مرا فرستاده‌ای.» 43 سپس با صدای بلند فرمود: «ایلعازر، یهودن بیا!» 44 ایلعازر از قبر بیرون آمد، در حالی که تمام بدنش در کنن پیچیده شده و پارچه‌ای سرو و صورتش را بپوشاند بود. عیسی فرمود: «او را باز کنید تا بتواند راه بپرسد.» 45 بعضی از یهودیان که با مریم بودند و این معجزه را دیدند، به عیسی ایمان آوردند. 46 ولی بعضی نیز نزد فریسان رفته، واقعه را گزارش دادند.

47 کاهنان اعظم و فریسان بی درنگ جلسه‌ای تشکیل دادند تا به این موضوع رسیدگی کنند. ایشان به یکدیگر می گفتند: «چه کنیم؟

این شخص معجزات بسیاری انجام می دهد. 48 اگر او را به حال خود بگذاریم، تمام این قوم به دنبال او خواهد رفت. آنگاه رومی ها به اینجا لشکرکشی کرده، معبد و قوم ما را از بین خواهند برد.» 49

پکی از ایشان به نام قیافا، که در آن سال کاهن اعظم بود، بrixاست و گفت: «شما اصلاً متوجه موضوع نیستید. 50 آیا درک نمی کنید

که بهتر است یک نفر برای قوم بمیرد تا آن که همه قوم هلاک شوند.» 51 او این را از خود نگفت، بلکه چون در آن سال کاهن اعظم بود، به او الهام شد. او با این سخن، در واقع پیشگویی کرد

که عیسی باید برای قوم یهود فدا شود، 52 و نه فقط برای قوم یهود، بلکه برای جمع کردن و متعدد ساختن همه فرزندان خدا که در سراسر دنیا پراکنده‌اند. 53 از آن روز به بعد، سران قوم یهود توطئه چیزند تا

عیسی را به قتل رسانند. 54 عیسی از آن پس، دیگر در میان مردم آشکار نمی شد، بلکه با شاگردانش از اورشلیم به دهکده افرايم در

نژدیکی بیان رفت و در آنجا ماند. 55 کم کم عید پسح که از روزهای مقدس یهود بود نژدیک می شد. مردم از سراسر مملکت در

اورشلیم جمع می شدند تا خود را برای شرکت در مراسم عید آماده کنند. 56 در این میان، همه می خواستند عیسی را ببینند، و در معبد

با کجگاکوی از یکدیگر می پرسیدند: «چه فکر می کنید؟ آیا عیسی برای شرکت در مراسم عید به اورشلیم خواهد آمد؟» 57 ولی از طرف

کاهانی که برای مراسم عید به اورشلیم آمده بودند، 21 نزد فلیپ که اهل بیت صیدای جلیل بود، رفتند و گفتند: «آقا، ما می خواهیم

عیسی را بینیم». ۲۲ فیلیپ این را با آندریاس در میان گذاشت و گفت. ۴۲ با این همه، بعضی از سران قوم یهود ایمان آوردهند که او هر دو رفته و به عیسی گفتند. ۲۳ عیسی جواب داد: «وقت آن همان مسیح است، ولی به کسی نگفته‌نده چون می‌ترسیدند فریسان از رسیده است که پسر انسان به جلالی که در آسمان داشت بازگردد. کنیسه بیرون‌شان کنند. ۴۳ در واقع چیزی که برای این اشخاص ۲۴ این که می‌گویند عین حقیقت است: اگر دانه گندم در خاک اهمیت داشت، جلب نظر و احتمام مردم بود نه جلب رضای خدا. نیفتد و نمید، تنها می‌ماند؛ اما اگر بمیرد دانه‌های تازه بسیاری تولید ۴۴ پس عیسی با صدای بلند به مردم فرمود: «هر که به من ایمان می‌کند. ۲۵ اگر کسی جان خود را دوست بدارد، آن را از دست پیارود، نه فقط به من، بلکه به کسی نیز ایمان آورده که مرا فرستاده خواهد داد. اما کسی که در این جهان از جان خود بگذرد، آن است. ۴۵ چون آن که مرا دید، گویی فرستنده مرا دیده است. ۴۶ را برای حیات جاودان حفظ خواهد کرد. (aiōnios g166) ۲۶ من مثل نوری آدمهای تا در این دنیای تاریک بدرخشش تمام کسانی «هر که بخواهد مرا خدمت کند، باید به دنیا می‌باید. و هر جا که به من ایمان می‌آورند، در تاریکی سرگردان نشوند. ۴۷ اگر کسی من باشم، خدمتگرام نیز باید باشد. و پدر، هر کسی را که به من صدای مرا بشنو و لی اطاعت نکند، من از او بازخواست نخواهم خدمت کند، تکریم خواهد کرد. ۲۷ اکنون جانم آشفته است. آیا کرد، زیرا من نه برای بازخواست بلکه برای نجات جهان آدمهای ۴۸ باید دعا کنم که: «ای پدر، از آنچه می‌خواهد بر من واقع شود، مرا ولی تمام کسانی که مرا و سختان مرا نمی‌پذیرند، در روز قیامت رهایی ده؟» ۲۹ ولی من برای همین امر به این جهان آمدهام! ۲۸ پس بوسیله کلام من از ایشان بازخواست خواهد شد. ۴۹ این سختان از می‌گویم: «ای پدر، نام خود را جلال و سرافرازی ده.» ناگاه صدای من نیست، بلکه من آنچه را که پدرم خدا گفته است، به شما از آسمان گفت: «جلال دادم و باز جلال خواهم داد.» ۲۹ وقتی می‌گوییم؛ ۵۰ و می‌دانم که احکام او انسان را به زندگی جاود مردم این صدا را شنیدند، بعضی گمان بردن که صدای رعد بود و می‌رساند. پس من هر چه می‌گوییم، همان است که خدا به من بعضی دیگر گفتند: «فرشتهای با او سخن گفت.» ۳۰ ولی عیسی (aiōnios g166) فرمود: «این صدا برای شما بود، نه برای من. ۳۱ چون وقت آن

13 شب عید پسخ فرا رسید. عیسی می‌دانست که وقت آن رسیده است که خدا مردم دنیا را داوری کند و فرمانروای این دنیا، یعنی شیطان را از قدرت بیندازد. ۳۲ وقتی مرزا زمین بلند کردید، همه را به سوی خود جذب خواهم کرد. ۳۳ عیسی با این گفته، به نوع مرگ خود بر صلیب اشارة کرد. ۳۴ مردم پرسیدند: «تو از مرگ سخن می‌گویی؟ تا جایی که ما می‌دانیم مسیح باید همیشه زنده بماند و هرگز نمیرد. پس چرا تو می‌گویی که مسیح باید بمیرد؟ اصلاً دریاره که صحبت می‌کنی؟» ۳۵ عیسی جواب داد: «نور من فقط تا مدتی کوتاه بر شما خواهد تابید؛ پس تا فرصن هست، در نور راه بروید، تا تاریکی بر شما چیزه نشود. آنان که در آب در لکن ریخت و به شستن پاهای شاگردان و خشک کردن تاریکی راه می‌روند، نمی‌توانند بینند به کجا می‌روند. ۳۶ تا دیر گفت: «سروم، تو نباید پاهای ما را بشوی.» ۷ عیسی جواب داد: «اکنون علت کار مرا درک نمی‌کنی؛ ولی یک روز خواهی از چشم مردم پنهان کرد. ۳۷ با وجود تمام معجزاتی که عیسی کرد، بسیاری از مردم ایمان تیار و دند که او همان مسیح است. ۳۸ این درست همان است که اشیعای نبی پیشگویی کرده بود که: «خداندا، چه کسی پیام ما را باور کرده، و بازوی توانای خداوند بر چه کسی آشکار شده است؟» ۳۹ البته ایشان نتوانستند ایمان بیاروند، چون همان طور که اشیاعا گفته بود: ۴۰ «خدا چشمانشان را کور و دلهایشان را سخت کرده است، تا با چشمانشان نبینند و با شما نیز پاکید ولی نه همه.» ۱۱ چون عیسی می‌دانست چه کسی به او خیات خواهد کرد؛ از این جهت گفت که همه شاگردان پاک اشیاعا به این دلیل این را گفت که جلال او را دید و دریاره او سخن

نیستند. ۱۲ پس از آنکه پاهای شاگردان خود را شست، لباس خود را شما می‌دهم: یکدیگر را دوست بدارید همان‌گونه که من شما را پوشید و سر میز شام نشست و پرسید: «آیا فرمیدید چرا این کار را دوست می‌دارم. ۳۵ محبت شما به یکدیگر، به جهان ثابت خواهد کرد؟» ۱۳ شما مرا استاد و خداوند می‌خوانید، و درست می‌گویید کرد که شما شاگردان من می‌باشید.» ۳۶ شمعون پطرس پرسید: چون همین طور نیز هست. ۱۴ حال، اگر من که خداوند و استاد «سرور من، کجا می‌خواهید بروید؟» عیسی جواب داد: «حال، شما هستم، پاهای شما را شستم، شما نیز باید پاهای یکدیگر را نمی‌توانی با من بیانی، ولی بعد به دنالم خواهی آمد.» ۳۷ پطرس بشوید. ۱۵ من به شما سرمشی دادم تا شما نیز همین طور رفتار پرسید: «سرور، چرا نمی‌توانم حالا بیایم؟ من حتی حاضر جان را کشید. ۱۶ چون مسلمًا خدمتکار از اربابش بالاتر نیست و فاقد فدای تو کنم.» ۳۸ عیسی جواب داد: «تو جانت را فدای من نیز از فرستنده‌اش مهمتر نمی‌باشد. ۱۷ در زندگی، سعادت در می‌کنی؟ همین امشب پیش از بانگ خروی، سه بار مرا انکار کرده، این است که به آنچه می‌دانید، عمل کنید.» ۱۸ «این را به همه خواهی گفت که مرا نمی‌شناسی..»

شما نمی‌گوییم، چون تکنک شما را که انتخاب کردیدم، خوب

۱۴ «خاطرatan آسوده باشد. شما که به خدا ایمان دارید، به من می‌شناسم. اما آنچه در کتب مقدس آمده باید جامعه عمل پوشش که می‌فرماید: «کسی که نان و نمک مرا می‌خورد، دشمن من شده است.» ۱۹ این را به شما می‌گوییم تا وقیع واقع شد، به من ایمان نیز ایمان داشته باشید. ۲ در خانه پدر من منزلگاه بسیار است. اگر چنین نبود، به شما نمی‌گفشم که می‌روم مکانی برای شما آماده سازم. ۲۰ بدانید که هر کس فرستاده مرا قبول کند، مرا پذیرفته است و آنکه مرا قبول کند فرستنده مرا پذیرفته است.» ۲۱ پس از پیاوید. ۲۲ شاگردان مات و مبهوت به یکدیگر نگاه می‌کردند و در این سخن، عیسی به شدت محرون شد و با دلی شکسته گفت: «براستی به شما می‌گوییم که یکی از شما به من خیانت خواهد بیاید.» ۵ تو ما گفت: «ما حتی نمی‌دانیم به کجا می‌رومی، پس چطور می‌توانیم راه را بدانیم؟» ۶ عیسی به او فرمود: «من راه و راستی و حیات هستم؛ هیچ کس نمی‌تواند نزد پدر بیاید مگر به وسیله شاگردان، که عیسی دوستش می‌داشت، کنار او تکیه زده بود. ۲۴ اما از حالا به بعد، او را می‌شناسید و او را دیده‌اید.» ۸ فیلیپ شمعون پطرس به او اشاره کرد تا پرسید کیست که دست به چنین گفت: «خداوندا، پدر را به ما نشان بده که همین برای ما کافی است.» ۹ عیسی جواب داد: «فیلیپ، آیا بعد از تمام این مدتی که با شما بوده‌ام، هنوز هم نمی‌دانی من کیست؟ هر که مرا ببیند، خدای پدر را دیده است. پس دیگر چرا می‌خواهی او را ببینی؟ ۱۰ آیا اینان نداری که من در پدر هستم و او در من است؟ سخنانی که گلوبی یهودا پایین رفت، شیطان داخل او شد. پس عیسی به او می‌گوییم، از خودم نیست بلکه از پدر من است که در من ساکن است؛ و اوست که این کارها را می‌کند. ۱۱ فقط ایمان داشته باش که من در خدای پدر هستم و او در من است؛ و گرنه به خاطر گمان کردند که چون بول دست یهودا بود، عیسی به او دستور داد که برود و خوارک بخورد و یا چیزی به فقرابدهد. ۳۰ یهودا لقمه را خورد و بی درنگ در تاریکی شب بیرون رفت. ۳۱ به محض اینکه یهودا از اتاق خارج شد، عیسی فرمود: «وقت آن رسیده است که پسر انسان وارد جلالش شود و خدا نیز توسط او جلال یابد. ۳۲ خدا نیز بهزودی بزرگی و جلال خود را به من خواهد داد. ۳۳ ای فرزندان من که برایم بسیار عزیز هستید، چقدر این لحظات کوتاهند. بهزودی باید شما را بگذارم و بروم. آنگاه همان طور که به سران قوم بیهود گفتم، همه جا به دنیال من خواهید گشت، اما مرا نخواهید یافت و نخواهید توانست به جایی که می‌روم، بیاید. ۳۴ «پس حال، دستوری تازه به

«من تاک حقیقی هستم و پدرم باغبان است. 2 او هر

شما بماند. 17 این پشتیبان و تسلی بخش همان شاخه‌ای را که میوه ندهد، می‌بُرد و شاخه‌هایی را که میوه می‌دهند، روح القدس است که شما را با تمام حقایق آشنا خواهد ساخت. مردم هر س می‌کنند تا میوه بیشتری بدهند. 3 پهلوی احکامی که به شما دنیا به او دسترسی ندارند، چون نه در جستجوی او هستند و نه او را اصلاح و باک کرده است تا قویتو و مفیدتر باشید.

می‌شناسند. ولی شما در جستجوی او هستید و او را می‌شناسید، 4 در من بمانید و بگذارید من هم در شما بمانم. زیرا وقتی شاخه از چون او همیشه با شماست و در وجودتان خواهد بود. 18 «شما را درخت جدا شود، دیگر نمی‌تواند میوه بدهد. شما نیز جدا از من یتم و بی‌سرپرست نخواهی گذاشت و نزد شما خواهی آمد. 19 رای نمی‌توانید بارور و مفید باشید. 5 «بله، من تاک هستم، شما نیز مدت کوتاهی جهان مرا نخواهد دید، اما شما خواهید دید. چون من شاخه‌های من. هر که در من بماند و من نیز در او، میوه فراوان زنده‌ام شما نیز خواهید زیست. 20 وقتی زندگی را از سر گیرم، می‌دهد، چون جدا از من هیچ کاری از شما ساخته نیست. 6 اگر

خواهید دانست که من در خدای پدر هستم و شما در من هستید و کسی از من جدا شود، مانند شاخه‌ایی فایده آن را می‌بُرند و دور من نیز در شما هستم. 21 کسی مرا دوست دارد که از احکام من می‌اندازند. و آن شاخه می‌خشکد و سپس، آن را با سایر شاخه‌ها اطاعت کنند؛ و چون مرا دوست دارد، پدرم نیز او را دوست خواهد جمع می‌کنند تا در آتش بسوزانند. 7 ولی اگر در من بمانید و از

داشت و من نیز او را دوست خواهیم داشت و خود را به او نشان کلام من اطاعت کیم، هر چه بخواهید به شما داده خواهد شد. 8

خواهیم داد. 22 یکی از شاگردان او به اسم یهودا (الله نه یهودای شاگردان واقعی من محصول فراوان می‌دهند و این، باعث بزرگی و اسرارپردازی) پرسید: «سرور من، چرا خود را فقط به ما نشان می‌دهی؟» همان طور که پدر مرا دوست دارد، من نیز اما نه به همه مردم این جهان؟ 23 عیسی جواب داد: «من خود را شما را دوست دارم. پس در محبت من بمانید. 10 اگر از کلام من فقط به کسانی نشان می‌دهم که مرا دوست دارد و از احکام من اطاعت نمایید، در محبت من خواهید ماند، درست همان گونه که اطاعت می‌کنند. پدرم نیز ایشان را دوست دارد و ما نزد آیشان آمده، من از احکام پدرم اطاعت می‌کنم و در محبت او می‌مانم. 11 این را با ایشان زندگی خواهیم کرد. 24 اگر کسی مرا دوست نداشته گفتم تا شما نیز از شادی من لبریز شوید؛ بله، تا مالامال از خوشی باشد، کلام مرا اطاعت نخواهد کرد. سختانی که می‌شوند، از من گردید. 12 از شما می‌خواهم که به همان اندازه که من شما را نیست، بلکه از پدری است که مرا فرستاده است. 25 این چیزها را دوست می‌گذارم، شما نیز یکدیگر را دوست بدارید. 13 بزرگترین اکنون که با شما هستم، می‌گویم. 26 ولی وقتی پدر "تسلی بخش" را محبتی که شخص می‌تواند در حق دوستانش بکند، این است که به جای من فرستاد، یعنی همان روح القدس را او همه چیز را به شما جان خود را در راه ایشان فدا سازد. محبت را باید اینچنین سنجید. تعلیم خواهد داد؛ در ضمن هر چه را که به شما گفته‌ام، به یادتان 14 و شما دوستان نمید اگر از آنچه می‌گوییم اطاعت کنید. 15

خواهد آورد. 27 «من هدیه‌ای نزد شما می‌گذارم و می‌روم. این دیگر شما "بنده" نمی‌خوانم، چون معمولاً پنه مورد اعتماد اریابش هدیه، آرامش فکر و دل است. آرامشی که من به شما می‌دهم، مانند نیست. من شما را "دوستان خود" می‌خوانم، به این دلیل که به شما آرامش‌های دنیا بی‌دوم و زود‌گذر نیست. پس مضطرب و هراسان اعتماد کرده، هر چه پدرم به من گفته است، همه را به شما گفته‌ام. نیایشید. 28 فراموش نکنید چه گفتم؛ گفتم که می‌روم و زود باز 16 «شما مرا برنگردیدی، بلکه من شما را برگردیم و شما را فرستادم می‌گردم. اگر واقعاً مراد دوست داشته باشید، از این خبر شاد خواهید که بروید و میوه‌های ماندگار بیاورید، تا هر چه از پدرم به نام من شد، چون نزد پدرم می‌روم که از من بزرگتر است. 29 من همه چیز بخواهید به شما بدهد. 17 از شما می‌خواهم که بکدیگر را دوست را از پیش به شما گفتم تا واقع می‌شود، به من ایمان آورید. 30 بدارید، 18 چون مردم دنیا از شما نفرت خواهند داشت. اما بدانید «دیگر فرست زیادی نمانده است تا بار با شما سخن گویم، زیرا که پیش از اینکه از شما نفرت کنند، از من نفرت داشته‌اند. 19 اگر شیطان که فرامانروای این دنیاست، نزدیک می‌شود. البته او بر من به دنیا دل می‌بستید، دنیا شما را دوست می‌داشت. ولی شما به آن هیچ قدرتی ندارد. 31 من آزادانه آنچه پدر از من می‌خواهد می‌کنم تا دل نیسته‌اید، چون من شما را از میان مردم دنیا جدا کرده‌ام. به مردم دنیا بداند که من چقدر پدرم را دوست دارم. «برخیزید از اینجا همین دلیل از شما نفرت دارند. 20 آیا به خاطر دارید چه گفتم؟ برویم.»

مقام خدمتکار از اریابش بالاتر نیست. پس اگر مرا اذیت کردند،

شما را نیز اذیت خواهند کرد و اگر به سختان من گوش ندادند، به

سختان شما نیز گوش نخواهند داد. 21 مردم دنیا شما را آزار و اذیت

خواهند کرد، از این رو که شما از آن منید و همچنین به این دلیل که تمام بزرگی و جلال پدرم از آن من است. وقی گفتم جلال و بزرگی خدا را نمی شناسدند، خدایی که مرا فستاده است. **22** «اگر من به مرا به شما نشان می دهد، منظوم همین بود. **16** «بهزودی خواهم دنیا نمی آمد و با مردم سخن نمی گفتم، تقصیری نمی داشتند. ولی رفت و دیگر مرا نخواهید دید. ولی بعد از مدت کوتاهی باز می گردم حال که آدمهاد، دیگر برای گکاهانشان عنبر و بهانه‌ای ندارند. **23** و دویاره مرا خواهید دید.» **17** بعضی از شاگردان او از یکدیگر هر که از من نفرت دارد، از پدر نیز نفرت دارد. **24** اگر من در پرسیدند: «استاد چه می گوید؟ منظورش از این سخن چیست که مقابل چشممان این مردم کارهای نکرده بودم که غیر از من کسی می گوید؟» دیگر مرا نخواهید دید، ولی بعد از مدت کوتاهی دویاره مرا تا به حال نکرده بود، بی تقصیری می بودند؛ ولی اینک حقیقتی با دیدن خواهید دید؟ **18** منظورش از «نوزد پدر می روم» **19** عیسی تمام این معجزات، باز از من و از پدر نفرت دارند؛ **25** به این متوجه شد که شاگردان می خواهند از او سؤال کنند. پس فرمود: شکل، آنچه در تورات ایشان نوشته شده، جامعه عمل می پوشد که «می پرسید منظور چیست که گفتم؟» دیگر مرا نخواهید دید، ولی می فرماید: «بی جهت از من نفرت داشتند». **26** «اما من آن روح بعد از مدت کوتاهی خواهید دید؟» **20** مردم دنیا از رفتن من شاد تسلی بخش را به کمک شما خواهیم فستاد. او سرجشمه تمام حقایق خواهند شد، ولی شما محروم خواهید گردید و خواهید گریست. ولی است و از طرف پدرم آمده، درباره من همه چیز را به شما خواهد و قنی دویاره مرا بیبینید، گریه شما تبدیل به شادی خواهد شد. **21** گفت. **27** شما نیز باید درباره من با تمام مردم سخن بگویید، چون همچون زنی که درد می کشد تا نوزادی به دنیا آورد؛ ولی بعد از زایمان، رنج او به شادی تبدیل می شود و درد را فراموش می کند، از ابتدا با من بوده اید.» **22** شما نیز اکنون غمگین زیرا انسان جدیدی به دنیا آورده است. **16**

16 «این امور را از هم اکنون به شما می گوییم تا وقی با می باشید، ولی دویاره شما را خواهیم دید. آنگاه شاد خواهید شد و مشکلات رویرو می شوید، ایمان خود را از دست ندهید. **2** شما را از کسی نمی تواند آن شادی را از شما بگیرد. **23** در آن هنگام دیگر از کیسه‌ها بیرون خواهند راند و حتی زمانی فرا خواهد رسید که مردم من چیزی نخواهید خواست. من واقعیت را به شما می گویم، شما شما را خواهند کشت به خیال اینکه خدا را خدمت می کنند. **3** به خودتان هر چه از پدرم به نام من بخواهید، به شما خواهد داد. **24** تا این علت با شما اینچنین رفتار خواهند کرد که نه پدر را می شناسند، به حال به نام من چیزی تخریب نخواهیست. پیغامدی تا بیاید و شاد شوید و و نه مرا. **4** پس در آن موقع به یاد داشته باشید که خیر تمام این شادی‌تان کامل گردد. **25** «این چیزها را با مکالمه با شما گفتم. ولی پیش‌آمددها را از قبل به شما داده‌ام. علت اینکه این موضوع را زودتر زمانی فرا می رسید که دیگر نیازی به این کار نخواهد بود و همه چیز را به شما نگفتم این است که خودم با شما بودم. **5** «اما اکنون نزد به روشنی درباره پدرم به شما خواهیم گفت. **26** آنگاه به نام من کسی می روم که مرا فرستاد، و هیچ‌یک از شما نمی پرسید: «به کجا درخواست خواهید کرد. البته لازم نیست که من سفارش شما را به می روی؟» **6** در عوض غمگین و محرومی. **7** رفتن من به نفع پدر بکنم تا آنچه را که می خواهید به شما بدهد؛ **27** چرا که خود شماست، چون اگر نروم، آن روح تسلی بخش نزد شما نخواهد آمد. پدر، شما را دوست دارد، زیرا شما مرا دوست دارید و ایمان دارید که ولی اگر بروم او خواهد آمد، زیرا من او را نزد شما خواهیم فستاد. **8** بله، من از نزد پدرم خدا به این دنیا وقی او بیاید، جهان را در رابطه با گناه، عدالت خدا و داوری آینده آمدهاد، و حال دنیا را می گذارم و نزد او باز می گردم. **29** شاگردان محکوم خواهد کرد. **9** گناه جهان آن است که نمی خواهد به من گفتند: «اکنون آشکارا با ما سخن می گویی و نه با مقل. **30** اکنون ایمان بیاورد. **10** عدالت خدا ظاهر می شود زیرا من نزد پدر می روم و بی بودیم که همه چیز را می دانی و حتی نیاز نداری کسی سوالش را دیگر مرا نخواهید دید. **11** داوری خواهد آمد، زیرا رئیس این جهان با تو در میان بگذرد. همین برای ما کافی است تا ایمان بیاوریم که هم اکنون تحت محکومیت قرار دارد. **12** «بسیار چیزهای دیگر دارم شما از نزد خدا آمده‌اید.» **31** عیسی پرسید: «آیا سرانجام به این که بگوییم، ولی افسوس که حال نمی توانید بفهمید. **13** ولی وقیتی موضوع ایمان آوردید؟ **32** ولی وقیتی می رسید، و یا بهتر بگوییم همین روح القدس که سرجشمه همه راستی ها است بیاید، تمام حقایق را بر الان رسیده است که شما مانند کاه پراکنده می شوید و هر یک به شما آشکار خواهد ساخت. زیرا از جانب خود سخن نخواهد گفت، خانه خود برمی گردید و مرا تنها می گذارید. ولی من تنها نیستم، چون بلکه آنچه را که از من شنیده است، بیان خواهد کرد. او از آینده نیز پدرم با من است. **33** این چیزها را گفتم تا خیال‌تان آسوده باشد. در شما را با خبر خواهد ساخت. **14** او جلال و بزرگی مرا به شما نشان این دنیا با مشکلات و زحمات فراوان رویرو خواهید شد؛ با این حال خواهد داد و با این کار باعث عزت و احترام من خواهد شد. **15** شجاع باشید، چون من بر دنیا پیروز شده‌ام.»

وقتی عیسی سخنان خود را به پایان رساند، به سوی آسمان ای پدر، من و تو با هم یکی هستیم؛ تا همچنانکه تو در منی، و من نگاه کرد و گفت: «پدر، وقت موعود فرا رسیده است. بزرگی و در تو ایشان نیز با ما پک باشند، تا از این راه مردم جهان ایمان آورند که تو مرا فرستاده‌ای. **22** «جلالی را که به من بخشیدی به ایشان داده‌ام، تا آنان نیز مانند ما یکی گردند. **23** من در ایشان و تو در من، تا به این ترتیب ایشان نیز به تمام معنا با هم یکی باشند، و مردم دنیا بدانند که تو مرا فرستاده‌ای و بفهمند که ایشان را دوست داری، **24** بهمان اندازه که مرا دوست داری. **25** پدر، می خواهم همه آنای خدای راستین هستی، و عیسی مسیح را که فرستاده‌ای، بشناسند.

4 «بر روی زمین آنچه را که به من محل کرده که به من ایمان می آورند، در آینده با من باشند تا از ندیک بزرگی و بودی، انجام دادم تا باعث بزرگی و جلال تو شوم. **5** و حال، ای جلال مرا بیشنده. تو من جلال دادی، مردم جهان تو را پدر، مرا در حضور خود جلال بده، با همان جلالی که پیش از آفونیش چهان مرا دوست می داشتی. **25** «ای پدر عادل، مردم جهان تو را جهان نزد تو داشتم. **6** «من تو را به کسانی که به من بخشیدی، نمی شناسند ولی من تو را می شناسم و این شاگردان می دانند که تو شناسانند. ایشان در دنیا بودند و تو ایشان را به من بخشیدی. در مرا فرستاده‌ای. **26** من تو را به ایشان شناساندم و باز هم خواهم واقع همیشه از آن تو بودند و تو ایشان را به من دادی؛ و هر چه به شناسانید تا آن محبت بی پایانی که تو نسبت به من داری در ایشان ایشان گفتم، اطاعت کردند. **7** حال، می دانند که هر چه من دارم، نیز به وجود آید و من هم در ایشان باشم.»

18 ۸ هر دستوری به من دادی، به ایشان دادم و ایشان قبول کردند و دانستند که من از نزد تو به این جهان آمدام و ایمان زیتون واقع در آن سوی دره قدرون رفت. **2** یهودای خائن نیز آن محل را می شناخت، زیرا عیسی و شاگردانش بارها در آنجا گرد آمده بودند. **3** پس یهودا به همراه سربازان و محافظین مخصوص معبد که کاهنان اعظم و فریسان در اختیارش گذاشته بودند، با اسلحه و مسلحها و چراغها وارد باغ شدند. **4** عیسی با اینکه می دانست چه در انتظار سربانیده متند. **11** بهزودی من این جهان را گذاشته، نزد تو خواهم آمد، ولی ایشان در این جهان می مانند. پس ای پدر مقدس، کسانی را که به من بخشیده‌ای، با توجهات پدرانهات حفظ فرما تا مانند من و تو با هم یکی باشند. **12** تا زمانی که با ایشان بودم، با قدرت نامی که به من دادی، از ایشان محافظت کردم. ایشان را طوری حفظ کردم که هیچ یک از دست نرفت، مگر آن کس که برای هلاکت مقرر شده بود، تا نوشته کتب مقدس به واقعیت بیرونند. **13** «و حال، نزد تو می آیم. تا وقیع که با آنان بودم، چیزهای بسیار به ایشان گفتم تا از آنچه قبلًا گفته بود به انجام برسد که: «هیچ یک از کسانی را که به من بخشیدی، از دست ندادم.» **10** در همین وقت، شمعون پطرس شمشیر خود را کشید و گوش راست خادم کاهن اعظم را برید. نام آن خادم مالخوس بود. **11** عیسی به پطرس فرمود: «شمشیرت را غلاف کن. آیا جامی را که پدرم به من داده است، نباید بیوشم؟» **12** آنگاه سربازان و فرماندهان و محافظین معبد یهود عیسی را گرفتند و دستهای او را بستند، **13** و او را نهشت نزد حنا، پدرزن قیافا که در آن سال کاهن اعظم بود، بردند. **14** قیافا همان است که به سران ایمانداران آینده نیز دعا می کنم که بوسیله شهادت ایشان به من ایمان خواهد آورد. **21** دعا می کنم تا همه یک باشند، همان طور که

با کاهن اعظم آشنا بود، توانست به همراه عیسی داخل خانه کاهن کرده‌ای؟» 36 عیسی فرمود: «پادشاهی من یک پادشاهی زمینی اعظم شود. 16 ولی پطرس پشت در ماند، تا اینکه آن شاگرد دیگر نیست. اگر بود، پیروان می‌جنگیدند تا در چنگ سران قوم بیهود آمد و با کنیزی که دریان آتیجا بود، گفتگو کرد و پطرس را با خود به گرفتار نشوم. پادشاهی من متعلق به این دنیا نیست.» 37 پیلاus داخل خانه بود. 17 آن کنیز از پطرس پرسید: «آیا تو از شاگردان پرسید: «به حال مظوظت این است که تو پادشاهی؟» عیسی عیسی هستی؟» جواب داد: «نه، نیستم.» 18 بیرون، هوا سرد فرمود: «تو می‌گویی که من پادشاهم. به همین منظور است که متولد بود. پس خدمتکاران و مأموران، آتشی درست کردند و دور آن جمع شدم و به جهان آمدام تا بر حقیقت شهادت دهم؛ و تمام کسانی شدند. پطرس نیز به میان ایشان رفت تا خود را گم کند. 19 در که حقیقت را دوست می‌دارند، تصدق می‌کنند که آنچه می‌گویم داخل، کاهن اعظم، از عیسی دریاره شاگردان و تعالیم او سؤالاتی حقیقت است.» 38 پیلاus گفت: «حقیقت چیست؟» سپس کرد. 20 عیسی جواب داد: «همه می‌دانند من چه تعلیمی می‌دهم. بیرون رفت و به یهودیان گفت: «او هیچ جرمی متکب نشده است؛ من آشکارا در کسی‌ها و در معده موعده کرده‌ام؛ تمام سران قوم بیهود 39 ولی رسم این است که در هر عید پیش یک زدنای را برای سخنان ما را شنیده‌اند و به کسی مخفیانه چیزی نگفته‌اند. 21 چرا این شما آزاد کم. آیا می‌خواهید پادشاه بیهود را آزاد کنم؟» 40 ولی سؤال را از من می‌کنی؟ از کسانی پرسی که سخنان را شنیده‌اند. آنان جماعت فریاد زدند: «نه، او را نه! باراباس را می‌خواهیم!» (باراباس خوب می‌دانند من چه گفته‌ام.» 22 وقتی این را گفت، یکی از اقلایی شورشی بود.

نگهبانان معبد که آنجا ایستاده بود، به عیسی سلیمانی زد و گفت: «به 19 آنگاه به دستور پیلاus، عیسی را شلاق زدند. 2 سپس کاهن اعظم اینطور جواب می‌دهی؟» 23 عیسی جواب داد: «اگر سخنی ناراست گفتم، آن را ثابت کن. ولی اگر سخنم راست است، او پوشاندند، 3 و او را مسخره کرده، می‌گفتند: «زنده باد پادشاه بیهود!» و به او سلیمانی می‌زدند. 4 پیلاus باز بیرون رفت و به یهودیان فرستاد که او نیز کاهن اعظم بود. 25 در حالی که شمعون پطرس گفت: «اینک اور را نزد شما می‌آورم؛ ولی بدانید که او بی تقصیر است.» 5 آنگاه عیسی با تاج خار و لباس بلند ارغوانی بیرون آمد. 6 به پیلاus به مردم گفت: «بیسید، این همان شخص است.» محض اینکه چشم کاهن اعظم و محافظین مخصوص معبد به عیسی افاده، فریاد زدند: «مصلوبش کن! مصلوبش کن!» پیلاus گفت: «شما خودتان او را ببرید و مصلوب کنید. من که دلیلی برای محکوم کردن او نیافهم.» 7 سران بیهود جواب دادند: «مطابق شریعت ما، او باید کشته شود، چون ادعایی کنید که پسر خداست.» 8 وقتی پیلاus این را شنید پیشتر وحشت کرد. 9 پس دوباره عیسی را به کاخ فرماندار رومی فرستاد. یهودیان برای اینکه نجس نشوند، داخل کاخ نشدند، چون اگر داخل می‌شدند دیگر نمی‌توانستند در مراسم عید پیش و مراسم قربانی شرکت کنند. 29 پس فرماندار رومی که نامش پیلاus بود، بیرون آمد و پرسید: «اتهام این شخص چیست؟ چه شکایتی از او دارد؟» 30 جواب دادند: «اگر مجرم نبود، او را به تو تسليم نمی‌کردیم.» 31 پیلاus گفت: «پس او را ببرید و مطابق قوانین مذهبی خودتان محکم کنید.» سران بیهود گفتند: «ما یهودیان اجازه اعدام کسی را نداریم.» 32 این مطابق پیشگویی خود عیسی بود که فرموده بود به چه طریقی باید بمیرد. 33 آنگاه از او پرسید: «آیا تو پادشاه بیهود هستی؟» 34 عیسی پرسید: «آیا این سؤال خودت است، یا دیگران در مورد من به تو گفته‌اند؟» 35 پیلاus گفت: «مگر من بیهودی هست که این چیزها را از «ستگفرش» معروف بود و به زبان عبرانیان «جیاتا» خوانده می‌شد. من می‌پرسی؟ قوم خودت و کاهنانشان تو را به اینجا آورده‌اند. چه

۱۴ آن روز، روز «آمادگی» برای عید پستح بود، و ظهر هم نزدیک نفر را که همراه عیسی مصلوب شده بودند، شکستند. ۳۳ ولی می شد. پیلاش به یهودیان گفت: «این هم پادشاهتان!» ۱۵ مردم وقتی به عیسی رسیدند، دیدند که مرده است. پس ساختهای او را فریاد زدند: «نابودش کن، نابودش کن! مصلوبش کن!» پیلاش نشکستند. ۳۴ با این حال، یکی از سربازان نیزه خود را به پهلوی گفت: «می خواهد پادشاهتان را اعدام کنم؟» کاهنان اعظم فریاد عیسی فرو کرد، که بالا فاصله خون و آب از آن خارج شد. ۳۵ کسی زدند: «غیر از قیصر، پادشاه دیگری نداریم.» ۱۶ پس پیلاش عیسی که این وقایع را دید، بر آنها شهادت داده است، و شهادت او راست را در اختیار ایشان گذاشت تا بُرده، مصلوبش کنند. سربازان عیسی را است. او می داند که حقیقت را می گوید، و به این منظور شهادت تحولی گرفتند ۱۷ و صلیب را بر دوشش گذاشت، او را از شهر بیرون می دهد تا شما نیز ایمان بیاورید. ۳۶ این امور رخ داد تا نوشته کتب بردنده تا به محلی به نام جمجمه رسیدند که به زبان عبرانیان جلجنّا مقدس جامّه عمل پیوشد که می فرماید: «هیچ یک از استخوانهای خوانده می شود. ۱۸ در آنجا او را با دو نفر دیگر، در دو طرف او شکسته نخواهد شد.» ۳۷ و در بخشی دیگر نیز آمده که «به مصلوب کردن، و عیسی در وسط آن دو قرار گرفت. ۱۹ پیلاش تماشای کسی خواهد نشست که به او نیزه زدند.» ۳۸ ساعتی بعد، دستور داد در بالای صلیب او نوشتهای نصب کنند که روی آن نوشته یکی از برگان یهود، به نام یوسف که اهل رامه بود و از ترس میزان شده بود: «عیسای ناصری، پادشاه یهود.» ۲۰ بسیاری از یهودیان آن قوم، مخفیانه شاگرد عیسی شده بود، با یا کی به حضور پیلاش نوشته را خواندند، زیرا ممکنی که عیسی در آن مصلوب شده بود، رفت و اجازه خواست تا جسد عیسی را از بالای صلیب پایین بیاورد نزدیک شهر بود، و این نوشته هم به زبانهای آرامی، لاتینی (یعنی و به خاک بسیارد. پیلاش به او اجازه داد و او نیز پیکر عیسی را رومی باستان) و یونانی بود. ۲۱ پس، سران کاهنان به پیلاش گفتند: پایین آورد و با خود برد. ۳۹ به همراه او، نیقدیموس هم که پک شب «این نوشته را عرض کنید و به جای «پادشاه یهود» بنویسید: او گفت نزد عیسی آمده بود، حدود سی کیلو مواد مُعطر که از مر و چوب عود که من پادشاه یهود هستم.» ۲۲ پیلاش جواب داد: «آنچه نوشتم، تهیه شده بود، برای مراسم تدفین آورده. ۴۰ ایشان جسد عیسی را نوشتم.» ۲۳ وقایع سربازان عیسی را مصلوب کردند، لباسهای او گرفتند و آن را به رسم تدفین یهود با عطایات در گفن پیچیدند. ۴۱ را بین خود به چهار قسمت تقسیم نمودند؛ ولی وقتی به ردای او در نزدیکی محل اعدام، باع کوچکی بود و مقبره ای تو در آن قرار رسیدند، دیدند که یک پارچه بافته شده و درز ندارد. ۴۲ پس به داشت که تا آن زمان، جسدی در آن گذاشته نشده بود. ۴۲ پس یکدیگر گفتند: «حیف است این را پاره کنیم. بنا بر این فرعه می اندازیم چون روز تدارک برای پستح یهود و قبر در همان نزدیکی تا بینیم به که می رسد.» و این مطابق پیشگویی کتب مقدس بود که قرار داشت، جسد عیسی را همانجا دفن کردند.

۴۳ می فرماید: «لیسا هایم را میان خود تقسیم کردند و بر ردای من قرعه ۲۰ روز یکشنبه، صبح زود، وقتی هوا هنوز تاریک بود، مریم انداختند.» پس سربازان نیز چنین کردند. ۲۵ در پای صلیب، مریم مادر عیسی، خاله عیسی، مریم زن کلوبا و مریم مجلدیه ایستاده مجلدیه به سوی قبر رفت و با کمال تعجب دید که آن سنگ از جلو بودند. ۲۶ وقتی مادر خود را در کنار شاگردی که دوستش مفیره کثار رفته است. ۲ پس شتابان نزد پطرس و آن شاگرد که داشت، دید، به مادر خود گفت: «پیکر سرورمان را از مقبره آن شاگرد نیز فرمود: «او مادر تو باشد.» از آن روز به بعد، آن شاگرد برهانه و معلوم نیست کجا گذاشته اند.» ۳ پس پطرس و آن شاگرد دیگر به سوی مفیره روانه شدند. ۴ هر دو می دویدند، اما آن شاگرد مادر عیسی را به خانه خود برد. ۲۸ عیسی می داشت که دیگر همه چیز تمام شده است. پس برای اینکه مطابق پیشگویی کتب مقدس دیگر از پطرس جلو افتاد و زودتر از او به آنجا رسید. ۵ پس خم شد عمل کرده باشد، فرمود: «تشنهام.» ۲۹ در آنجا یک کوزه شراب و به داخل نگاه کرد و کفن کانی را دید که در آنجا قرار داشت، اما ترشیده بود. پس اسفنجی در آن فرو کردند و بر سرنی گذاشتند و داخل نشد. ۶ سپس شمعون بطرس رسید و داخل مفیره شد. او نیز جلوی دهان او بردنده. ۳۰ وقتی عیسی چشید، فرمود: «تمام شد!» و فقط کفن خالی را دید، ۷ و متوجه شد که پارچه ای که به سر و سر خود را پاین انداخت و روح خود را تسلیم کرد. ۳۱ سران قوم بود. ۸ آنگاه آن شاگرد نیز داخل مفیره شد و دید و ایمان آورد که یهود نمی خواستند جسد ها فردای آن روز که شبایت و روز اول عید بود، بالای دار بمانند. بنا بر این، از پیلاش خواهش کردند که دستور عیسی زنده شده است! ۹ چون تا آن هنگام هنوز به این حقیقت بی نبرده بودند که کتب مقدس می فرماید که او باید زنده شود. ۱۰ پس بدده ساق پاهای ایشان را بشکنند تا زودتر بهمیرند و جسدشان را از بالای دار پایین بیاورند. ۱۱ ولی مریم مجلدیه به مفیره برگشته بود و حیران

ایستاده، گریه می کرد. همچنانکه اشک می ریخت، خم شد و داخل که ندیده به من ایمان می آورند.» **30** شاگردان عیسی معجزات مقبره را نگاه کرد. **12** در همان هنگام، دو فرشته را دید با جامه های بسیاری از او دیدند که در این کتاب نوشته نشده است. **31** ولی سفید، که در جایی نشسته بودند که پیکر عیسی گذاشته شده بود، همین مقدار نوشته شد تا ایمان آورید که عیسی، همان مسیح و پسر یکی نزدیک سر و دیگری نزدیک پاها. **13** فرشته ها از مریم پرسیدند: خداست و با ایمان به او، زندگی جاودی پیاید.

چرا گریه می کنی؟» جواب داد: «پیکر سرورم را بردہاند و نمی دانم کجا گذاشتند.» **14 ناگاه مریم احساس کرد کسی پشت سر او ایستاده است. برگشت و نگاه کرد. عیسی خودش بود. ولی مریم او را نشناخت. **15** عیسی از مریم پرسید: «چرا گریه می کنی؟ به دنیال چه کسی می گردی؟» مریم به گمان اینکه باغیان است، به او نتایل اهل قنای جلیل، پسran زیدی و دو نفر دیگر از شاگردان. **3** چند نفر از شاگردان کار دریا بودند: شمعون پطرس، توما معروف به دوقلو، گفت: «سرورم، اگر تو او را بردہای، پگو کجا گذاشتی ای تا بروم او هم می آیم.» پس، سوار قایق شدند و رفتند، ولی آن شب چیزی را بردارم.» **16** عیسی گفت: «مریم!» مریم به طرف او برگشت و با شادی فریاد زد: «زیبونی!» (که به زبان عبرانیان یعنی «استاد»). **17** عیسی فرمود: «به من دست نزن، چون هنوز نزد پدرم بالا نرفتهام. ولی برو و بزادانم را پیدا کن و به ایشان بگو که من نزد پدر خود و پدر شما و خدای خود و خدای شما بالا می روم.» **18** مریم شاگردان را پیدا کرد و به ایشان گفت: «خداؤند زنده شده است! من خودم او را بالا بکشند.» **7** آنگاه شاگردی که عیسی او را دوست می داشت، به پطرس گفت: «این خداوند است!» شمعون پطرس هم که تا کسر اندختند. آنقدر ماهی در تور جمع شد که از سینکنی توانستند تور را پیغام او را به ایشان داد. **19** غروب همان روز، شاگردان دور هم جمع شدند و از ترس سران قوم پهود، درها را ز پشت بستند. ولی ناگهان عیسی را دیدند که در میانشان ایستاده است. عیسی فرمود: «آرامش و سلامتی بر شما باد!» **20** و زخم دستها و پهلوی خود را به ایشان نشان داد تا او را بشناسند. وقتی خداوند خود را دیدند، بی اندازه شاد شدند. **21** عیسی باز به ایشان فرمود: «آرامش و سلامتی بر شما باد. همچنانکه پدر ما به این جهان فرستاد، من نیز شما را به میان مردم می فرستم.» **22** آنگاه به ایشان دیدم و فرمود: «روح القدس را بیایید.» **23** هرگاه گناهان کسی را بیخشنید، بخشیده می شود، و هرگاه نیخشنید، بخشیده نمی شود. **24** توما معروف به «دولو» که یکی از دوازده شاگرد مسیح بود، آن شب در آن جمع نبود. **25** پس، وقتی به او گفتند که خداوند را بیدهاند، جواب داد: «من که باور نمی کنم. تا خودم زخم میخاهی صلب را در دستهای او نبینم و انگشتانم را در آنها نگذارم و به پهلوی زخمی اش دست نزنم، باور نمی کنم که او زنده شده است.» **26** یک هفته بعد، باز شاگردان دور هم جمع شدند. این بار توما نیز با ایشان بود. باز هم از دیگران بیشتر مرا دوست داری؟» پطرس جواب داد: «بله سرورم، درها بسته بود که ناگهان عیسی را دیدند که در میانشان ایستاد و خودتان می دانید که من شما را دوست دارم.» **27** عیسی رو به توما کرد و فرمود: «آرامش و سلامتی بر شما باد!» **28** عیسی رو به توما کرد و فرمود: «انگشت را در زخم دستهای بگذار. دست به پهلویم بزن و بیش از این بی ایمان میباش. بلکه ایمان داشته باش!» **29** توما گفت: «ای خداوند من، و ای خدای من.» **30** عیسی به او فرمود: «بعد از اینکه مرا دیدی، ایمان آوردی. ولی خوشبا حال کسانی عیسی فرمود: «پس، از گوسفدان من مراقبت کن.» **17** براز**

سوم عیسی به او فرمود: «ای شمعون، ای پسر یونا، آیا مرا دوست

می‌داری؟» پطرس رنجیده خاطر شد که عیسی برای بار سوم از او

پرسید که «آیا مرا دوست می‌داری؟» پس گفت: «سرووم، شما از

همه چیز آگاهید. می‌دانید که دوستان دارم.» عیسی به او فرمود:

«پس به بردهای کوچک من خوارک بده.» ۱۸ واقعیت این است که

وقتی جوان بودی هر کاری می‌خواستی می‌توانستی بکنی و هر جا

می‌خواستی می‌رفتی، ولی وقتی پیر شوی، دیگران دست را می‌گردند و

به این طرف و آن طرف می‌کشند، و جایی می‌برند که نمی‌خواهی

بروی.» ۱۹ این را فرمود تا پطرس بداند که با چه نوع مرگی خواهد

مرد و خدا را جلال خواهد داد. بعد عیسی به او فرمود: «حالا به

دبال من بیا.» ۲۰ پطرس برگشت و دید شاگردی که عیسی دوستش

می‌داشت به دبالتاشان می‌آید، یعنی همان کسی که سر شام، کنار

عیسی تکیه زده، از او پرسیده بود: «استاد، کدام یک از ما به شما

خیانت می‌کنیم؟» ۲۱ پطرس از عیسی پرسید: «سرووم، بر سر او

چه خواهد آمد؟» ۲۲ عیسی جواب داد: «اگر بخواهم او بماند تا

بازگردد، چه ربطی به تو دارد؟ تو دبالت من بیا.» ۲۳ پس این خبر در

میان برادران پیچید که آن شاگرد معجب نخواهد مرد. در صورتی که

عیسی هرگز چنین چیزی نگفت، او فقط فرمود: «اگر بخواهم او

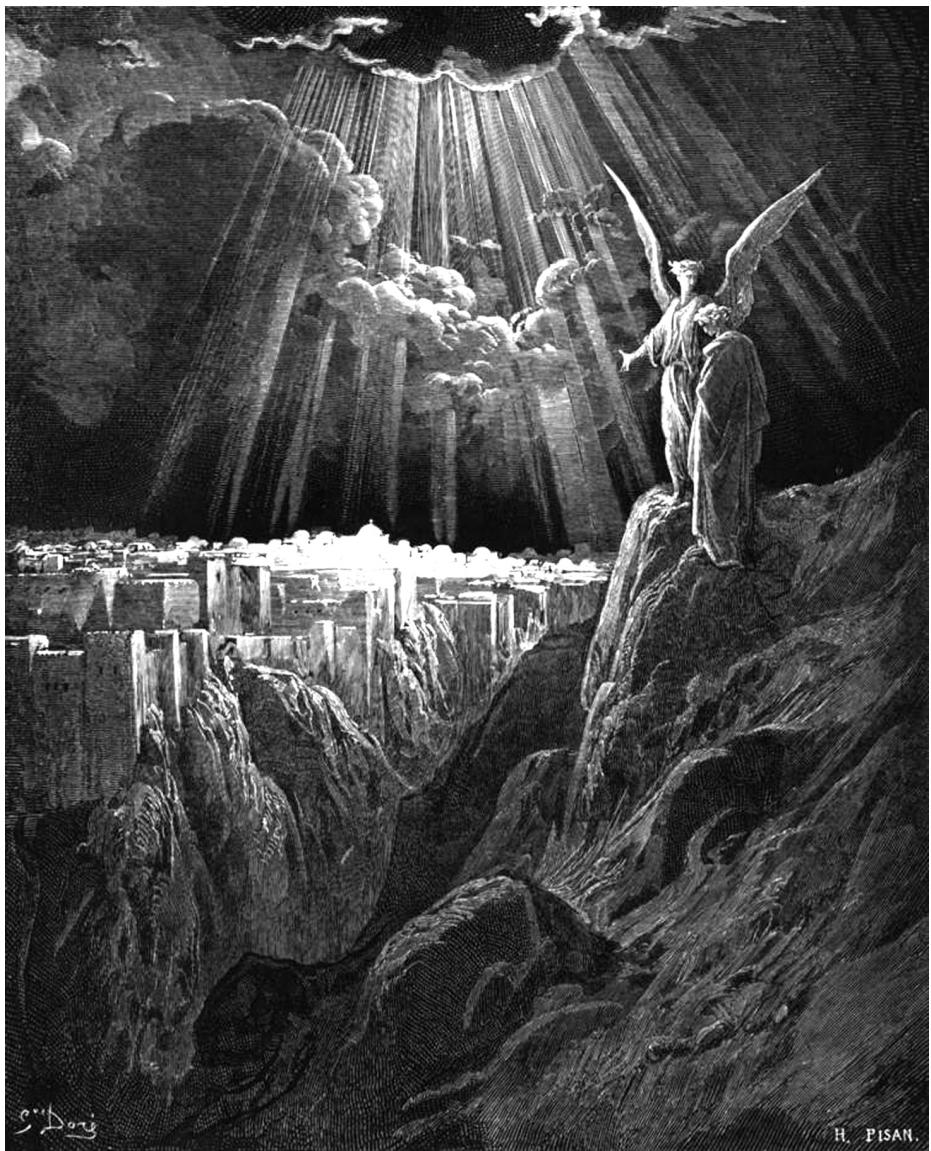
بماند تا بازگردد، چه ربطی به تو دارد.» ۲۴ آن شاگرد تمام این

چیزها را دید و اینجا نوشت؛ و ما همه می‌دانیم که این نوشته‌ها

عن حقیقت است. ۲۵ من گمان می‌کنم اگر تمام رویدادهای

زندگی عیسی در کتابها نوشته می‌شد، دنیا گنجایش آن کتابها را

نمی‌داشت!



و من، یوحنا، شهر مقدس اورشلیم را دیدم که از آسمان از جانب خدا پایین می آمد. چه منظرة باشکوهی بود! شهر اورشلیم به زیبایی یک عروس بود که خود را برای ملاقات داماد آماده کرده باشد! از تخت، صدای بلند شنیدم که می گفت: «خوب نگاه کن! معبد از این پس در میان آدمیان خواهد بود. از این پس خدا با ایشان زندگی خواهد کرد و ایشان خلق های خدا خواهد شد. بله، خود خدا با ایشان خواهد بود.

21:2-3 مکافنه

مکاشفه

نیز این لقب نوشته شده بود: «شاه شاهان و سور سروران.»¹⁷

سپس، فرشته‌ای را دیدم که در آسمان پرندگان می‌گفت: «بایدید و بر سر سفره‌ای که خدا برای شما تدارک

سرود شکرگزاری خوانده، می‌گفتند: «هللوبیاه، خدا را شکر! نجات از دیده است، جمع شوید.¹⁸ بایدید و بخورید از گوشت پادشاهان و

سوی خدای ما می‌آید. عزت و اکرام و قدرت فقط برازنده اوست،² فرماندهان و زورمندان؛ از گوشت اسیان و سواران آنها، و از گوشت هر

زیرا داوری او حق و عدل است. او فاحشة بزرگ را که زمین را با انسانی، بزرگ و کوچک، برد و آزاد.¹⁹ آنگاه دیدم که آن وحش،

فساد خود آگوده می‌ساخت، مجازات نمود و انقام خون خدمتگزاران حکومنهای جهان و لشکریان آنها را گرد آورد تا با آن اسب سوار و

خود را از او گرفت.»³ ایشان بارها و بارها سرایده، می‌گفتند: لشکر او بجنگند.²⁰ اما وحش با پیامبر دروغینش گرفتار شدند و هر

«هللوبیاه، خدا را شکر! دود از حاکستر این شهر تا ابد بالا خواهد

دو زندگانه به دریاچه آتش که با گوگرد می‌سوزد انداده شدند؛

رفت!»⁴ آنگاه، آن بیست و چهار پیرو و چهار پله، همان پیامبری که از جانب وحش معجزات خیره کننده انجام

موجود زنده سجده کرده، خدا را که بر تخت نشسته بود، پرستش می‌داد تا تمام کسانی را که علامت وحش را داشتند و مجسمه‌اش را

نمودند و گفتند: «آئین، هللوبیاه. خدا را شکر!»⁵ سپس از میان می‌پرستیدند، فریب دهد. (Limnē Pyr g3041 g4442) آنگاه²¹

تخت، صدای دیگری آمد که می‌گفت: «شما ای خدمتگزاران خدا، تمام دار و دسته او با شمشیر تیزی که در دهان اسب سوار بود کشته

کوچک و بزرگ، خدای ما را سپاس گویید و او را اکرام نمایید.» شدند، و پرندگان شکم خود را با گوشت آنان سیر کردند.

6 سپس، آوای خوش آهنگ دیگری را شنیدم، آوانی همچون سرود

20

سپس، فرشته‌ای را دیدم که از آسمان پائین آمد. او کلید

زدها بود، و می‌گفت: «هللوبیاه، خدا را شکر! زیرا خداوند توانای ما

سلطنت می‌کند. 7 بایدید با پاکدیگر وجود و شادی کنیم و او را

احترام نماییم، زیرا زمان جشن عروسی بره فرا رسیده است. عروس

او نیز خود را مهیا کرده،⁸ و به او اجازه داده شده تا پاکتین و سفیدترين و لطیفین لباس کنان را پوشد.» مقصود از کتان طیف،

همانا اعمال نیک خلق خدادست. 9 آنگاه فرشته به من گفت:

«بنویس: خوشبا به حال کسانی که به جشن عروسی بره دعوت

شده‌اند. این را خداوند می‌فرماید.»¹⁰ در این لحظه بود که به پای

او افتادم تا او را پرستم. اما او گفت: «نه، چنین نکن! من نیز مانند

تو، یکی از خدمتگزاران خدا هستم. من نیز مانند براذران تو، درباره

ایمان به عیسی شاهادت می‌دهم. تمام این نویتها و هر آنچه که به تو وحش و مجسمه‌اش را نپرستیده بودند و عالمتش را بر پیشانی و دست

نشان دادم، همه در وصف عیسی است.»¹¹ سپس دیدم که آسمان

گشوده شد. در آنجا اسپی سفید بود که سوارش «امین و حق» نام

مسیح هزار سال سلطنت نمودند. 5 این قیامت اول است. قیامت

داشت، زیرا به حق و عدل مبارزه و مجازات می‌کند. 12 چشمان او

بعدی در پایان آن هزار سال رخ خواهد داد؛ در آن زمان، بقیه مردگان

مانند شعله‌های آتش بود و بر سرش تاجگاهی فراوانی قرار داشت.

زندگانی اش نیز نامی نوشته شده بود که فقط خودش معنی آن را

بر پیشانی اش نیز نامی نوشته شده بود که فقط خودش معنی آن را

می‌دانست. 13 او جامه خون‌آلودی در برداشت و نقشی «کلمه خدا» خدا و مسیح بوده، با او هزار سال سلطنت خواهد کرد. 7 پس از

پایان آن هزار سال، شیطان از زندان آزاد خواهد شد. 8 او بیرون

داشتند، سوار بر اسیان سفید، به دنبال او می‌آمدند. 15 از دهان او خواهد رفت تا قوهای جهان یعنی جوج و ماجوج را فریب داده،

شمیشیر تیزی بیرون می‌آمد تا با آن قوهای بی ایمان را سرکوب کند. او برای جنگ متعدد سازد. آنان سپاه عظیمی را تشکیل خواهد داد که

با عصای آهین بر آنان حکمرانی خواهد نمود و با پاهای خود، شراب تعدادشان همچون ماسه‌های ساحل دریا بی شمار خواهد بود. 9

خشم خدای توانا را در چرخش خواهد فشرد. 16 بر لباس و ران او ایشان در دشت وسیعی، خلق خدا و شهر محبوب اوزرلیم را از هر

19

مکاشفه

سو محاصره خواهند کرد. اما آتش از آسمان، از سوی خدا خواهد است.» ۱۰ سپس مرا در روح به قله کوه بلندی برد. از آنجا، شهر مقدس اورشلیم را دیدم که از جانب خدا از آسمان پایین می‌آمد. ۱۱ شهر غرق در جلال خدا بود، و مثل یک تکه جواهر قیمتی، است که با گوگرد می‌سوزد و آن وحش و پامیر دروغین او شبانه روز، همچون بشم، که بلورهای شفافش برق می‌زند، می‌درخشید. ۱۲ دیوارهای شهر، پهن و بلند بود. شهر دوازده دروازه و دوازده فرسته ۱۳ آنگاه تخت بزرگ سفیدی را دیدم. بر آن تخت دریان داشت. اسامی دوازده قبیله بنی اسرائیل روی دروازه‌ها نوشته شده بودند. ۱۴ سپس مرده‌ها را دیدم که از بزرگ و کوچک در برایر خدا سه دروازه وجود داشت. ۱۵ دیوارهای شهر دوازده پایه داشت که بر ایستاده‌اند. دفترها یکی پس از دیگری گشوده شد تا به دفتر حیات آنها اسامی رسولان بره نوشته شده بود. ۱۶ در دست فرشته یک رسید. مردگان همگی بر طبق نوشته‌های این دفترها محاکمه شدند. ۱۷ بنابراین، دریا و زمین و قبرها، مرده‌هایی را که در خود داشتند، تحويل دادند تا مطابق اعمالشان محاکمه شوند. ۱۸ آنگاه مرگ و دنیای مردگان به دریاچه آتش افکنده شد. این است عرض و ارتفاع آن، هر کدام دوازده هزار پرتاب تیر بود. ۱۹ سپس بلندی دیوار شهر را اندازه گرفت و معلوم شد در همه جا صد و چهل مرگ دوم، یعنی همان دریاچه آتش. ۲۰ هر که نامش در دفتر حیات نبود، به دریاچه چهار دزاع است. فرشته با استفاده از واحدهای مشخص، این ۲۱ شفاف ساخته شده بود و دیوار آن از یشم بود که بر روی دوازده لایه از سنگهای زینتی ایجاد شده بود: لایه اول از یشم، دومی از سنگ لاجورد، سومی از عقيق سفید، چهارمی از زمرد، پنجمی از عقيق سرخ، ششمی از عقيق، هفتمی از زیبدج، هشتمی از یاقوت کبد، نهمی از یاقوت زرد، دهمی از عقيق سبز، یازدهمی از فیروزه و دوازدهمی از یاقوت بود. ۲۱ جنس دوازده دروازه شهر از مروارید بود، هر دروازه از یک قطعه مروارید. خیابان اصلی شهر از طلای ناب بود که مثل شیشه می‌درخشید. ۲۲ در شهر هیچ معبدی ایشان خلق‌های خدا خواهند شد. بله، خود خدا با ایشان خواهد دیده نمی‌شد، زیرا خدای قادر مطلق و بره معبد آن هستند. ۲۳ این شهر احتجاجی به نور خورشید و ماه نداشت، چون شکوه و جلال خدا و بره شهر را روشن می‌ساخت. ۲۴ نورش قومهای زمین را نیز نورانی می‌کرد، و پادشاهان دنیا می‌آمدند و جلال خود را نثار آن می‌کردند. ۲۵ دروازه‌های شهر هرگز بسته نمی‌شود، چون در آنجا همیشه روز است و شبی وجود ندارد! ۲۶ عزت و جلال و افتخار تمام قومها به آن وارد می‌شود. ۲۷ هیچ بدی یا شخص نادرست و فاسد اجازه ورود به آنجا را ندارد. این شهر فقط جای کسانی است که نامشان در دفتر حیات بره نوشته شده باشد.

(Limnē Pyr g3041 g4442) آتش افکنده شد. (Limnē Pyr g3041 g4442)

سپس زمین و آسمان تازه‌ای را دیدم، چون آن زمین و آسمان اول ناپدید شده بود. از دریا هم دیگر خبری نبود. ۲ و من، پوچنان، شهر مقدس اورشلیم را دیدم که از آسمان از جانب خدا پایین می‌آمد. ۳ چه منظرة باشکوهی بود! شهر اورشلیم به زیبایی یک عروس بود که خود را برای ملاقات داماد آماده کرده باشد! از تخت، صدای بلند شنیدم که می‌گفت: «خوب نگاه کن! معبد از این پس در میان آدمیان خواهد بود. از این پس خدا با ایشان زندگی خواهد کرد و ایشان خلق‌های خدا خواهند شد. بله، خود خدا با ایشان خواهد بود. ۴ خدا هر اشکی را از چشمان آنها پاک خواهد کرد. دیگر نه مرگی خواهد بود و نه غمی، نه نالهای و نه دردی، زیرا تمام اینها متعلق به دنیای پیشین بود که از بین رفت.» ۵ آنگاه او که بر تخت نشسته بود، گفت: «اینک همه چیز را نو می‌سازم!» و به من گفت: «این را بنویس چون آنچه می‌گوییم، راست و درست است. ۶ دیگر تمام شد! من الف و یا، و اول و آخر هستم. من به هر که تشنه باشد از چشمۀ آب حیات به رایگان خواهمن داد تا بتوشد. ۷ هر که پیروز شود تمام این نعمتها را به ارث خواهد برد و من خدای او خواهیم بود و او فرزند من. ۸ ولی ترسوها و بی ایمان و مفسدان و قاتلان و زناکاران و جادوگران و بت‌بستان و همه دروغگویان - جای همه در دریاچه‌ای است که با آتش و گوگرد می‌سوزد. این همان مرگ دوم صاف و زلال بود. رودخانه از تخت خدا و بره جاری می‌شد، ۲ و از است.» (Limnē Pyr g3041 g4442) ۹ آنگاه یکی از آن هفت وسط جاده اصلی می‌گذشت. دو طرف رودخانه، درختان حیات قرار فرشته که هفت جام بلای آخر را در دست داشتند، نزد من آمد و داشت که سالی دوازده بار میوه می‌دادند یعنی هر ماه یک نوع میوه گفت: «همراه من بیا تا عروس را به تو نشان دهم. او همسر بره

21

22 آنگاه رودخانه آب حیات را به من نشان داد که مثل بلور، دریاچه‌ای است که با آتش و گوگرد می‌سوزد. این همان مرگ دوم و لاله بود. رودخانه از تخت خدا و بره جاری می‌شد، ۲ و از فرشته که هفت جام بلای آخر را در دست داشتند، نزد من آمد و داشت که سالی دوازده بار میوه می‌دادند یعنی هر ماه یک نوع میوه گفت: «همراه من بیا تا عروس را به تو نشان دهم. او همسر بره

تازه، برگهایش نیز شفابخش بود و برای درمان قومها به کار می‌رفت. «آمین! ای عیسای خداوند، بیا!» ۲۱ فیض خداوند ما عیسی با همه

۳ در شهر چیزی بد یافت نخواهد شد، چون تخت خدا و برهه در شما باد! آمین!

آنچاست. خدمتگزاران خدا، او را پرستش خواهند کرد، ۴ و رویش را

خواهند دید و نامش روی پیشانی شان نوشته خواهد بود. ۵ در آنجا

دیگر شب نخواهد بود. احتیاجی هم به چراغ و خورشید نخواهد بود،

چون خداوند بزرگ نور ایشان خواهد بود و ایشان تا ابد سلطنت

خواهند کرد. (۱۶۵ g) ۶ آنکه فرشته به من گفت: «این

سخنان راست و قابل اعتماد است. و خدایی که وقایع آینده را از قبل

به اینیا خود اطلاع می‌دهد، فرشته خود را فرستاده است تا آنچه را که

بهزودی روی خواهد داد به شما اطلاع دهد.» ۷ «گوش کنید! من

بهزودی می‌آیم. خوشابه حال کسانی که آنچه را که در این کتاب

نبوت شده، باور می‌کنند.» ۸ من، بوحنا، تمام این چیزها را دیدم و

شیدم و زانو زدم تا فرشته‌ای را که آنها را به من نشان داده بود،

پرستش کنم. ۹ ولی او بار دیگر به من گفت: «نه، این کار را نکن.

من نیز مانند تو و برادرانت یعنی اینیا خدا، و تمام کسانی که به

حقایق این کتاب اعتماد دارند، از خدمتگزاران عیسی می‌باشم، پس

فقط خدا را پرستش کن.» ۱۰ سپس به من دستور داده، گفت:

«کلام نبوت این کتاب را مُهر نکن، چون بهزودی به وقوع خواهد

پیوست. ۱۱ وقتی آن زمان فرا رسد، بدکاران باز هم به کارهای

بد خود ادامه خواهند داد و فاسدان باز هم فاسدتر خواهند شد،

ولی نیکان، نیکتر و پاکان، پاکتر می‌گردند.» ۱۲ عیسی مسیح

می‌فرماید: «چشم به راه باشید، من به زودی می‌آیم و برای هر کس

مطابق اعمالش پاداشی با خود خواهم آورد. ۱۳ من الف و باء، آغاز و

پایان، اول و آخر هستم. ۱۴ خوشابه حال کسانی که لبساهیشان را

دانماً می‌شویند. آنها اجازه ورود به شهر و خوردن میوه درخت حیات

را خواهند داشت. ۱۵ اما سگها، یعنی جادوگران، زناکاران، قاتلان،

بتپستان، و همه کسانی که دروغ را دوست دارند و آن را به عمل

می‌آورند، به شهر راه نخواهند یافت. ۱۶ «من، عیسی، فرشته خود را

نزد شما فرستادم تا این چیزها را به کلیساها اعلام کنم. من از اصل و

نسب داوود هستم. من ستاره درخشندۀ صبح می‌باشم.» ۱۷ روح و

عروس می‌گویند: «بیا!» هر کس این را می‌شنود، بگوید: «بیا!» هر

که تشنیه است بیاید، و هر کس مایل است بیاید، و از آب حیات به

رایگان بتوشد. ۱۸ به کسی که کلام نبوت این کتاب را می‌شنود با

صراحت می‌گوییم که اگر به نوشته‌های این کتاب چیزی اضافه کند،

خداد بالاهای این کتاب را بر سرخ خواهد آورد. ۱۹ و اگر از این

پیشگویی‌ها مطلبی کم کند، خداوند او را از درخت حیات و شهر

مقدس که آن را شرح دادم، بی نصیب خواهد ساخت. ۲۰ کسی که

این چیزها را گفته است، می‌فرماید: «بله، من بهزودی می‌آیم!»

آیات 66

at AionianBible.org فارسی

The Bible is a library of 66 books in the Protestant Canon written by 40 different men over a span of 1,500 years from 1435 BC to 65 AD with one consistent message. From the first page through the last, Jesus. Genesis promised our deliverer is coming, Jesus. Moses said our better prophet is coming, Jesus. Isaiah prophesied our Messiah will be a suffering servant, Jesus. John announced our Anointed One is here, Jesus. Jesus himself testified he is our Lord God, Yahweh. The gospels agree our conqueror of death has risen, Jesus. The Apostles witnessed our victor ascend to his throne in Heaven, Jesus. And Revelation promises Jesus' return for our final judgment. Are you ready? Read the Bible cover to cover at AionianBible.org and answer these questions. How did I get here? Why am I here? How do I determine right or wrong? How can I escape condemnation? What is my destiny? Begin with the primer verses below.

پیدایش 8:9 سپس خدا به نوح و پسرانش فرمود: **9:9** «من با شما و با نسلهای آینده شما عهد می‌بندم، **10:9** و نیز با تمام حیواناتی که با شما در کشتی بودند یعنی همه پرندگان، چارپایان و جانوران. **11:9** بله، من با شما عهد می‌بندم که بعد از این هرگز موجودات زنده را بوسیله طوفان هلاک نکنم و زمین را نیز دیگر بر اثر طوفان خراب ننمایم. **12:9** این است نشان عهد جاودانی من: **13:9** زنگین کمان خود را در ابرها می‌گذارم و این نشان عهدی خواهد بود که من با جهان بستماد.

خروج 13:14 ولی موسی جواب داد: «نترسید! بایستید و ببینید چگونه خداوند امروز شما را نجات می‌دهد. این مصری‌ها را که حالا می‌بینید، از این پس دیگر هرگز نخواهید دید. **14:14** آرام بایشد، زیرا خداوند برای شما خواهد چنگید.»

لاویان 26:20 برای من مقدس باشید، زیرا من که خداوند هستم مقدس می‌باشم و شما را از سایر اقوام جدا ساخته‌ام تا از آن من باشید.

اعداد 24:6 «خداوند شما را برکت دهد و از شما محافظت فرماید. **25:6** خداوند روی خود را بر شما تابان سازد و بر شما رحمت فرماید، **26:6** خداوند لطف خود را به شما نشان دهد و شما را سلامتی بخشد.»

تثنیه 18:18 من از میان آنها پیامبری مانند تو برای ایشان خواهم فرستاد. به او خواهمن گفت که چه بگوید او سخنگوی من نزد مردم خواهد بود. **19:18** هر که به او گوش ندهد و به پیامش که از جانب من است توجه نکند، من خود از او بازخواست خواهم کرد.

بیوشع 7:1 فقط قوی و شجاع باش و از قوانینی که خدمتگزار موسی به تو داده است اطاعت نما، زیرا اگر از آنها به دقت پیروی کنی، هر جا روی موقع خواهی شد. **8:1** این کتاب تواریخ از تو دور نشود؛ شب و روز آن را بخوان و در گفته‌های آن تفکر کن تا متوجه تمام دستورهای آن شده، بتوانی به آنها عمل کنی؛ آنگاه پیروز و کامیاب خواهی شد. **9:1** آری، قوی و شجاع باش و ترس و واهمه را از خود دور کن و به پاد داشته باش که هر جا بروی من که خداوند، خدای تو هستم، با تو خواهم بود.»

داویان 7:2 بوضع خدمتگزار خداوند، در سن صد و ده سالگی درگذشت و او را در ملکش در تمنه حارس واقع در کوهستان افزایم به طرف شمال کوه جاوش به خاک سپرددند. قوم اسرائیل در طول زندگانی بوضع و نیز رسیش سفیدان قوم که پس از او زنده مانده بودند و شخصاً اعمال شگفت‌انگیز خداوند را در حق اسرائیل دیده بودند، نسبت به خداوند وفادار ماندند.

رووت 16:1 اما روت به او گفت: «مرا مجبور نکن که تو را ترک کنم، چون هر جا بروی با تو خواهم آمد و هر جا بمانی با تو خواهم ماند. قوم تو، قوم من و خدای تو، خدای من خواهد بود. **17:1** می‌خواهم جایی که تو می‌میری بمیرم و در کنار تو دفن شوم. خداوند بدترین بلا را بر سر من بیاورد، اگر بگذارم چیزی جز مرگ مرا از تو جدا کنند.»

اول سموئیل 7:16 اما خداوند به سموئیل فرمود: «به چهه او و بلندی قدش نگاه نکن، زیرا او آن کسی نیست که من در نظر گرفته‌ام. من مثل انسان قضاؤت نمی‌کنم. انسان به ظاهر نگاه می‌کند، اما من به دل.»

دوم سموئیل 22:7 ای خداوند من، چقدر با عظمت هستی! هرگز نشیده‌ایم که خدایی مثل تو وجود داشته باشد! تو خدای بی‌نظیری هستی!

اول پادشاهان 3:2 و همواره از فرمانهای خداوند، خدایت پیروی کن و به تمام احکام و قوانینش که در شریعت موسی نوشته شده‌اند عمل نما تا به هر کاری دست می‌زنی و به هر جایی که می‌روی کامیاب شوی.

دوم پادشاهان

اول تواریخ 17:29 خدای من، می‌دانم که تو از قلب انسانها آگاهی و کسی را که به راستی عمل می‌کند، دوست داری. من تمام این کارها را از صمیم قلب انجام دادم و شاهدم که قوم تو با شادی و اشتیاق هدایات خود را تقدیم کرده‌اند.

دوم تواریخ 14:7 اگر قوم من که به اسم من خوانده می‌شوند فروتن شده، دعا کنند و مرا بطلبند و از راههای بد خویش بازگشت نمایند، آنگاه ایشان را از آسمان اجابت نموده، گناهانشان را می‌بخشم و سلامتی را به سرزمین آنها باز می‌گردانم.

عزرا 10:7 عزرا زندگی خود را وقف مطالعه تورات و به کار بستن دستورهای آن و تعلیم احکامش به مردم اسرائیل نموده بود.

نوحیا 3:6 پس جوابشان را ایضطرور دادم: «من مشغول کار مهمی هستم و نمی‌توانم دست از کارم بکشم و به دیدن شما بایم.»

استر 14:4 اگر در این موقعیت، تو ساکت بمانی رهایی برای یهود از جایی دیگر پدید خواهد آمد، اما تو و خاندانش کشته خواهید شد. از این گذشته کسی چه می‌داند، شاید برای همین زمان ملکه شده‌ای.»

ایوب 25:19 اما من می‌دانم که رهانندهام زنده است و سرانجام بر زمین خواهد ایستاد؛

مزامیر 1:23 مزمور داود. خداوند شبان من است؟؛ محتاج به هیچ چیز نخواهم بود. 2:23 در مرتعبهای سبز مرا می‌خواباند، به سوی آبهای آرام هدایت می‌کند 3:23 و جان مرا تازه می‌سازد. او به خاطر نام پرشکوه خود مرا به راه راست رهبری می‌کند. 4:23 حتی اگر از دره تاریک مرگ نیز عبور کنم، نخواهم ترسید، زیرا تو، ای شبان من، با من هستی! عصا و چوبیدستی تو به من قوت قلب می‌بخشد. 5:23 سفرهای برای من در برایر دیدگان دشمنانم پنهان می‌کنم! سرّم را به روغن تدهین می‌کنم. پاله‌ام از برکت تو لبریز است. 6:23 اطمینان دارم که در طول عمر خود، نیکویی و رحمت تو، ای خداوند، همراه من خواهد بود و من تا ابد در خانه تو ساکن خواهم شد.

امثال 5:3 با تمام دل خود به خداوند اعتماد کن و بر عقل خود تکیه منما. 6:3 در هر کاری که انجام می‌دهی خدا را در نظر داشته باش و او در تمام کارهایت تو را موفق خواهد ساخت.

جامعه 10:3 من درباره کارهایی که خداوند بر دوش انسان نهاده تا انجام دهد، اندیشیدم 11:3 و دیدم که خداوند برای هر کاری زمان مناسی مقرر کرده است. همچنین، او در دل انسان اشتیاق به درک ابدیت را نهاده است، اما انسان قادر نیست کار خدا را از ابتدا تا انتها درک کند.

غزل غزلها 4:2 او مرا به تالار ضیافتیش آورد و به همه نشان داد که چقدر مرا دوست دارد.

اشعیا 6:9 زیرا فرزندی برای ما به دنیا آمده! پسri به ما بخشیده شده! او بر ما سلطنت خواهد کرد. نام او «عجبیب»، «مشییر»، «خدای قادری»، «پدر جاودانی» و «سرور سلامتی» خواهد بود. 7:9 او بر تخت پادشاهی داود خواهد نشست و بر سرزمین او تا ابد سلطنت خواهد کرد. پایه حکومتش را بر عدل و انصاف استوار خواهد ساخت، و گسترش فرمائزوانی صلح‌پیور او را انتهایی نخواهد بود. خداوند لشکرهای انسان چنین اراده فرموده و این را انجام خواهد داد.

ارمیا 4:1 خداوند به من فرمود: «پیش از آنکه در رحم مادرت شکل بگیری تو را انتخاب کردم. پیش از اینکه چشم به جهان بگشایی، تو را برگردیم و تعیین کردم تا در میان مردم جهان پیام آور من باشی.» 6:1 اما من گفتم: «خداوندنا، این کار از من ساخته نیست! من جوانی بی تجربه هستم!» 7:1 خداوند فرمود: «چنین مگو! چون به هر جایی که تو را بفرستم، خواهی رفت و هر چه به تو بگویم، خواهی گفت.

8:1 از مردم نترس، زیرا من با تو هستم و از تو محافظت می‌کنم. 9:1 آنگاه دست بر لبهایم گذاشت و گفت: «اینک کلام خود را در

دهانت گذاشتم! **10:1** از امروز رسالت تو آغاز می شود! تو باید به قومها و حکومتها هشدار دهی و بگویی که من برخی از ایشان را ریشه کن کرده، از بین خواهم برد و برخی دیگر را پا بر جا نگاه داشته، تقویت خواهم کرد.»

مراثی 21:3 اما نور امیدی بر قلبم می تابد، وقتی به پاد می آوم که **22:3** محبت خداوند بی انتهاست و رحمت او بی زوال. **23:3** وفاداری خدا عظیم است و رحمت او هر بامداد از نو آغاز می شود.

حِزْقیال 26:36 به شما قلی تازه خواهم داد و روحی تازه در باطن شما خواهم نهاد. دل سنگی و نامطیع را از شما خواهم گرفت و قلی نرم و مطیع به شما خواهم داد. **27:36** روح خود را در شما خواهم نهاد تا احکام و قوانین مرا اطاعت نماید.

دانیال 16:3 شدrik، میشک و عبدنغو جواب دادند: «ای نیزکدنیصر، ما لازم نمی بینیم در این مورد به تو جواب بدھیم. **17:3** اگر به داخل کوره آتش انداخته شویم، خدای ما که او را می پرسیم قادر است ما را نجات دهد. پس ای پادشاه، او ما را از دست تو خواهد رهانید.

18:3 ولی حتی اگر نرهاند، بدان که خدایان و مجسمه طلای تو را سجده نخواهیم کرد.»

هوشع 6:6 من از شما محبت می خواهم نه قربانی. من از هدایای شما خشنود نیستم بلکه خواهان آنم که مرا بشناسید.

بیوپل 28:2 «پس از آن، روح خود را بر همه مردم خواهم ریخت. پسران و دختران شما نبتو خواهند کرد، پیران شما خوابها و جوانان شما رؤیاها خواهند دید. **29:2** در آن روزها روح خود را حتی بر غلامان و کنیزان خواهم ریخت. **30:2** «در آسمان و بر زمین عجایب به ظهور خواهم آورد، از خون و آتش و ستوهای دود. **31:2** پیش از فرا رسیدن روز پرگ و هولناک خداوند، آفاب تاریک و ماه مانند خون سرخ خواهد شد. **32:2** اما هر که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت. همان طور که خداوند وعده داده است، بر کوه صهیون در اورشلیم

گروهی رهایی خواهند یافت، یعنی کسانی که خداوند ایشان را برگردیده است.»

عاموس 24:2 به جای آن بگذارید عدالت مانند رودخانه و انصاف همچون نهر دائمی جاری شود!

عوبیدا 15:1 «من، خداوند بمزودی از تمام قومها انتقام خواهم کشید. ای ادوم، همان طور که با اسرائیل رفتار کردی، با تو نیز به همان گونه رفتار خواهد شد. هر چه کردی بر سر خودت خواهد آمد.»

یونس 6:2 تا عمق کوهها فرو رفتم. درهای زندگی به رویم بسته شد و در دیار مرگ زندانی شدم. ولی ای خداوند، خدای من، تو مرا از چنگال مرگ رهانیدی! **7:2** «وقی که تمام امید خود را از دست داده بودم، بار دیگر تو را ای خداوند به پاد آوردم و دعای قلب من در خانه مقدس است به حضور تو رسید. **8:2** «کسانی که بتهای باطل را می پرسند از پیروی تو پرگشته‌اند، **9:2** ولی من با سرودهای تشکر برای تو قربانی خواهم کرد و نذر خود را به تو ادا خواهم نمود. نجات فقط از جانب خداوند است.»

میکاه 8:6 خداوند به ما فرموده است که از ما می خواهد. آنچه او از ما می خواهد این است که رحم و انصاف داشته باشیم و با کمال فروتنی احکامش را بجا آوریم.

ناحوم 2:1 پهلو خدایی غیور است و از کسانی که با وی مخالفت ورزند، انتقام می گیرد و با خشم شدید آنان را مجازات می کند. **3:1** خداوند دیر خشمگین می شود ولی گناه را هرگز بی سزا نمی گذارد. قدرت او عظیم است و آن را می توان در گردیدهای وحشتاک و طوفانهای شدید مشاهده کرد. ابرها خاک زیر پای او هستند!

حقوق 17:3 هر چند درخت انجير شکوفه ندهد و درخت انگور میوه نیاورد، هر چند محصول زیتون از بین بود و زمینها با پیر بمانند، هر چند گلهای در صحرا بمیزند و آغلها از حیوانات خالی شوند، **18:3** اما من شاد و خوشحال خواهم بود، زیرا خداوند نجات دهنده من است. **19:3** خداوند پهلو قوت من است! او به من قوت می دهد تا مانند آهوم بدم و از صخره‌های بلند، بالا بروم. برای رهبر سرلندگان، با همراهی سازهای زی هی.

صفنیا 17:3 زیرا پهلو خدایت که در میان توت نجات دهنده‌ای توانا می باشد. او از تو راضی خواهد بود، و تو را دوست خواهد داشت و وجود تو مایه شادی و سرور او خواهد بود.»

حججی ۴:۱ «آیا این درست است که شما در خانه‌های نوساخته زندگی کنید ولی خانه من خراب بماند؟**۵:۱** پس حال خداوند لشکرهای آسمان چنین می‌گوید: به نتیجه کارهایتان نگاه کنید: **۶:۱** بذر زیاد می‌کارید، ولی محصول کم برداشت می‌کنید؛ می‌خورید ولی سیر نمی‌شود؛ می‌نوشید ولی تشنگی تان رفع نمی‌گردد؛ لباس می‌پوشید اما گرم نمی‌شود؛ مرد می‌گیرید ولی گویی آن را در کیسه‌های سوراخ می‌گذاردی. **۷:۱** «خداوند لشکرهای آسمان چنین می‌گوید: خوب فکر کنید و ببینید چه کرده‌اید و نیجه‌اش چه بوده است!

زکریا ۱۰:۱۲ «من روح فیض و دعا را بر خاندان داود و بر ساکنان اورشلیم خواهم ریخت، و آنها بر من که نیزه زده‌اند خواهند نگرفت و عزاداری خواهند نمود چنانکه گویی برای تنها فرزند خود عزا گرفته‌اند، و آنچنان ماتم خواهند گرفت که گویی پسر ارشدشان مرده است.

ملائکی ۲:۴ «اما برای شما که ترس مرا در دل دارید، آفتاب عدالت با پرتو شفایخش خود طلوع خواهد کرد، و شما شاد و سیکال مثُل گوسلاله‌ای که به چرگاه می‌روند، جست و خیر خواهید نمود. **۳:۴** و خداوند لشکرهای آسمان می‌گوید: در آن روزی که من تعیین کردم، بدکاران را مثل حاکسستر زیر پای خود له خواهید کرد.

متی ۱۸:۲۸ آنگاه عیسیٰ جلو آمد و به ایشان فرمود: «تمام اختیارات در آسمان و زمین به من داده شده است. **۱۹:۲۸** پس بروید و تمام قومها را شاگرد من سازید و ایشان را به اسم پدر و پسر و روح القدس تعیید دهید؛ **۲۰:۲۸** و به ایشان تعليم دهید که تمام دستورهایی را که به شما داده‌ام، اطاعت کنید. مطمئن باشید هر جا که بروید، حتی اگر دورترین نقطه دنیا باشد، من همیشه همراه شما هستم!» **(aiōn)**

g165)

مرقس ۱۴:۱ مدتی بعد، پس از آنکه بیحیی به دستور هیرودیس پادشاه، زندانی شد، عیسیٰ به جلیل آمد تا پیام خدا را به مردم برساند. **۱۵:۱** او فرمود: «زمان موعود فرا رسیده است و ملکوت خدا نزدیک شده است. پس، از گناهان خود توبه کنید و به این خبر خوش ایمان بیاروید. **۱۶:۱** روزی عیسیٰ در کناره دریاچه جلیل قدم می‌زد که شمعون و بارادرش آندریاس را دید که تور به دریا می‌انداختند، زیرا شغل هر دو ماهیگیری بود. **۱۷:۱** عیسیٰ ایشان را فرا خوانده، گفت: «به دنبال من بیایید و من به شما نشان خواهم داد که چگونه انسان‌ها را برای خدا صید کنید.» **۱۸:۱** ایشان نیز بی درنگ تورهای خود را بر زمین گذاشتند و به دنبال او به راه افتادند.

لوقا ۱۸:۴ «روح خداوند بر من است، زیرا مرا مسح کرده تا به بی‌نوابان بشارت دهم. او مرا فرستاده تا به اسیران مژده آزادی دهم و بیانی را به نابینایان اعلام نمایم و ستمدیدگان را آزاد سازم؛

یوحنا ۱۶:۳ زیرا خدا به قدری مردم جهان را دوست دارد که یگانه پسر خود را فرستاده است، تا هر که به او ایمان آورد، هلاک نشود بلکه زندگی جاوید بیاپد. **۱۷:۳ (aiōnios) g166** خدا پسر خود را به جهان نفرستاد تا مردمان را محاکوم سازد، بلکه تا جهان را به وسیله او نجات پختند.

اعمال رسولان ۷:۱ جواب داد: «این زمانها را پدرم، خدا، تعیین می‌کند و دانستن آنها کار شما نیست. **۸:۱** ولی آنچه لازم است بدانید این است که وقتی روح القدس بر شما نازل شود، قادرت خواهید یافت تا در اورشلیم، در سراسر یهودیه، سامره، و تا دورترین نقاط جهان درباره من شهادت دهید.»

رومیان ۳۲:۱۱ زیرا خدا همه را در بند نافرمانی قرار داد تا بعواند بر همه یکسان رحم کند. **33:11 (eleēsē g1653)** و که چه خدای پرجلالی داریم! حکمت و دانش و ثروت او چه عظیم است! مثبت و راههای او فوق ادراک ماست! **۳۴:۱۱** «زیرا کیست که بعواند افکار خداوند را درک کنید؟ کیست که بعواند مشاور او باشد؟ **۳۵:۱۱** «چه کسی می‌تواند هدیه‌ای به او تقدیم نماید که قابل او باشد و از او انتظار عرض داشته باشد؟» **۳۶:۱۱** هر چه هست از خداست؟ وجود همه چیز به قدرت او وابسته است و همه چیز برای شکوه و جلال اوست. سخاوش بی‌پایان بر او باد! آمین. **(aiōn g165)**

اول قرنیتیان ۹:۶ مگر نمی‌دانید که ظالمان وارث ملکوت خدا نخواهند شد؟ خود را فریب نادهید! بی‌عفنان، بتپستان، زناکاران، لواطکاران، همجنس‌بازان، **۱۰:۶** و همین طور دزدان، طمعکاران، میگسaran، تهمت‌زنندگان و کلاهبرداران، هیچ‌یک وارث ملکوت خدا نخواهند شد. **۱۱:۶** بعضی از شما در گذشته، چنین زندگی گناه‌آلودی داشتید، اما اکنون گناه‌انتان شسته شده و شما وقف خدا و مورد پسند او شده‌اید، و این در اثر کار خداوند ما عیسیٰ مسیح و قادرت روح القدس میسر شده است.

دوم قرنیتان 17:5 کسی که از آن مسیح می‌گردد، تبدیل به شخص جدیدی می‌شود. او دیگر آن انسان قبلی نیست؛ بلکه زندگی کاملاً تازه‌ای را آغاز کرده است. **18:5** تمام این نیکی‌ها از سوی خداونی است که به خاطر فداکاری عیسی مسیح، ما را با خود آشتباده است، و این مستولیت را به ما سپرده تا پیام این آشتبی را به دیگران نیز برسانیم. **19:5** پیام ما این است که خدا در مسیح بود و مردم را به آشتبی با خود فرا می‌خواند تا گناهانش را بیخشاید و آثار آن را پاک نماید. **20:5** ما سفیران مسیح هستیم. خدا به وسیله ما با شما سخن می‌گوید. وقتی ما چیزی را از شما درخواست می‌کنیم، مانند این است که مسیح آن را از شما می‌خواهد. بنابراین، از جانب او از شما می‌خواهیم که لطف و محبت خدا را رد نکنید و با او آشتبی نماید. **21:5** زیرا خدا مسیح را که هرگز گناه نکرد، در راه ما گناه ساخت، تا ما بتوانیم به واسطه مسیح در پیشگاه خدا مقبول واقع شویم.

غلاظطیان 6:1 تعجب می‌کنم که به این زودی از خدایی که شما را به واسطه فیض مسیح فرا خوانده است، رویگردن شده و به انجیل دیگری روی آورده‌اید، به پیام دیگری برای کسب حیات جاویدان. **7:1** زیرا غیر از راهی که به شما اعلام کردیم، راه دیگری وجود ندارد. آنانی که راه دیگری به شما معرفی می‌کنند، می‌خواهند شما را فربی داده، حقیقت انجیل مسیح را دگرگون کنند.

افسیسیان 1:2 روزگاری شما نیز به علت سرکشی و گناهانتان، مرده بودید. **2:2** شما در گناه زندگی می‌کردید، آن هنگام که از روش‌های این دنیا و از فرمابوای قدرت هوا پیروی می‌نمودید، یعنی همان روحی که هم اکنون در طغیانگران عمل می‌کند. **3:2** ما نیز همگی مانند آنها بودیم. روش زندگی ما، نشان دهنده طبیعت ناپاک ما بود. ما اسیر هوسها و افکار کثیف خود بودیم و دست به هر کار رشتی می‌زدیم. ما با همین طبیعت سرکش به دنیا آمدیم و درست مانند دیگران، زیر خشم و غضب خدا بودیم. **4:2** اما خدا که لطف و رحمتش بیش از حد تصور ماست، ما را انقدر دوست داشت **5:2** که ما را با مسیح زنده کرد، گرچه در خطایا مرده بودیم. پس صرفاً در اثر فیض خدا نجات یافته‌ایم. **6:2** بله، خدا به دلیل کاری که مسیح برای ما انجام داد، ما را با او برجیزاید، و با او در قلمروهای آسمانی در مسیح عیسی نشانید. **7:2** تا از این طریق، بتواند عظمت وصف تابدیل فیض خود در مسیح عیسی را در اعصار آینده، به همه نشان دهد، فرضی که در مهربانی اش نسبت به ما تجلی یافته است. **8:2** زیرا به واسطه فیض است که نجات یافته‌اید، از طریق ایمان و این را نمی‌توانید به حساب خود بگزارید، چرا که هدایه‌ای است از جانب خدا. **9:2** نجات پاداش اعمال نیک ما نیست، و از این رو، هیچ کس نمی‌تواند به سبب آن به خود پیالد. **10:2** زیرا ما ساخته دست خدایم، و در مسیح عیسی آفریده شده‌ایم تا کارهای نیک انجام دهیم، کارهایی که خدا از دیرباز تدارک دیده تا آنها سلوک کنیم.

فلیپیان 7:3 اما اکنون همه این امتیازات را که روزگاری برایم بسیار با ارزش بود، دور ریخته‌ام، تا بتوانم ایمان و امید را به مسیح بیندم. **8:3** بله، همه چیز در مقابل نعمت شناخت خداوندم مسیح عیسی، بی ارزش است. بنابراین، همه را کنار گذاشتم، چون برای من پیشیزی ارزش ندارند، با این هدف که مسیح را داشته باشم. **9:3** و با او یکی شدم، و دیگر برای نجات یافتن، بر کارهای خوب خودم و با اطاعت از قوانین مذهبی تکیه نکنم، بلکه اعتماد بر مسیح باشد؛ زیرا فقط از راه ایمان به مسیح است که خدا ما را بی گناه به حساب می‌آورد.

کولسیان 15:1 او چهره دیدنی خدای نادیدنی و نخست‌زاده تمامی آفرینش است. **16:1** در واقع، تمام هستی به وسیله عیسی مسیح به وجود آمد، یعنی هر آنچه در آسمان و بر زمین است، دیدنی و نادیدنی؛ عالم روحانی با فرمابوایان و تاج و تخت ایشان، و فرماندهان و بزرگانشان، همه به وسیله مسیح و برای جلال او آفریده شدند. **17:1** پیش از آنکه چیزی به وجود آید، او وجود داشت، و قدرت اوست که همه چیز را در عالم هستی در هم‌هانگی با یکدیگر نگاه می‌دارد. **18:1** او سر بدن است، که همان کلیسا باشد. او سرآغاز است، و نخست‌زاده آنانی است که به قیامت از مرگان می‌رسند، تا بدین‌سان، او در همه چیز مقتدم باشد. **19:1** زیرا خدا اراده فرمود که الوهیت کاملش در وجود پسرش ساکن گردد. **20:1** او به واسطه مسیح، همه چیز را با خود آشتبی داد، چه چیزهایی که بر روی زمین اند و چه چیزهایی که در آسمان هستند، و با خون او که بر صلیب ریخته شد، صلح و آشتبی را فراهم ساخت.

اول تosalونیکیان 1:4 دیگر اینکه، ای برادران و خواهران عزیز، به نام عیسای خداوند از شما استدعا داریم چنان رفتار کنید که خدا را خشنود سازید، چنانکه به شما آموختیم. البته، همین گونه نیز رفارمی کنید، اما شما را تشییق می‌کنیم تا در این مورد بیشتر تلاش کنید. **2:4** زیرا می‌دانید که به اقدار عیسای خداوند چه تعالیمی به شما دادیم. **3:4** اراده و خواست خدا این است که مقدس باشید و از هر نوع گناه جنسی خود را دور نگاه دارید. **4:4** هر یک از شما باید بیاموزد که بدن خود را تحت تسلط درآورد و زندگی خود را در تقضی و احترام سپری کنند. **5:4** نگذارید بدنبان مانند خدانشناسان، اسیر شهوات باشد.

دوم تosalونیکیان 6:3 و اکنون برادران عزیز، به حکمی که به نام خداوند ما عیسی مسیح و با قدرت او صادر می کنیم، توجه کنید: از هر مسیحی تنبیل که اوقات خود را به بیکاری می گذراند، و نمی خواهد مطابق الگویی که اراوه دادیم کار کند، دوری نماید. **7:3** زیرا شما خوب می دانید که چه درسی باید از ما بگیرید: شما هرگز ندیدید که ما در میان شما بیکار بگردیم. **8:3** نان هیچ کس را مفت نخودیدیم، بلکه روز و شب کار کردیم و عرق رینخیتم تا بعوانیم لقمه نانی به دست آورده، سربار شما نباشیم؛ **9:3** نه به این دليل که حق نداشتم از شما تقاضای خوارک بکنیم، بلکه می خواستیم الگویی به شما بدیم و نشان دهیم که برا امرار معاش باید کار کرد. **10:3** همان موقع نیز که آنچه نزد شما بودیم، حکم کردیم که: «هر کس نمی خواهد کار کند، حق ندارد خوارک بخورد.»

اول تیموتاوس 1:2 از این رو، پیش از هر چیز، سفارش می کنم که برای جمیع مردمان، درخواستها، دعاها، شفاعت‌ها و شکرگزاری‌ها به جا آورده شود. **2:2** از جمله، برای پادشاهان و صاحب منصبان، تا بتوانیم در صلح و آرامش به سر بریم و در هر زمینه‌ای، با خداترسی و شایستگی زندگی کنیم. **3:2** زیرا این نیکو و پسندیده نجات‌دهنده ما خداست **4:2** که می خواهد همه مردم نجات بپائند و به شناخت حقیقت برسند. **5:2** این حقیقت که تنها یک خدا هست، و نیز تنها یک میانجی میان خدا و بشر، یعنی عیسی مسیح که خود نیز انسان بود.

دوم تیموتاوس 8:2 هیچگاه این حقیقت را از یاد نبر که عیسی مسیح به لحاظ جسمانی، از نسل داود بود و پس از مرگ، بار دیگر زنده شد. این همان پیغام انجل است که من اعلام می کنم، **9:2** و به سبب این کار، در زحمت افتابادام و مانند یک خطاكار در زندان به سر می برم. با اینکه مرا به زنجیر کشیده‌اند، اما کلام خدا را نمی توانند به زنجیر بکشند. **10:2** اما من حاضر در راه برگردگان خدا بیش از اینها رحمت بیینم تا ایشان نیز نجات و جلال جاودانی را از عیسی مسیح بیابند. (*aiōnios g166*)

تیتوس 11:2 زیرا فیض خدا ظاهر شده است، فیضی که سرچشم نجات برای همه مردم است، **12:2** و به ما می آموزد که از زندگی ای بند و بار و خوشگذرانی‌های گناه‌آلود دست بکشیم و زندگی پاک و خداپسندانه‌ای در این دنیا داشته باشیم. (*aiōn g165*) **13:2** اگر چنین زندگی کنیم، می توانیم با امید و اشیاق، منتظر روز مبارکی باشیم که در آن، خدای بزرگ و نجات دهنده‌مان عیسی مسیح باشکوه و جلال ظاهر می شود. **14:2** او جان خود را در راه گناهان ما فدا ساخت تا ما را از هر شرارتی راهی بخشد، و ما را طاهر ساز، و از ما قوی پدید آورده که به شکلی خاص متعلق به او بوده، عمیقاً مشتاق انجام اعمال نیک باشند.

فلیمون 3:1 از پدرمان، خدا، و خداوندان، عیسی مسیح، خواستار فیض و آرامش برای شما هستم. **4:1** فلیمون عزیز، هر بار که برای تو دعا می کنم، ابتدا خدا را برای وجود تو شکر می کنم، **5:1** زیرا از دیگران می شنوم که چه ایمان استواری به عیسای خداوند داری، و چه محبتی در حق همه مقدسان، یعنی در حق ایمانداران انجام می دهی. **6:1** دعا می کنم که ایمان و اعتمادی را که به خداوند داری، با دیگران در میان بگذاری، تا ایشان نیز تحت تأثیر قرار گیرند و ببینند که چه نیکویی ها و مواهی از عیسی مسیح نصیب تو شده است. **7:1** من خودم از محبت تو ای برادر، شادی و تسلی پیدا کردم، زیرا مهربانی تو دلهای ایمانداران را تازه کرده است.

عبرانیان 1:1 در زمانهای گذشته، خدا بارها و به شیوه‌های گوناگون، از طریق پیامبران با نیاکان ما سخن گفت، **2:1** اما در این ایام آخر، توسط پسرش با ما سخن گفت. خدا در واقع، اختیار همه چیز را به پسر خود سپرده و جهان و تمام موجودات را به وسیله او آفریده است. (*aiōn g165*) **3:1** پسر خدا، معنکس‌کننده جلال خدا و مظہر کامل وجود است. او با کلام نیرومند خود تمام عالم هستی را اداره می کند. او به این جهان آمد تا جانش را فدا کند و ما را پاک ساخته، گذشته گناه‌آلود ما را محو نماید؛ پس از آن، در بالاترین مکان افتخار، یعنی به دست راست خدای متعال نشست.

یعقوب 16:1 پس ای ایمانداران عزیز، گمراه مشوید. **17:1** از جانب خدا فقط موهاب نیکو و کامل به ما می رسد، از او که آفریننده همه روشانی هاست، و بخلاف سایه‌های جاچاشوونه، دچار تغییر نمی گردد. **18:1** او چنین اراده فرمود که ما را به وسیله کلام حقیقت، یعنی پیام انجلیل، حیاتی نو بیخشد، تا ما نویر مخلوقات او باشیم.

اول پطرس 18:3 مسیح نیز زحمت دید. او خود از هر گناهی می‌بود، اما یک بار جان خود را در راه ما گناهکاران فدا کرد تا ما را به حضور خدا بیارد. او به لحاظ جسم مُرد، اما به لحاظ روح زنده گشت.

دوم پطرس 3:1 او همچنین با قدرت الهی خود، هر چه که برای یک زندگی خداپسندانه نیاز داریم، به ما میبخشد و حتی ما را در جلال و نیکوی خود سهیم می‌سازد؛ اما برای این منظور، لازم است که او را بهتر و عصیق‌تر بشناسیم. **4:1** با همین قدرت عظیم بود که تمام برکات غنی و عالی را که وعده داده بود، به ما بخشدید. یعنی از این وعده‌ها این بود که ما را از شهوت و فساد محیط اطرافمان رهایی دهد و از طبیعت و صفات الهی خود بهره‌ای به ما بخشدید.

اول یوحنا 1:2 فرزندان عزیزم، این را به شما می‌نویسم تا گناهی از شما سر زد، کسی هست که برای ما نزد خدای پدر وساطت کند و بخشايش ما را از او درخواست نماید. این شخص عیسی مسیح است که مظہر راستی و عدالت است. **2:2** او کسی است که توان گناهان ما را داده تا خدا ما را هلاک نسازد؛ او با این کار، رابطه‌ای دوستانه میان خدا و ما به وجود آورده است. او نه فقط برای گناهان ما، بلکه برای گناهان تمام مردم جهان فدا شد.

دوم یوحنا 7:1 این را می‌گوییم چون معلمین فریبکار بسیاری در دنیا هستند. ایشان قبول ندارند که عیسی مسیح به صورت یک انسان و با بدنی همچون بدن ما به این جهان آمد. چنین افراد، فریبکار و ضدمسیح هستند.

سوم یوحنا 4:1 برای من هیچ دلخوشی بزرگتر از این نیست که بشنوم فرزندان اینچنین از حقیقت پیروی می‌کنند.

یهودا 3:1 ای عزیزان، اشتیاق بسیار داشتم تا درباره نجاتی که خداوند به ما بخشدید، مطالبی برایتان بنویسم. اما اکنون لازم می‌بینم، مطلب دیگری به جای آن بنویسم تا شما را ترغیب نمایم از آن ایمانی که خدا یکبار برای همیشه به مقدسین خود سپرده، با جدیت تمام دفاع کنید. **4:1** زیرا عده‌ای خدانشناس با نیرنگ وارد کلیسا شده‌اند و تعلیم می‌دهند که ما پس از مسیحی شدن، می‌توانیم هر چه دلمان می‌خواهد انجام دهیم بدون آنکه از مجازات الهی بترسیم. عاقبت هولناک این معلمین دروغین و گمراه از مدت‌ها پیش تعیین شده است، زیرا با سرور و خداوند یگانه ما عیسی مسیح، سر به مخالفت برداشته‌اند.

مکاشفه 19:3 من آنانی را که دوست می‌دارم، تأذیب و تنبیه می‌کنم. تو را نیز تنبیه می‌کنم تا از لاقيیدی دست کشیده، برای خدا غیر شوی. **20:3** اکنون در مقابل در ایستاده، در را می‌کویم. هر که صدای ما بشنود و در را بگشاید، داخل شده، با او همسفره خواهم شد و او نیز با من. **21:3** من به هر که پیروز شود، اجازه خواهم داد که بر تخت سلطنتی ام، در کنار من بنشید، همان‌طور که من نیز پیروز شدم و در کنار پدرم بر تخت او نشستم. **22:3** هر که این را می‌شنود، خوب توجه کند که روح خدا به کلیساها چه می‌گوید.»

راهنمای خوانندگان

فارسی at AionianBible.org/Readers-Guide

The Aionian Bible republishes public domain and Creative Common Bible texts that are 100% free to copy and print. The original translation is unaltered and notes are added to help your study. The notes show the location of eleven special Greek and Hebrew Aionian Glossary words to help us better understand God's love for individuals and for all mankind, and the nature of afterlife destinies.

Who has the authority to interpret the Bible and examine the underlying Hebrew and Greek words? That is a good question! We read in 1 John 2:27, “*As for you, the anointing which you received from him remains in you, and you do not need for anyone to teach you. But as his anointing teaches you concerning all things, and is true, and is no lie, and even as it taught you, you remain in him.*” Every Christian is qualified to interpret the Bible! Now that does not mean we will all agree. Each of us is still growing in our understanding of the truth. However, it does mean that there is no infallible human or tradition to answer all our questions. Instead the Holy Spirit helps each of us to know the truth and grow closer to God and each other.

The Bible is a library with 66 books in the Protestant Canon. The best way to learn God's word is to read entire books. Read the book of Genesis. Read the book of John. Read the entire Bible library. Topical studies and cross-referencing can be good. However, the safest way to understand context and meaning is to read whole Bible books. Chapter and verse numbers were added for convenience in the 16th century, but unfortunately they can cause the Bible to seem like an encyclopedia. The Aionian Bible is formatted with simple verse numbering, minimal notes, and no cross-referencing in order to encourage the reading of Bible books.

Bible reading must also begin with prayer. Any Christian is qualified to interpret the Bible with God's help. However, this freedom is also a responsibility because without the Holy Spirit we cannot interpret accurately. We read in 1 Corinthians 2:13-14, “*And we speak of these things, not with words taught by human wisdom, but with those taught by the Spirit, comparing spiritual things with spiritual things. Now the natural person does not receive the things of the Spirit of God, for they are foolishness to him, and he cannot understand them, because they are spiritually discerned.*” So we cannot understand in our natural self, but we can with God's help through prayer.

The Holy Spirit is the best writer and he uses literary devices such as introductions, conclusions, paragraphs, and metaphors. He also writes various genres including historical narrative, prose, and poetry. So Bible study must spiritually discern and understand literature. Pray, read, observe, interpret, and apply. Finally, “*Do your best to present yourself approved by God, a worker who does not need to be ashamed, properly handling the word of truth.*” 2 Timothy 2:15. “*God has granted to us his precious and exceedingly great promises; that through these you may become partakers of the divine nature, having escaped from the corruption that is in the world by lust. Yes, and for this very cause adding on your part all diligence, in your faith supply moral excellence; and in moral excellence, knowledge; and in knowledge, self-control; and in self-control patience; and in patience godliness; and in godliness brotherly affection; and in brotherly affection, love. For if these things are yours and abound, they make you to be not idle nor unfruitful to the knowledge of our Lord Jesus Christ,*” 2 Peter 1:4-8.

واژه نامه
at AionianBible.org/Glossary

The Aionian Bible un-translates and instead transliterates eleven special words to help us better understand the extent of God's love for individuals and all mankind, and the nature of afterlife destinies. The original translation is unaltered and a note is added to 64 Old Testament and 200 New Testament verses. Compare the meanings below to the Strong's Concordance and Glossary definitions.

Abyssos g12

Greek: proper noun, place

Usage: 9 times in 3 books, 6 chapters, and 9 verses

Meaning:

Temporary prison for special fallen angels such as Apollyon, the Beast, and Satan.

aīdios g126

Greek: adjective

Usage: 2 times in Romans 1:20 and Jude 6

Meaning:

Lasting, enduring forever, eternal.

aiōn g165

Greek: noun

Usage: 127 times in 22 books, 75 chapters, and 102 verses

Meaning:

A lifetime or time period with a beginning and end, an era, an age, the completion of which is beyond human perception, but known only to God the creator of the aiōns, Hebrews 1:2. Never meaning simple endless or infinite chronological time in Greek usage. Read Dr. Heleen Keizer and Ramelli and Konstan for proofs.

aiōnios g166

Greek: adjective

Usage: 71 times in 19 books, 44 chapters, and 69 verses

Meaning:

From start to finish, pertaining to the age, lifetime, entirety, complete, or even consummate. Never meaning simple endless or infinite chronological time in Koine Greek usage. Read Dr. Heleen Keizer and Ramelli and Konstan for proofs.

eleēsē g1653

Greek: verb, aorist tense, active voice, subjunctive mood, 3rd person singular

Usage: 1 time in this conjugation, Romans 11:32

Meaning:

To have pity on, to show mercy. Typically, the subjunctive mood indicates possibility, not certainty. However, a subjunctive in a purpose clause is a resulting action as certain as the causal action. The subjunctive in a purpose clause functions as an indicative, not an optative. Thus, the grand conclusion of grace theology in Romans 11:32 must be clarified. God's mercy on all is not a possibility, but a certainty. See ntgreek.org.

Geenna g1067

Greek: proper noun, place

Usage: 12 times in 4 books, 7 chapters, and 12 verses

Meaning:

Valley of Hinnom, Jerusalem's trash dump, a place of ruin, destruction, and judgment in this life, or the next, though not eternal to Jesus' audience.

Hadēs g86

Greek: proper noun, place

Usage: 11 times in 5 books, 9 chapters, and 11 verses

Meaning:

Synonomous with Sheol, though in New Testament usage Hades is the temporal place of punishment for deceased unbelieving mankind, distinct from Paradise for deceased believers.

Limnē Pyr g3041 g4442

Greek: proper noun, place

Usage: Phrase 5 times in the New Testament

Meaning:

Lake of Fire, final punishment for those not named in the Book of Life, prepared for the Devil and his angels, Matthew 25:41.

Sheol h7585

Hebrew: proper noun, place

Usage: 66 times in 17 books, 50 chapters, and 64 verses

Meaning:

The grave or temporal afterlife world of both the righteous and unrighteous, believing and unbelieving, until the general resurrection.

Tartaroō g5020

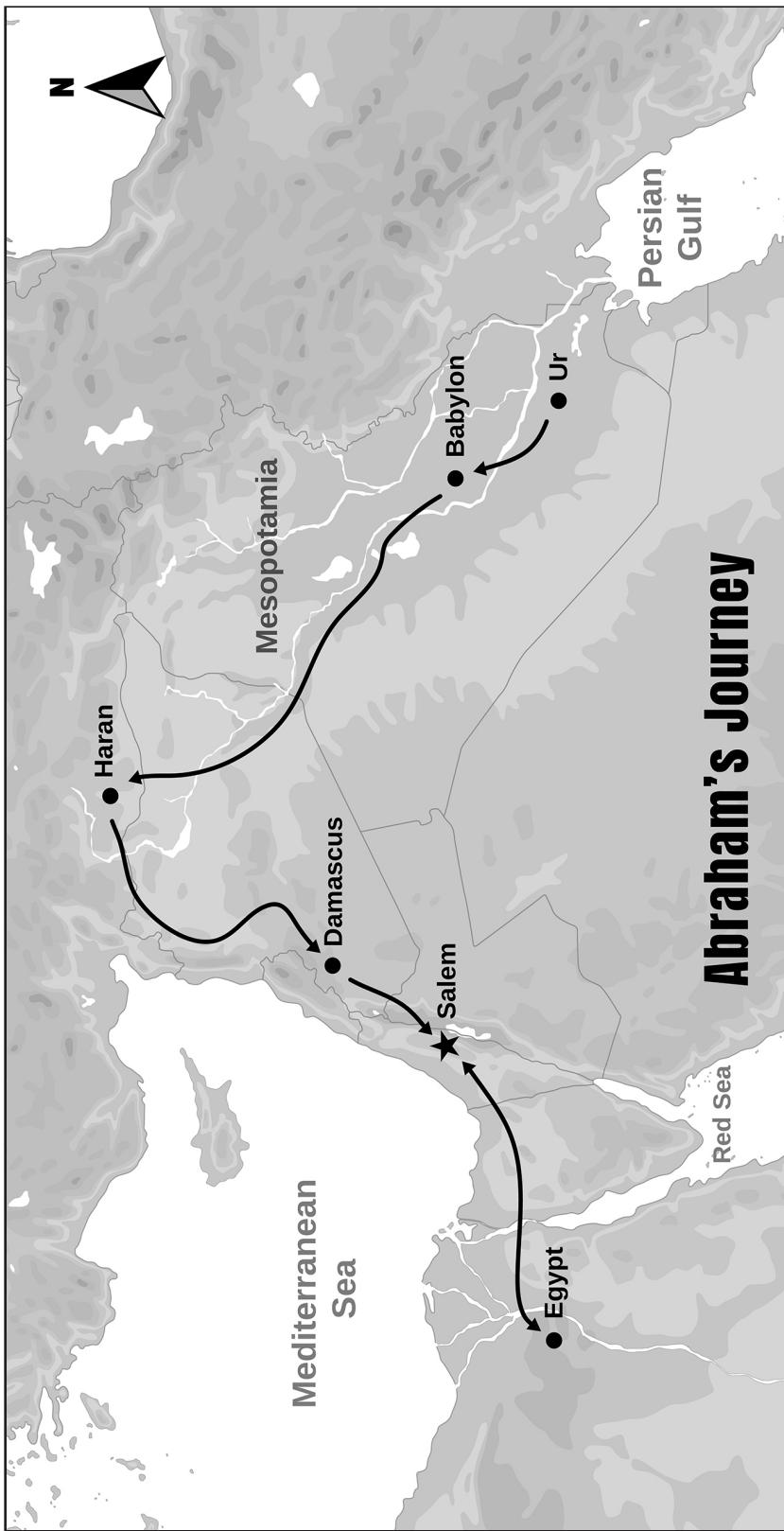
Greek: proper noun, place

Usage: 1 time in 2 Peter 2:4

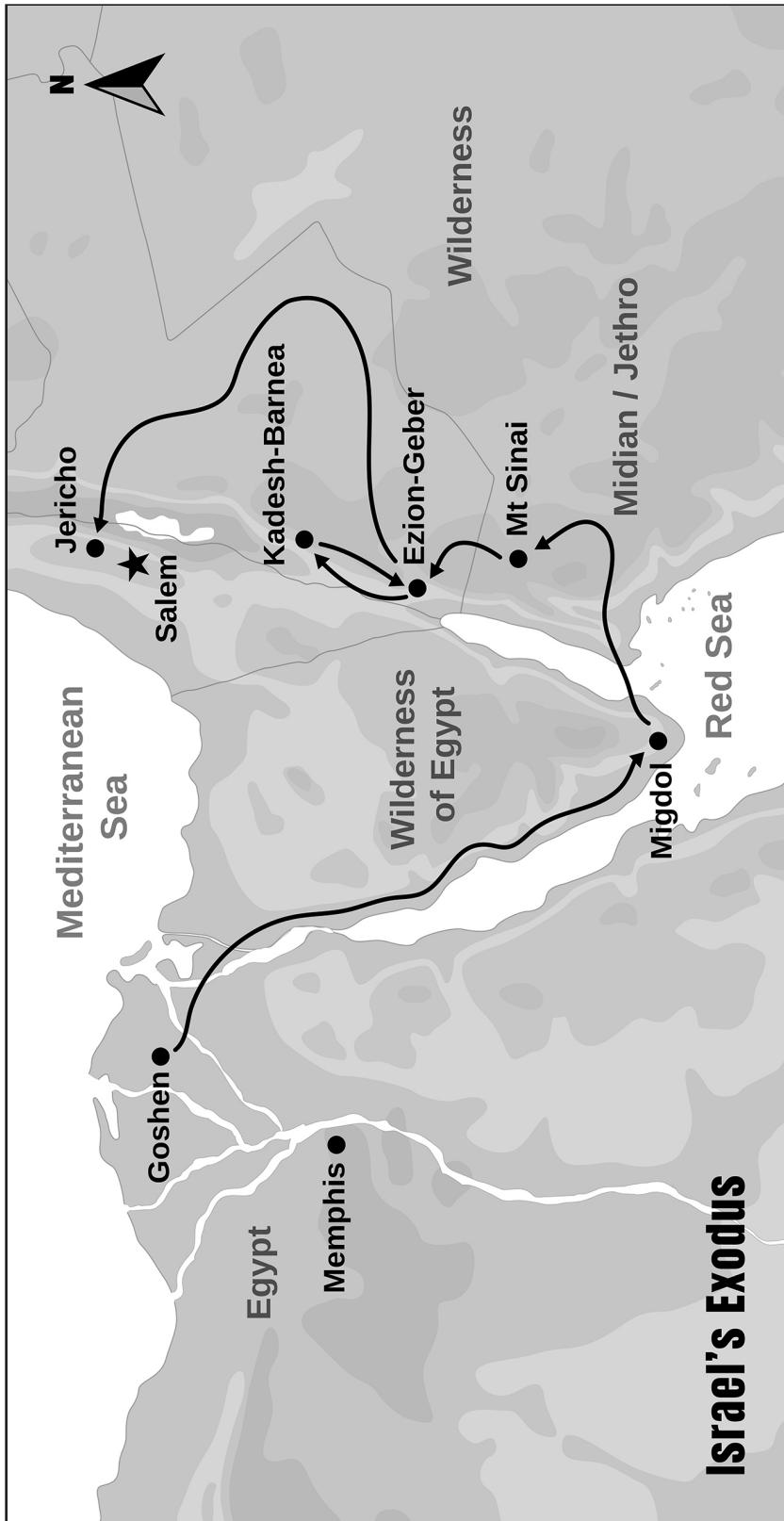
Meaning:

Temporary prison for particular fallen angels awaiting final judgment.

Abraham's Journey

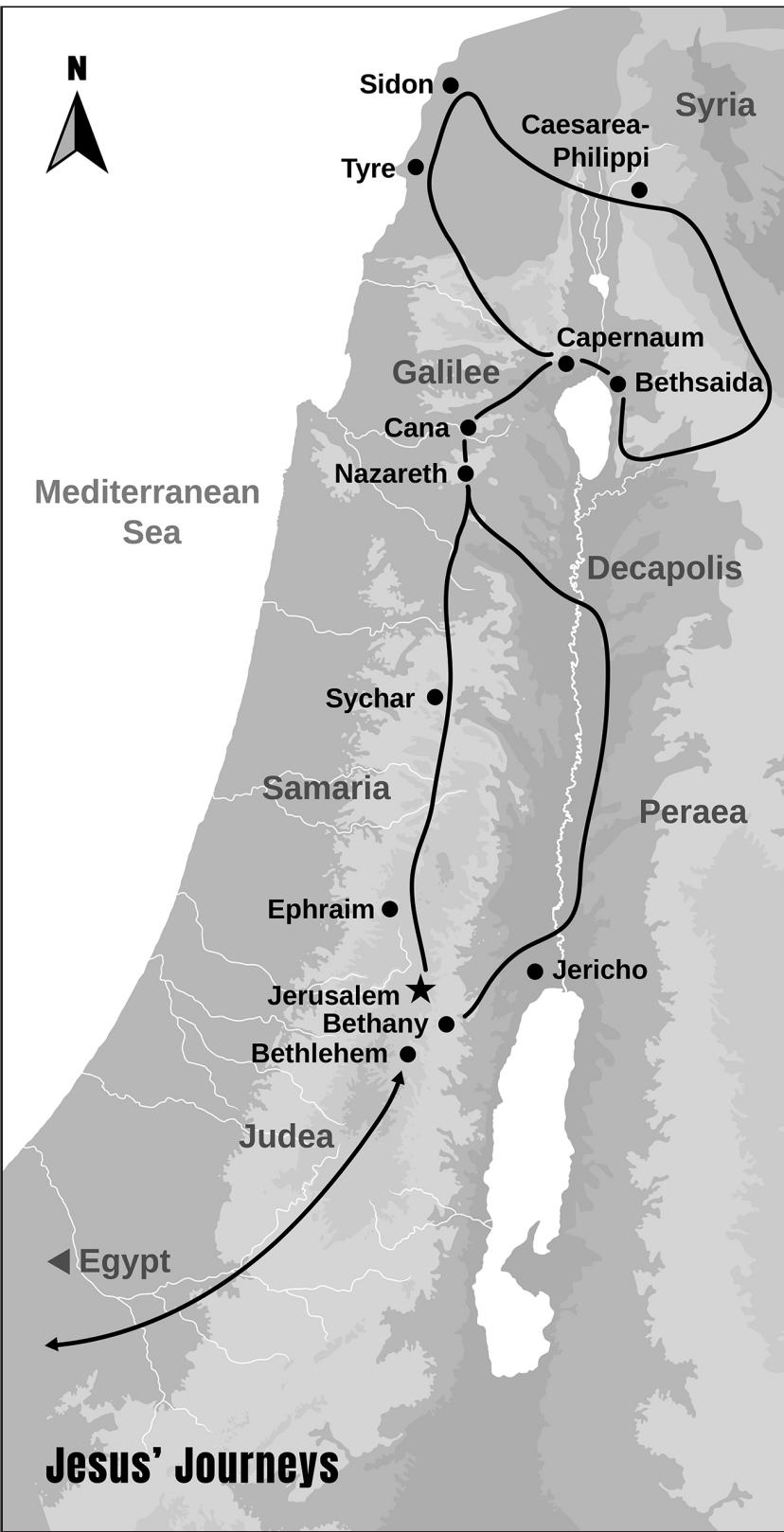


ابراهیم پیر به خاطر ایمانی که به خدا داشت، دعوت او را طاعت کرد و به سوی سرزمینی که خدا وعده‌اش را داده بود، به ارا افتاد. او بدن آنکه بداند به کجا میرود، شهر و دیار خود را ترک گشت؛ - عربیان 11:8



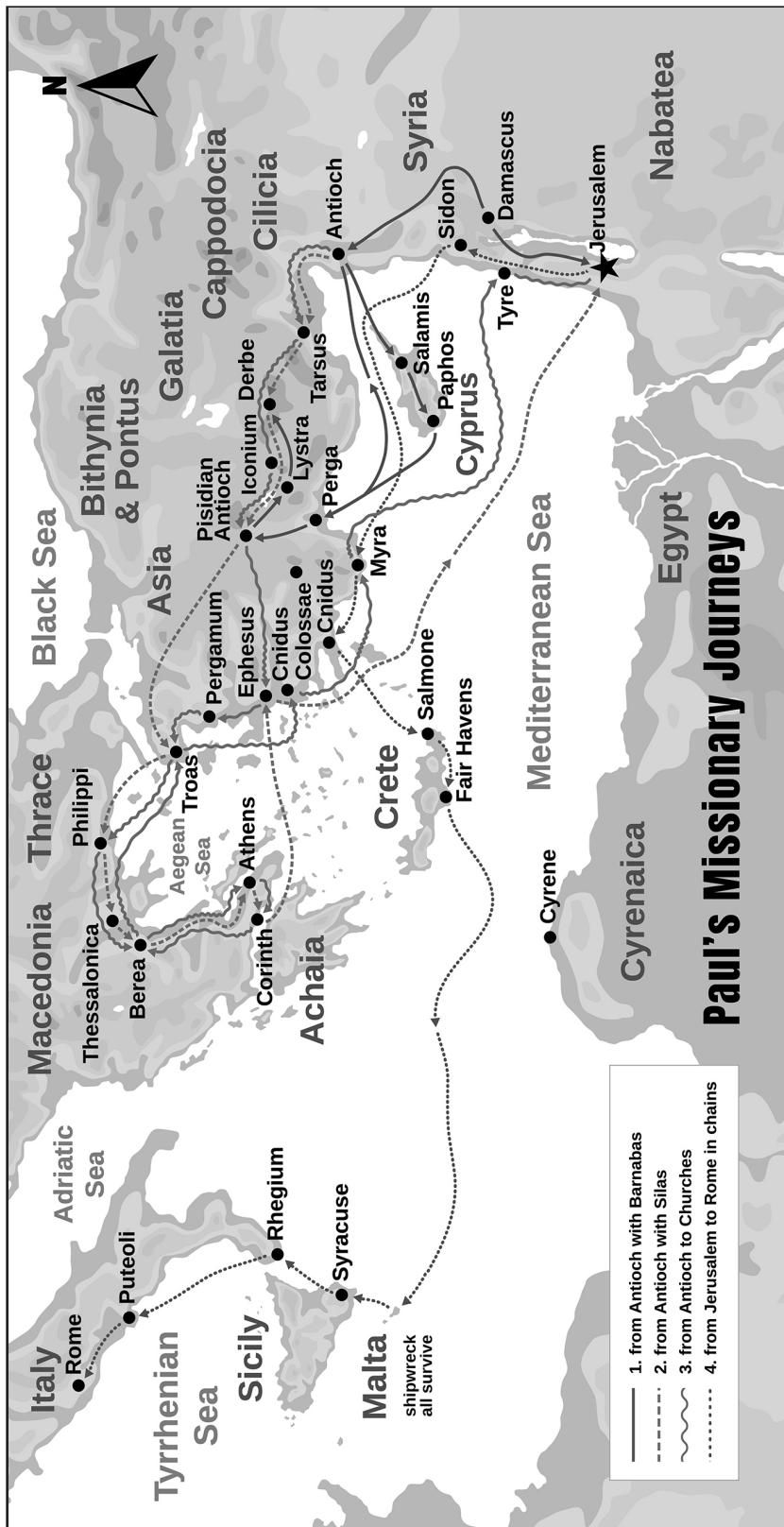
وقعه سر ایلام فرعون به قوم اسرائیل اجازه داد تا از مصر بروند، خدا آن را از راه اصلی که از سرزمین فلسطینی ها می گذشتند برود، هرچند آن را نبودنکرد. خدا گفت: «اگر قوم با جیگ را زد و شود، ممکن است پیشیان شده، به مصر بگرد». - خروج 13:17

بیو پسر انسان نیز نیامده تا کسی به او خدمت کند، بلکه آنده است تا به دیگران کمک کند و جایش را در راه آزادی دیگران داد سازد. - مفہوم 10:45



Paul's Missionary Journeys

این نامه از طرف پولس، ملام عیسی مسیح است که قوسمت خدا به رسالت برگردانده شده تا موده انجعل او را به همیگان برسانند. - روزیان ۱.۱



New Heavens and Earth



- Christ returns for his people
- 1956 Jim Elliot martyred in Ecuador
- 1830 John Williams reaches Polynesia
- 1731 Zinzendorf leads Moravian mission
- 1614 Japanese kill 40,000 Christians
- 1572 Jesuits reach Mexico
- 1517 Martin Luther leads Reformation
- 1455 Gutenberg prints first Bible
- 1323 Franciscans reach Sumatra
- 1276 Ramon Llull trains missionaries
- 1100 Crusades tarnish the church
- 1054 The Great Schism
- 997 Adalbert martyred in Prussia
- 864 Bulgarian Prince Boris converts
- 716 Boniface reaches Germany
- 635 Alopen reaches China
- 569 Longinus reaches Alodia / Sudan
- 432 Saint Patrick reaches Ireland
- 397 Carthage ratifies Bible Canon
- 341 Ulfilas reaches Goth / Romania
- 325 Niceae proclaims God is Trinity
- 250 Denis reaches Paris, France
- 197 Tertullian writes Christian literature
- 70 Titus destroys the Jewish Temple
- 61 Paul imprisoned in Rome, Italy
- 52 Thomas reaches Malabar, India
- 39 Peter reaches Gentile Cornelius
- 33 Holy Spirit empowers the Church

(Wikipedia, Timeline of Christian missions)

Resurrected 33 A.D.

Creation 4004 B.C.

Adam and Eve created	4004
Tubal-cain forges metal	3300
Enoch walks with God	3017
Methuselah dies at age 969	2349
God floods the Earth	2349
Tower of Babel thwarted	2247
Abraham sojourns to Canaan	1922
Jacob moves to Egypt	1706
Moses leads Exodus from Egypt	1491
Gideon judges Israel	1245
Ruth embraces the God of Israel	1168
David installed as King	1055
King Solomon builds the Temple	1018
Elijah defeats Baal's prophets	896
Jonah preaches to Nineveh	800
Assyrians conquer Israelites	721
King Josiah reforms Judah	630
Babylonians capture Judah	605
Persians conquer Babylonians	539
Cyrus frees Jews, rebuilds Temple	537
Nehemiah rebuilds the wall	454
Malachi prophesies the Messiah	416
Greeks conquer Persians	331
Seleucids conquer Greeks	312
Hebrew Bible translated to Greek	250
Maccabees defeat Seleucids	165
Romans subject Judea	63
Herod the Great rules Judea	37

(The Annals of the World, James Usher)



Jesus Christ born 4 B.C.

Mankind is created in God's image, male and female He created us

Sin entered the world through Adam and then death through sin

When are we?



Fallen				Glory				
Fall to sin No Law	Moses' Law 1500 B.C.	Christ 33 A.D.	Church Age Kingdom Age	New Heavens and Earth				
1 Timothy 6:16 Living in unapproachable light				Acts 3:21 Philippians 2:11 Revelation 20:3				
John 8:58 Pre-incarnate		John 1:14 Incarnate	Luke 23:43 Paradise	God's perfectly restored fellowship with all Mankind praising Christ as Lord in the Holy City				
Psalm 139:7 Everywhere		John 14:17 Living in believers						
Ephesians 2:1-5 Serving the Savior or Satan on Earth								
Luke 16:22 Blessed in Paradise								
Luke 16:23, Revelation 20:5,13 Punished in Hades until the final judgment				Matthew 25:41 Revelation 20:10				
Hebrews 1:14 Serving mankind at God's command								
2 Peter 2:4, Jude 6 Imprisoned in Tartarus								
1 Peter 5:8, Revelation 12:10 Rebelling against Christ Accusing mankind				Revelation 20:13 Thalaasa				
				Revelation 19:20 Lake of Fire				
				Revelation 20:2 Abyss				

For God has bound all over to disobedience in order to show mercy to all

What are we? ►			Genesis 1:26 - 2:3	
How are we sinful? ►			Romans 5:12-19	
Where are we?			Innocence	
			Eternity Past	Creation 4004 B.C.
► Who are we?	God	Father	John 10:30 God's perfect fellowship	Genesis 1:31 God's perfect fellowship with Adam in The Garden of Eden
		Son		
		Holy Spirit		
	Mankind	Living	Genesis 1:1 No Creation No people	Genesis 1:31 No Fall No unholy Angels
		Deceased believing		
		Deceased unbelieving		
	Angels	Holy		
		Imprisoned		
		Fugitive		
		First Beast		
		False Prophet		
		Satan		
Why are we? ►			Romans 11:25-36, Ephesian 2:7	

سرنوشت

at AionianBible.org/Destiny فارسی

The Aionian Bible shows the location of eleven special Greek and Hebrew Aionian Glossary words to help us better understand God's love for individuals and for all mankind, and the nature of after-life destinies. The underlying Hebrew and Greek words typically translated as *Hell* show us that there are not just two after-life destinies, Heaven or Hell. Instead, there are a number of different locations, each with different purposes, different durations, and different inhabitants. Locations include 1) Old Testament Sheol and New Testament Hadēs, 2) Geenna, 3) Tartarōō, 4) Abyssos, 5) Limnē Pyr, 6) Paradise, 7) *The New Heaven*, and 8) *The New Earth*. So there is reason to review our conclusions about the destinies of redeemed mankind and fallen angels.

The key observation is that fallen angels will be present at the final judgment, 2 Peter 2:4 and Jude 6. Traditionally, we understand the separation of the Sheep and the Goats at the final judgment to divide believing from unbelieving mankind, Matthew 25:31-46 and Revelation 20:11-15. However, the presence of fallen angels alternatively suggests that Jesus is separating redeemed mankind from the fallen angels. We do know that Jesus is the helper of mankind and not the helper of the Devil, Hebrews 2. We also know that Jesus has atoned for the sins of all mankind, both believer and unbeliever alike, 1 John 2:1-2. Deceased believers are rewarded in Paradise, Luke 23:43, while unbelievers are punished in Hades as the story of Lazarus makes plain, Luke 16:19-31. Yet less commonly known, the punishment of this selfish man and all unbelievers is before the final judgment, is temporal, and is punctuated when Hades is evacuated, Revelation 20:13. So is there hope beyond Hades for unbelieving mankind? Jesus promised, "*the gates of Hades will not prevail*," Matthew 16:18. Paul asks, "*Hades where is your victory?*" 1 Corinthians 15:55. John wrote, "*Hades gives up,*" Revelation 20:13.

Jesus comforts us saying, "*Do not be afraid*," because he holds the keys to *unlock* death and Hades, Revelation 1:18. Yet too often our *Good News* sounds like a warning to "*be afraid*" because Jesus holds the keys to *lock* Hades! Wow, we have it backwards! Hades will be evacuated! And to guarantee hope, once emptied, Hades is thrown into the Lake of Fire, never needed again, Revelation 20:14.

Finally, we read that anyone whose name is not written in the Book of Life is thrown into the Lake of Fire, the second death, with no exit ever mentioned or promised, Revelation 21:1-8. So are those evacuated from Hades then, "*out of the frying pan, into the fire?*" Certainly, the Lake of Fire is the destiny of the Goats. But, do not be afraid. Instead, read the Bible's explicit mention of the purpose of the Lake of Fire and the identity of the Goats, "*Then he will say also to those on the left hand, 'Depart from me, you cursed, into the consummate fire which is prepared for... the devil and his angels,'*" Matthew 25:41. Bad news for the Devil. Good news for all mankind!

Faith is not a pen to write your own name in the Book of Life. Instead, faith is the glasses to see that the love of Christ for all mankind has already written our names in Heaven. "*If the first fruit is holy, so is the lump*," Romans 11:16. Though unbelievers will suffer regrettable punishment in Hades, redeemed mankind will never enter the Lake of Fire, prepared for the devil and his angels. And as God promised, all mankind will worship Christ together forever, Philippians 2:9-11.



Disciple All Nations

بیس بروند و تمثیل قومها را شاگرد من می‌بازد و اینسان را به اسم پدر و پسر و روح [القدس] تعبید دهد: - منی 28:19

